



# وضعیت فقر و ویژگی‌های فقرا در دهه گذشته (دهه ۹۰)





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ انتشار:  
۱۴۰۲/۳/۲



مرکز پژوهش‌های  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۸۹۵۵  
کد موضوعی: ۲۲۰

عنوان گزارش:

وضعیت فقر و ویژگی‌های فقرا  
در دهه گذشته (دهه ۹۰)

نام دفتر:

مطالعات اقتصادی (گروه اقتصاد کلان و مدل‌سازی)

تهیه و تدوین:

زهرا کاویانی

همکاران:

محمدصابر پهلوان، محمداصادق بیرجندی

ناظران علمی:

محمدرضا عبداللہی، موسی شهبازی غیاثی، مجید عینیان

ویراستار ادبی:

شیوا امین اسکندری

صفحه‌آرا:

نرجس امیراحمدی

واژه‌های کلیدی:

۱. فقر

۲. نابرابری

۳. معیشت

۴. رفاه

۵. دهه ۱۳۹۰

۶. فقر ۱۴۰۰

۷. ویژگی‌های فقرا

۸. زن سرپرست



## فهرست مطالب

۸.....	چکیده
۹.....	خلاصه مدیریتی
۱۱.....	بخش اول: مروری بر وضعیت فقر
۲۷.....	بخش دوم: مروری بر ویژگی‌های فقرا
۴۲.....	جمع‌بندی و دلالت‌های سیاستگذاری
۴۳.....	پیوست
۴۶.....	منابع و مأخذ

## فهرست جداول و اشکال

۱۱.....	جدول ۱. وضعیت ایران در تقسیم‌بندی درآمدی کشورهای جهان
۴۴.....	جدول ۲. خط فقر استانی در سال ۱۴۰۰ سرانه-ریال
۴۵.....	شکل ۱. نقشه‌ی خط فقر سرانه استانی در سال ۱۴۰۰-هزار تومان

## فهرست نمودارها

نمودار ۱. خط فقر مطلق سرانه - هزار تومان (۱۳۹۰-۱۴۰۰).....	۱۲
نمودار ۲. روند نرخ فقر (نسبت جمعیت زیر خط فقر به کل جمعیت - درصد).....	۱۳
نمودار ۳. شکاف فقر (درصد فاصله ی فقر تا خط فقر) - درصد.....	۱۴
نمودار ۴. فاصله ی خانوارهای بالای خط فقر نسبت به خط فقر (درصد).....	۱۵
نمودار ۵. درصد افزایش نرخ فقر به ازای ۵ درصد افزایش در خط فقر.....	۱۶
نمودار ۶. هزینه کل حقیقی شده خانوار هزار تومان در ماه - به قیمت های ثابت سال ۱۳۹۵.....	۱۷
نمودار ۷. سهم هزینه ی خوراک از کل هزینه ی خانوار (درصد).....	۱۸
نمودار ۸. سرانه کالری دریافتی در روز - کیلوکالری.....	۱۹
نمودار ۹. سرانه مصرف گوشت قرمز در ماه - گرم.....	۲۰
نمودار ۱۰. سرانه مصرف گوشت مرغ در ماه - گرم.....	۲۱
نمودار ۱۱. سرانه مصرف شیر در ماه - گرم.....	۲۱
نمودار ۱۲. سرانه مصرف تخم مرغ در ماه - گرم.....	۲۲
نمودار ۱۳. سرانه مصرف برنج در ماه - گرم.....	۲۳
نمودار ۱۴. تغییرات متغیرهای رفاهی سرانه (درصد).....	۲۴
نمودار ۱۵. مجموع سهم مسکن و خوراک از کل هزینه ی خانوار.....	۲۴
نمودار ۱۶. سهم هزینه ی هتل، تفریح و سرگرمی و رستوران از کل هزینه ی خانوار - درصد.....	۲۵
نمودار ۱۷. سهم هزینه ی آموزش از کل هزینه ی خانوار - درصد.....	۲۶
نمودار ۱۸. درصد خانوارهای دارای سرپرست شاغل به تفکیک فقرا و غیر فقرا.....	۲۷
نمودار ۱۹. درصد خانوارهای دارای سرپرست شاغل به تفکیک فقرا و غیر فقرا (شهری و روستایی).....	۲۸
نمودار ۲۰. درصد خانوارهای دارای سرپرست شاغل به تفکیک فقرا و غیر فقرا در سال ۱۴۰۰ - استانی.....	۲۹
نمودار ۲۱. درصد خانوارهای دارای سرپرست خانوار با شغل رسمی (بیمه پرداز) به تفکیک فقرا و غیر فقرا.....	۳۰

نمودار ۲۲. درصد خانوارهای دارای سرپرست خانوار با شغل رسمی (بیمه پرداز) به تفکیک فقرا و غیر فقرا- شهری و روستایی.....	۳۰
نمودار ۲۳. درصد خانوارهای دارای سرپرست شاغل بامشاغل ساده به تفکیک فقیر و غیر فقیر.....	۳۱
نمودار ۲۴. درصد خانوارهای دارای سرپرست شاغل بامشاغل ساده به تفکیک فقیر و غیر فقیر- شهری و روستایی ...	۳۲
نمودار ۲۵. نرخ باسوادی سرپرست خانوار به تفکیک فقیر و غیر فقیر.....	۳۳
نمودار ۲۶. نرخ باسوادی سرپرست خانوار به تفکیک فقرا و غیر فقرا- شهری و روستایی.....	۳۳
نمودار ۲۷. تعداد سال های تحصیل سرپرست خانوار به تفکیک فقیر و غیر فقیر.....	۳۴
نمودار ۲۸. تعداد سال های تحصیل سرپرست خانوار به تفکیک فقیر و غیر فقیر- شهری و روستایی.....	۳۵
نمودار ۲۹. سن سرپرست خانوار به تفکیک فقیر و غیر فقیر.....	۳۶
نمودار ۳۰. سن سرپرست خانوار به تفکیک فقیر و غیر فقیر- شهری و روستایی.....	۳۶
نمودار ۳۱. درصد خانوار زن سرپرست به تفکیک فقیر و غیر فقیر.....	۳۷
نمودار ۳۲. درصد خانوار زن سرپرست به تفکیک فقیر و غیر فقیر- شهری و روستایی.....	۳۸
نمودار ۳۳. درصد خانوار دارای کودک به تفکیک فقیر و غیر فقیر.....	۳۹
نمودار ۳۴. درصد خانوار دارای کودک به تفکیک فقیر و غیر فقیر- شهری و روستایی.....	۴۰
نمودار ۳۵. درصد خانوار مستأجر به تفکیک فقیر و غیر فقیر.....	۴۰
نمودار ۳۶. درصد خانوار مستأجر به تفکیک فقیر و غیر فقیر- شهری و روستایی.....	۴۱
نمودار ۳۷. میانگین کالری دریافتی سرانه خانوارهای مستأجر و غیر مستأجر (کیلوکالری).....	۴۱



## وضعیت فقر و ویژگی‌های فقرا در دهه گذشته (دهه ۹۰)

### چکیده



در بخش اول مروری بر وضعیت فقر و متغیرهای مربوط به آن و متغیرهای رفاهی مرتبط با خانوار خواهیم داشت. بررسی مصرف خوراک، کالاهای اساسی و کالری دریافتی خانوار و همچنین سهم مسکن از کل هزینه‌های خانوار و هزینه‌های رفاهی در این بخش صورت می‌گیرد.

در قسمت دوم نیز برخی ویژگی‌ها و علل توضیح‌دهنده فقر به تفکیک فقرا و غیرفقرا بررسی می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که برخورداری از شغل دارای بیمه و همچنین مشاغل غیر ساده در بین غیرفقرا بیشتر از فقراست و بنابراین ممکن است این دو عامل در کاهش فقر مؤثر باشند. همچنین عدم برخورداری از سواد، سال‌های تحصیل پایین‌تر، داشتن کودک و مستأجر بودن از جمله عواملی است که می‌تواند علل فقر را توضیح دهند.

خط و نرخ فقر یکی از متغیرهای اقتصادی است که همواره مورد توجه مردم قرار داشته است. بر همین اساس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی از سال ۱۳۹۶ به محاسبه خط فقر براساس یک روش پایدار اقدام کرد که شیوه محاسبه آن به صورت گزارشی در این مرکز منتشر شد<sup>۱</sup> و اسناد به روزرسانی شده نیز در دست انتشار است. همچنین نتایج این محاسبات را وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در دو گزارش پایش فقر سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ منتشر کرد که براساس مسئولیت قانونی وزارت رفاه در اعلام خط فقر رسمی، می‌توان آن را اولین اعلام رسمی از خط فقر دانست. [۱]

گزارش حاضر در دو بخش به مرور وضعیت فقر و ویژگی‌های فقرا در دهه گذشته (دهه ۱۳۹۰) می‌پردازد که از نظر آمارهای اقتصادی نامناسب بوده است.<sup>۲</sup>

۱. اولین گزارش از خط فقر را مرکز پژوهش‌های مجلس، برای سال ۱۳۹۵ در مطالعه‌ای تحت عنوان «محاسبه خط فقر در سال ۱۳۹۵» محاسبه و ارائه کرد. پس از آن با دریافت نظرات کارشناسان و صاحب‌نظران مختلف، برخی اصلاحات و بازبینی‌ها در روش محاسبه خط فقر صورت گرفت و از این رو، خط فقر طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ با اعمال اصلاحات بر روش قبلی، محاسبه شده و نتایج آن در این گزارش ارائه می‌شود. برخی مغایرت‌های جزئی در نتایج با اعلام‌های قبلی این مرکز نیز ناشی از تکمیل و بازبینی روش محاسبه است. در این گزارش صرفاً نتایج خط فقر ارائه می‌شود و برای اطلاع از روش محاسبه به گزارش اسناد پشتیبان محاسبه خط فقر که به زودی انتشار خواهد یافت مراجعه شود.

۲. در گزارش حاضر فراتر از ارائه اعداد خط و نرخ فقر، متغیرهای مرتبط با فقر نیز بررسی می‌شوند اما این گزارش به بررسی روش محاسبه نمی‌پردازد.





با افزایش قیمت مواد غذایی به خصوص از سال ۱۳۹۷ و کاهش درآمدهای خانوار - از آنجاکه خوراک کالای ضروری است - خانوار مجبور شده تا سهم بیشتری از هزینه‌هایش را به خوراک اختصاص دهد، از این رو سهم خوراک از هزینه‌های خانوار از ۲۹ درصد در سال ۱۳۹۶ به بیش از ۳۲ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است. همچنین هم‌زمان، خانوار نتوانسته همان سطح قبلی از خوراک را حفظ کند و کالری میانگین کالری دریافتی از ۲۴۳۱ سرانه در روز در سال ۱۳۹۶ به ۲۱۸۲ در سال ۱۴۰۰ رسیده است.

سهم مسکن از کل هزینه‌های خانوار به‌عنوان دیگر کالای ضروری نیز از ۲۳ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۲۷ درصد در سال ۱۴۰۰ افزایش یافته است.

بررسی‌های هزینه‌های غیر ضرور خانوار نیز نشان از کاهش رفاه خانوار دارد. سهم آموزش از کل هزینه‌های خانوار در دهه ۱۳۹۰ بیش از ۵۰ درصد کاهش یافته که می‌تواند خطر افزایش فقر بین‌نسلی را داشته باشد.

### بخش دوم: مروری بر ویژگی‌های فقرا

علل فقر در دو دسته کلی قرار دارد: اول وضعیت کلی اقتصاد کلان است که باعث فقیرتر شدن همه مردم می‌شود. اتفاقی که در دهه ۱۳۹۰ در اقتصاد ایران رخ داده و نتایج این مطالعه نیز (نمودار ۴) نشان می‌دهد که فاصله خانوارهای بالای خط فقر نیز با خط فقر در طول زمان کمتر شده است.

اما دوم علل خرد و در سطح خانوار فقر است. یعنی برخی ویژگی‌های خانوار باعث فقر شده و ممکن است به گرفتاری خانوار در تله فقر منجر شود. در این مطالعه وضعیت فقرا را در شش ویژگی بررسی کردیم.

#### ۱. وضعیت شغلی سرپرست خانوار

الف) صرف بر خورداری از شغل در مناطق روستایی با احتمال زیاد می‌تواند باعث خروج از فقر شده اما در مناطق شهری تأثیر معناداری ندارد<sup>۲</sup>

در سال‌های میانی دهه ۱۳۸۰ و ابتدایی دهه ۱۳۹۰ صرف بر خورداری از شغل تفاوت قابل توجهی در بین فقرا و غیر فقرا داشت؛ اما به مرور زمان با افزایش فقر و همچنین با افزایش اهمیت مشاغل تخصصی، درصد

دهه ۱۳۹۰ برای اقتصاد ایران پیامدها و دستاوردهای مناسبی در پی نداشت. این موضوع در فرمایشات مقام معظم رهبری نیز مورد تأکید قرار گرفته است، به گونه‌ای که فرمودند: «آمارهای اقتصادی دهه ۹۰ - آمارهای اقتصاد کلان کشور - حقا و انصافاً خرسندکننده نیست: آمار مربوط به رشد تولید ناخالص داخلی، آمار مربوط به تشکیل سرمایه در کشور، آمار مربوط به تورم، آمار مربوط به رشد نقدینگی؛ اینها خرسندکننده نیست... خوب، آثار این حقایق در زندگی مردم هم نمود پیدا کرده. اینکه درباره معیشت مردم اظهار نگرانی می‌کنیم، مربوط به همین چیزها است.» [۲] همان گونه که در فرمایشات مقام معظم رهبری نیز نمود پیدا کرده است، نرخ‌های تورم بالا و رشدهای اقتصادی پایین باعث شد تا خانوارهای ایرانی در این دهه با کاهش رفاه مواجه شوند.

این مطالعه در دو بخش تلاش دارد تا تصویر دقیق‌تری از وضعیت فقر و ویژگی‌های فقرا در دهه ۱۳۹۰ ارائه کند.

### بخش اول: مروری بر وضعیت فقر

نتایج این بخش، افزایش و تعمیق فقر در ایران در دهه ۱۳۹۰ را نشان می‌دهد. خط فقر متوسط کشوری در سال ۱۴۰۰ به‌طور سرانه<sup>۱</sup> یک میلیون و ۶۸۰ هزار تومان بوده که این عدد برای یک خانوار چهار نفره برابر ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان خواهد بود<sup>۲</sup>. با این اعداد، نرخ فقر یعنی درصد جمعیت زیر خط فقر مطلق در کشور در سال ۱۴۰۰ برابر ۳۰/۴ درصد بوده است. نرخ فقر در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۹ مقدار ۰,۹ واحد درصد کاهش یافته که باعث شده در حدود ۷۰۰ هزار نفر از جمعیت فقرا کاسته شود. به‌طور کلی نرخ فقر از سال ۱۳۸۵ (با ۱۵ درصد) روند فزاینده‌ای داشته و از سال ۱۳۹۷ به بعد بالای ۳۰ درصد رسیده است.

شکاف فقر که فاصله فقرا تا خط فقر را اندازه‌گیری می‌کند؛ در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به بالاترین مقدار خود یعنی حدود ۲۷ درصد رسیده است. بررسی مصارف خانوار در سال‌های گذشته نیز کاهش در رفاه خانوار را تأیید می‌کند. نگاهی به مصرف خوراک خانوار، سه اتفاق به‌طور هم‌زمان را نشان می‌دهد: اول افزایش سهم خوراک از کل هزینه خانوار، دوم کاهش کل خوراک خانوار یعنی کاهش کالری دریافتی و سوم کاهش کیفیت کالری دریافتی خانوار.

۱. اعداد خط فقر سرانه، یعنی هزینه مورد نیاز برای هر فرد، زمانی که این عدد برای خانوار محاسبه می‌شود، باید ضرب در بعد معادل خانوار شود. بعد معادل به این معناست که هر فرد جدید که به خانوار اضافه می‌شود، هزینه‌ها معادل قبلی افزایش نمی‌یابد بلکه هزینه‌های مشترک باعث سرشکن شدن هزینه‌ها می‌شود. بعد معادل خانوار سه و چهار نفره با دو بزرگسال و یک و دو فرزند، به ترتیب برابر ۲,۷ و ۲ (به‌جای ۳ و ۴) است.

۲. با توجه به آنکه خط فقر از داده‌های هزینه و درآمد خانوار محاسبه می‌شود و این داده‌ها به‌طور مساوی از خانوارها در هر فصل نمونه‌گیری می‌شود، بنابراین خط فقر اعلام شده، خط فقر متوسط سال بوده و قابل مقایسه با اعداد و هزینه‌ها در فروردین یا اسفند نیست.

۳. در این مطالعه صرفاً ویژگی هر یک از متغیرها در بین فقرا و غیر فقرا بررسی شده و اثر سایر عوامل کنترل نشده است. بنابراین نمی‌توان با قطعیت

همچنین نوع مشاغل که نیازمند فعالیت بدنی است، با افزایش سن و از کارافتادگی، احتمال فقیر شدن می‌تواند افزایش یابد. افزایش پوشش بیمه روستاییان یکی از سیاست‌هایی است که می‌تواند احتمال فقر را کاهش دهد.

#### ۴. وضعیت جنسی سرپرست خانوار

در وضعیت جنسی سرپرست خانوار شرایط شهر و روستا تقریباً شبیه به هم بوده، اما در روستا اختلاف بیشتر است. **الف) عدم تفاوت زن سرپرستی بین فقرا و غیرفقرا در مناطق شهری** هر چند درصد زن سرپرستی در فقرا در سال‌های قبل در مناطق شهری بیشتر از غیرفقرا بوده اما به مرور زمان این فاصله کاهش یافته و در سال ۱۴۰۰ تفاوتی بین نرخ زن سرپرستی در فقرا و غیرفقرا مشاهده نمی‌شود.

**ب) درصد بالای زن سرپرستی در فقرا در مناطق روستای** در مناطق روستایی نرخ زن سرپرستی به‌طور معناداری در بین فقرا بیشتر بوده و در سال‌های میانی دهه ۱۳۹۰ اختلاف بین زن سرپرستی در بین فقرا و غیرفقرا حتی به ۱۱ واحد درصد هم رسیده است. در سال ۱۴۰۰ این اختلاف ۵ واحد درصد بوده است.

#### ۵. وضعیت ساختار خانوار

خانوارهای دارای کودک در بین فقرا در سال ۱۴۰۰ در مناطق شهری ۱۴ واحد درصد بیش از خانوارهای دارای کودک در بین غیرفقرا شهری هستند.

یک توصیه سیاستی به سیاستگذار این است که باید تمهیداتی برای کاهش هزینه‌های کودکان و پوشش بخش بیشتری از هزینه‌های مربوط به کودک در نظر گرفته شود.

#### ۶. وضعیت مسکن خانوار

برخورداری از مسکن استیجاری هم یکی از مواردی است که رفاه خانوار را کاهش می‌دهد. نرخ برخورداری از مسکن استیجاری در بین فقرا شهری در حدود ۴ واحد درصد بیش از غیرفقراست. همچنین مستأجران به‌علت پرداخت هزینه‌های اجاره مجبورند تا از سایر هزینه‌های خود و به‌طور خاص از خوراک بکاهند. به‌طوری‌که کالری دریافتی مستأجران به‌طور میانگین همواره پایین‌تر از مالکان بوده است.

خانوارهای دارای سرپرست شاغل بین فقرا و غیرفقرا تقریباً برابر و حدود ۶۰ درصد بوده است.

**ب) برخورداری از شغل رسمی احتمالاً می‌تواند فقر را کاهش می‌دهد**

در حالی که درصد شاغلان و غیرشاغلان در بین فقرا و غیرفقرا برابر است اما ۳۷ درصد از خانوارهای غیرفقیر دارای شاغل رسمی بوده و این عدد در فقرا ۱۶/۵ درصد است.

**ج) برخورداری از شغل غیرساده احتمالاً می‌تواند فقر را کاهش دهد** درصد خانوارهای دارای مشاغل ساده در سال ۱۴۰۰ در بین فقرا حدود ۳۴ درصد و در بین غیرفقرا حدود ۱۵ درصد بوده است. توصیه سیاستی استخراج شده در این بخش، توانمندسازی و آموزش مهارت‌ها و همچنین پوشش بیمه فراگیر خواهد بود.

#### ۲. وضعیت تحصیلی سرپرست خانوار

بررسی وضعیت تحصیلی سرپرست خانوار دو نتیجه قابل توجه دارد:

**الف) صرف باسوادی احتمالاً فقر را کاهش می‌دهد**

در سال ۱۴۰۰ نرخ باسوادی در بین سرپرستان خانوار فقیر و غیرفقیر به ترتیب ۷۲ و ۸۷ درصد بوده که اختلاف ۱۵ واحد درصدی دارند.

**ب) افزایش سال‌های تحصیل احتمالاً فقر را کاهش می‌دهد:**

غیرفقرا به‌طور متوسط سه سال بیشتر از فقرا تحصیلات کرده‌اند.

یک توصیه سیاستی در این بخش ادامه سیاست‌های گسترش سوآدموزی و نهضت‌های سوآدموزی و همچنین افزایش امکان تحصیل به‌خصوص در نواحی روستایی است.

#### ۳. وضعیت سنی سرپرست خانوار

دو الگوی متفاوت در وضعیت سنی سرپرست خانوار فقیر و غیرفقیر در مناطق شهری و روستایی مشاهده می‌شد:

**الف) در مناطق شهری، به مرور زمان سن سرپرست خانوار غیرفقیر از خانوار فقیر پیشی گرفته است**

به‌مرور زمان و با بدتر شدن وضعیت اقتصادی همه گروه‌های درآمدی، سالمندان و افراد با سن بالاتر که از درآمد ثابت برخوردارند نسبت به جوانانی که احتمال یافتن شغل با درآمد ثابت را کمتر دارند، وضعیت بهتری پیدا کرده‌اند.

**ب) در مناطق روستایی، سن سرپرست خانوار فقیر بیش از خانوار غیرفقیر است**

در مناطق روستایی به‌علت پوشش کمتر بیمه‌های تأمین اجتماعی و

عنوان کرد که هر یک از این ویژگی‌ها یا احتمال فقر را افزایش می‌دهند یا کاهش. از این‌رو اظهار نظرهای صورت گرفته در این گزارش برحسب مشاهده میزان فراوانی یک متغیر در بین فقرا و غیرفقراست.

## بخش اول: مروری بر وضعیت فقر



رشد‌های اقتصادی منفی علاوه بر اینکه باعث کاهش درآمد سرانه ایرانیان شده و فقر را افزایش داد، باعث شد تا ایران که از سال ۲۰۰۸ به بعد در دسته کشورهای با درآمد بالاتر از متوسط قرار گرفته بود، با یک دهه کاهش در درآمد سرانه، به دسته کشورهای با درآمد پایین‌تر از متوسط سقوط کند.

دهه ۱۳۹۰ برای اقتصاد ایران، وضعیت مناسبی به لحاظ رشد اقتصادی و سایر متغیرهای اقتصاد کلان نداشت. یک دهه تورم‌های بالا (به جز سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۹۴) به همراه رشد‌های اقتصادی پایین و منفی باعث شد تا در مجموع نرخ فقر از ۱۹ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۳۰/۴ درصد در سال ۱۴۰۰ برسد.

جدول ۱. وضعیت ایران در تقسیم‌بندی درآمدی کشورهای جهان

سال	گروه‌کشوری	سال	گروه‌کشوری	سال	گروه‌کشوری	سال	گروه‌کشوری
۱۳۶۶	ب. متوسط	۱۳۷۷	پ. متوسط	۱۳۸۸	ب. متوسط	۱۳۹۹	پ. متوسط
۱۳۶۷	ب. متوسط	۱۳۷۸	پ. متوسط	۱۳۸۹	ب. متوسط	۱۴۰۰	پ. متوسط
۱۳۶۸	ب. متوسط	۱۳۷۹	پ. متوسط	۱۳۹۰	ب. متوسط		
۱۳۶۹	پ. متوسط	۱۳۸۰	پ. متوسط	۱۳۹۱	ب. متوسط		
۱۳۷۰	پ. متوسط	۱۳۸۱	پ. متوسط	۱۳۹۲	ب. متوسط		
۱۳۷۱	پ. متوسط	۱۳۸۲	پ. متوسط	۱۳۹۳	ب. متوسط		
۱۳۷۲	پ. متوسط	۱۳۸۳	پ. متوسط	۱۳۹۴	ب. متوسط		
۱۳۷۳	پ. متوسط	۱۳۸۴	پ. متوسط	۱۳۹۵	ب. متوسط		
۱۳۷۴	پ. متوسط	۱۳۸۵	پ. متوسط	۱۳۹۶	ب. متوسط		
۱۳۷۵	پ. متوسط	۱۳۸۶	پ. متوسط	۱۳۹۷	ب. متوسط		
۱۳۷۶	پ. متوسط	۱۳۸۷	پ. متوسط	۱۳۹۸	ب. متوسط		

مأخذ: بانک جهانی؛ ب.متوسط: درآمد بالاتر از متوسط جهانی/پ.متوسط: درآمد پایین‌تر از متوسط



مطلق عدم دسترسی به حداقل‌های معیشت را در جامعه بررسی کرده و تحت تأثیر توزیع درآمد در جامعه نیست. در مطالعات مربوط به این نوع فقر به موضوع تأمین حداقل نیازهای اساسی پرداخته می‌شود، بنابراین در برخی از کشورهای پیشرفته حتی ممکن است فقیر مطلق وجود نداشته باشد اما در کشورهایی که دچار فقر مطلق هستند، یعنی بخشی از جامعه هنوز امکان دستیابی به حداقل‌های زندگی را ندارند، بررسی فقر نسبی در مقایسه با فقر مطلق چندان اهمیتی ندارد.

روش مورد استفاده در این مطالعه، روش «هزینه حداقل نیازهای اساسی تکراری» است که به تفصیل در گزارش‌های قبلی و در دست انتشار مرکز پژوهش‌ها به آن پرداخته شده است. بر این اساس خط فقر مطلق محاسبه شده و از مقایسه میزان هزینه کرد خانوار با مقدار خط فقر مطلق، نرخ فقر به دست می‌آید که درصد افرادی است که زیر خط فقر مطلق قرار دارند و نمی‌توانند حداقل استانداردهای زندگی را تأمین کنند. نمودار ۱ خط فقر مطلق سرانه (به‌زای هر نفر) را از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ نشان می‌دهد. در سال ۱۴۰۰ خط فقر سرانه متوسط کشوری با رشد حدود ۵۰ درصدی نسبت به سال ۱۳۹۹، به میزان حدود یک میلیون و هفتصد هزار تومان رسیده است.<sup>۱</sup>

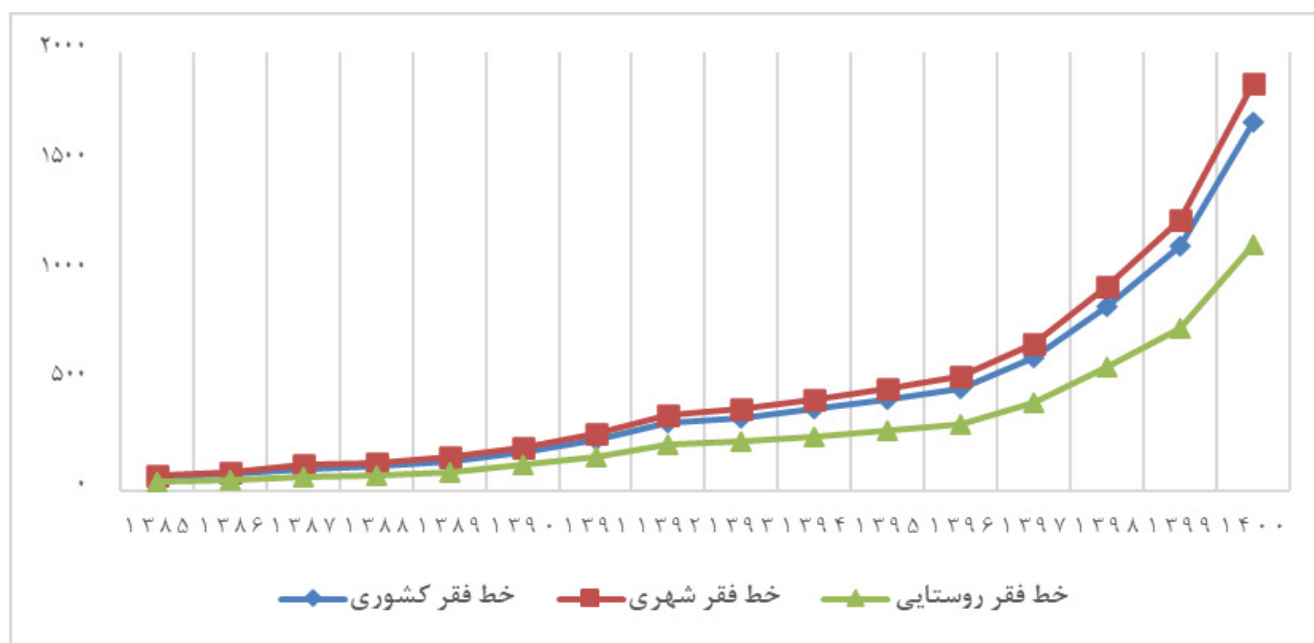
در جدول ۱ مشخص است که ایران پس از شرایط سخت جنگ هشت‌ساله، به گروه کشورهای با درآمد پایین‌تر از متوسط سقوط کرده است. افزایش درآمدهای نفتی از سال ۲۰۰۷ به بعد باعث شده تا ایران از سال ۲۰۰۹ به بعد وارد گروه کشورهای با درآمد بالاتر از متوسط شود، اما متأسفانه روند نزولی اقتصاد ایران باعث شد تا به مرور جایگاه خود را در بین اقتصادهای بزرگ دنیا از دست داده و از سال ۲۰۲۰ به جمع کشورهای با درآمد پایین‌تر از متوسط پیوسته است.

در این بخش در دو قسمت با مروری بر وضعیت فقر کشور در سال ۱۴۰۰ و با تأکید بر دهه ۱۳۹۰ می‌پردازیم. در قسمت اول، متغیرهای مرتبط با فقر بررسی خواهند شد و در بخش دوم متغیرهای رفاهی که تأییدی بر بخش اول بوده و در تناسب با محاسبات فقر است، مرور خواهند شد.

### ۱-۱. بررسی متغیرهای فقر

نتایج ارائه شده در این بخش، ناظر بر فقر مطلق است. بنابراین در همه قسمت‌های آینده منظور از فقر، فقر مطلق خواهد بود. فقر مطلق را می‌توان ناتوانی در کسب حداقل استاندارد زندگی تعریف کرد. فقر

نمودار ۱. خط فقر مطلق سرانه (هزار تومان ۱۳۹۰-۱۴۰۰)



مأخذ: محاسبات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی براساس داده‌های هزینه و درآمد خانوار مرکز آمار ایران.

۱. خط فقر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی از سال ۱۳۹۹ به بعد در فرایند رسمی شدن گرفته است. این داده طی سه سال به صورت مقدماتی منتشر شده و سپس با گذراندن دوران انتشار مقدماتی نهایی خواهد شد. از این رو برخی تغییرات جزئی در نتایج در دوران مقدماتی ممکن است رخ دهد که ناشی از بهبود روش‌های محاسباتی است.

به این معناست که با هزینه‌ای کمتر از این مقدار نگرانی‌هایی در خصوص سوء تغذیه برای فرد وجود دارد. فقر مطلق حداقل استانداردهای زندگی را نشان می‌دهد و به این معنا نیست که با هزینه بالاتر از آن، زندگی در رفاه خواهد بود.

۳. توجه به بعد خانوار: اعداد خط فقر سرانه، یعنی هزینه مورد نیاز برای هر فرد، زمانی که این عدد برای خانوار محاسبه می‌شود، باید ضرب در بعد معادل خانوار شود. بعد معادل به این معناست که هر فرد جدید که به خانوار اضافه می‌شود، هزینه‌ها معادل عضو قبلی افزایش نمی‌یابد، بلکه هزینه‌های مشترک باعث سرشکن شدن هزینه‌ها می‌شود. بعد معادل خانوار سه و چهار نفره با دو بزرگسال و یک و دو فرزند، به ترتیب برابر ۲/۲ و ۲/۷ (به جای ۳ و ۴) است.

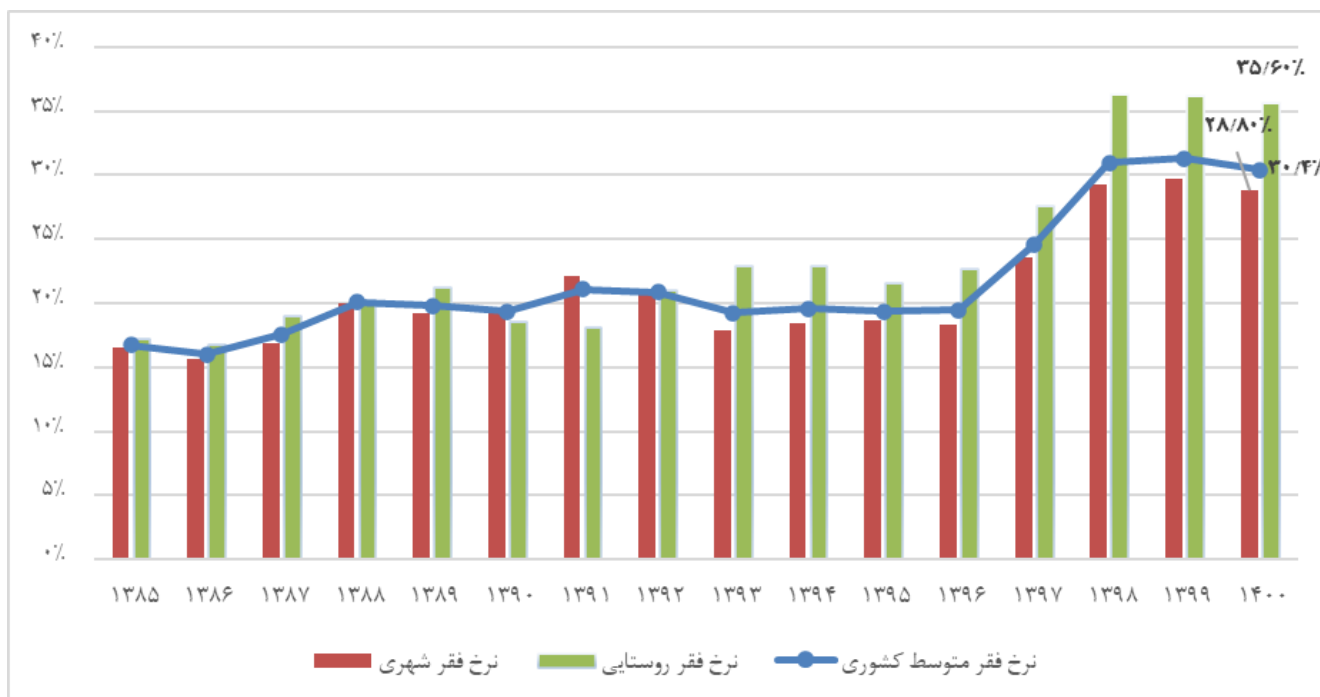
با مقایسه هزینه کل خانوارها با خط فقر مطلق، نرخ فقر به معنای درصدی از کل جمعیت که در زیر خط فقر زندگی می‌کنند به دست می‌آید. نمودار ۲ نرخ فقر را نشان می‌دهد.

خط فقر طبیعتاً به دلیل تأثیری که از تورم دریافت می‌کند همواره صعودی است، اما آنچه بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد، تعدیل درآمد خانوار متناسب با افزایش خط فقر و یا به عبارتی نرخ فقر است. خط فقر متوسط کشوری در سال ۱۴۰۰ برای یک خانوار چهار نفره در حدود چهار میلیون و پانصد هزار تومان بوده است.<sup>۱</sup> همچنین برآورد می‌شود این عدد در شهر یورماه ۱۴۰۱ به هفت میلیون و پانصد هزار تومان رسیده باشد.

در خصوص اعداد خط فقر چند نکته مهم قابل ذکر است:

۱. توجه به متوسط کشوری: اعداد اعلام شده در سطور فوق، مربوط به متوسط کشوری بوده و از میانگین وزنی خطوط نرخ فقر محاسبه شده در نقاط مختلف کشور به دست آمده‌اند. برای مناطق روستایی اعداد بسیار کمتر بوده و به طور کلی اعداد از شهر تهران تا نقاط روستایی شهرستان‌ها، پراکندگی بسیاری دارد. در پیوست این گزارش اعداد خط فقر برای سال ۱۴۰۰ به تفکیک مناطق مختلف گزارش شده است.
۲. توجه به تعریف فقر: زمانی که خطی به عنوان خط فقر بیان می‌شود

نمودار ۲. روند نرخ فقر (نسبت جمعیت زیر خط فقر به کل جمعیت) (درصد)



مأخذ: همان.

\*نرخ فقر گزارش شده در این نمودار، به این صورت محاسبه شده که در هر خوشه میزان درآمدها (هزینه‌های خانوار با خط فقر همان خوشه مقایسه شده و فقرا در هر خوشه احصا شده‌اند، سپس این جمعیت با هم جمع شده و جمعیت فقرا کل کشور را به دست می‌دهد. از تقسیم تعداد فقرا بر کل جمعیت کشور، نرخ فقر به دست می‌آید.

۱. باید توجه داشت که خط فقر خانوار چهار نفره، از ضرب خط فقر سرانه در عدد ۲.۷ به دست می‌آید، زیرا در محاسبات فقر از بعد معادل خانوار استفاده می‌شود به این معنا که با اضافه شدن یک فرد جدید به خانوار، هزینه‌ها به نسبت کمتری افزایش می‌یابد. علت استفاده از بعد معادل به این علت است که برخی از هزینه‌های خانوار مانند هزینه مسکن، به تناسب برای هر فرد جدید به تناسب فرد قبلی افزایش پیدا نمی‌کند.



محاسبه کنیم، در سال ۱۴۰۰ در حدود ۲۵/۶ میلیون نفر زیر خط فقر بودند که نسبت به سال ۱۳۹۹ کاهش ۷۰۰ هزار نفری در جمعیت فقرا رخ داده است. به طور کلی در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۰ حدود ۱۱ میلیون نفر به جمعیت زیر خط فقر اضافه شده است.

علاوه بر نرخ فقر، شاخص شکاف فقر نیز یکی از شاخص‌هایی است که در بررسی وضعیت فقر مورد استفاده قرار می‌گیرد. در حالی که در شاخص نرخ فقر، همه فقرا به یک چشم دیده می‌شوند، اما در شکاف فقر، میزان و شدت فقر نیز دارای اهمیت است، به طوری که شکاف فقر میانگین فاصله در آمد هر فرد فقیر با خط فقر به نسبت خط فقر است. در حقیقت شکاف فقر بررسی می‌کند که فقرا تا چه حد فقیرتر شده‌اند و امکان مقایسه دو عدد نرخ فقر مساوی را با یکدیگر فراهم می‌سازد. بنابراین هر چه شکاف فقر بیشتر و به یک (یا ۱۰۰) نزدیک‌تر باشد، به این معناست که فقرا فاصله بیشتری با خط فقر دارند و هر چه به صفر نزدیک‌تر باشد، به این معناست که فاصله در آمد فقرا با خط فقر کمتر است. عدد صفر به این معناست که همه فقرا روی خط فقر قرار دارند.

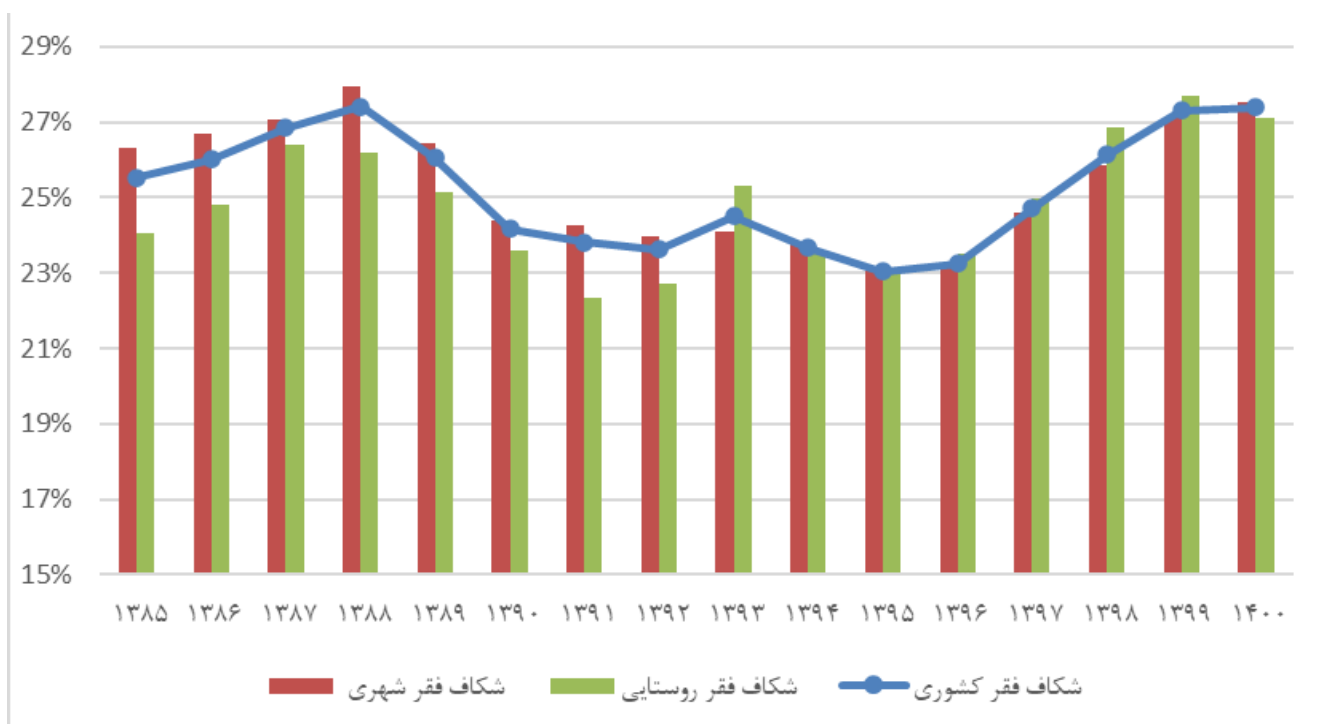
همان‌طور که اشاره شد، نرخ فقر، درصدی از جمعیت را نشان می‌دهد که زیر خط فقر مطلق زندگی می‌کنند و یا به عبارتی در آمد آنها (مجموع هزینه‌هایشان) کمتر از عدد خط فقر مطلق است. نگاهی به نرخ فقر نشان می‌دهد که تقریباً از سال ۱۳۹۰ به بعد نرخ فقر روند افزایشی داشته به طوری که از ۱۹/۴ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۳۰/۴ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است. باین حال در این میان طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ کاهش جزئی در نرخ فقر رخ داده است.

نرخ فقر در سال ۱۴۰۰ نیز کاهش ۰/۹ واحد درصدی داشته است. به نظر می‌رسد رشد ۴/۳ درصدی اقتصاد در سال ۱۴۰۰ به همراه افزایش نسبی اشتغال در این سال نسبت به سال ۱۳۹۹ باعث کاهش نرخ فقر شده است.

نرخ فقر در مناطق روستایی از سال ۱۳۹۳ به بعد همواره بالاتر از نرخ فقر در نقاط شهری بوده است. در سال ۱۴۰۰ نرخ فقر نقاط روستایی ۳۵،۶ درصد و در نقاط شهری ۲۸،۸ درصد بوده است.

باین حال به نظر می‌رسد رشد اقتصادی در سال ۱۴۰۰ بیشتر بر طبقه متوسط اثر گذار بوده و گروه‌های زیر خط فقر را کمتر تحت تأثیر قرار داده است زیرا از فاصله فقرا تا خط فقر کاسته نشده است (شکاف فقر). اگر بر اساس نرخ‌های فقر به دست آمده، جمعیت زیر خط فقر را نیز

نمودار ۳. شکاف فقر (درصد فاصله فقرا تا خط فقر) (درصد)

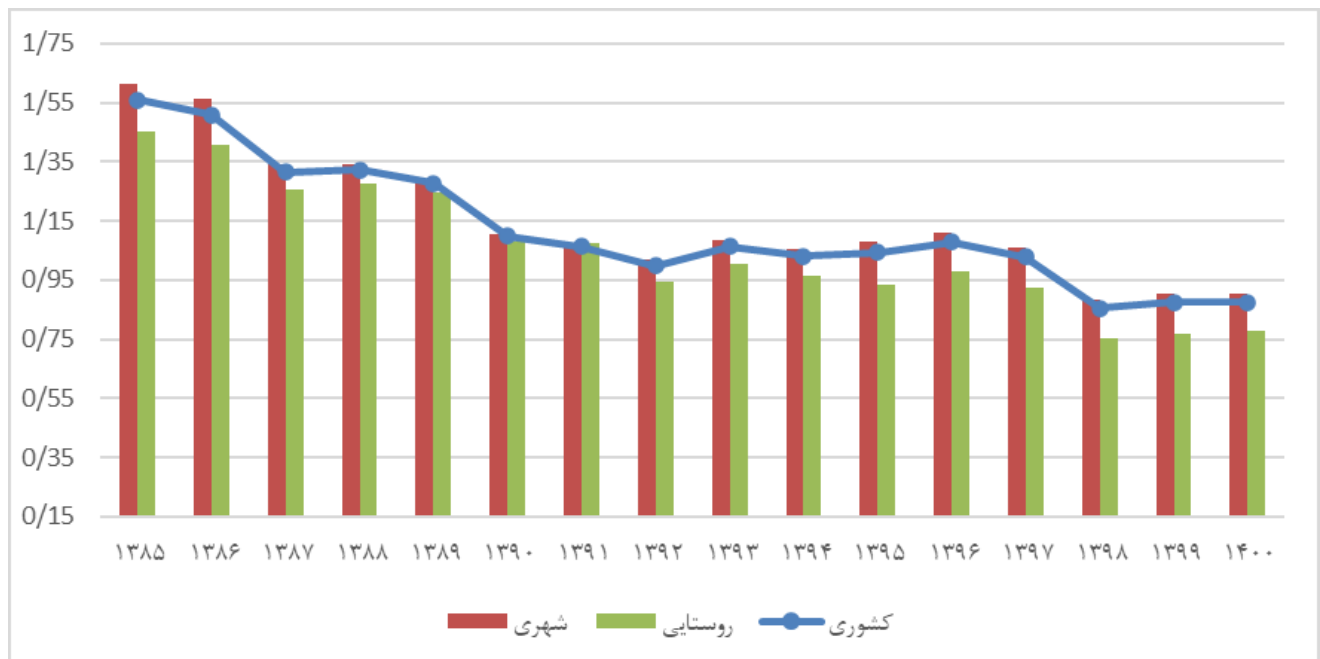


مأخذ: همان.

دهک‌های حول و حوش خط فقر بیش از دهک‌های زیر خط فقر بوده و با وجود بهبود وضعیت معیشت در خانوارهای حول و حوش خط فقر، بهبود قابل توجهی برای خانوارهای زیر خط فقر رخ نداده است. بررسی شکاف فقر برای سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۸ نیز جالب توجه است. با اینکه نرخ فقر در این سال‌ها بسیار پایین‌تر از نرخ در سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰ است و تقریباً نصف آن است، اما شکاف فقر در این دو بازه زمانی تقریباً برابر یکدیگر است؛ یعنی هر چند در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۸ جمعیت کمتری در زیر خط فقر قرار داشتند، اما فاصله آنها با خط فقر تقریباً برابر فاصله فقرا تا خط فقر در سال ۱۴۰۰ بوده است. شکاف فقر را می‌توان برای غیرفقرا هم محاسبه کرد. هر چند محاسبه شکاف فقر برای غیرفقرا عملاً یک متغیر اقتصادی نیست و در بررسی‌های اقتصادی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. اما محاسبه این شاخص نشان می‌دهد که غیرفقرا چه فاصله‌ای با خط فقر دارند. هر چه فاصله غیرفقرا با خط فقر کمتر شده باشد، نشان می‌دهد که حتی افراد بالای خط فقر هم با وجود آنکه بالای خط فقر بوده و به‌عنوان فقرا لحاظ نمی‌شوند، اما در حال نزدیک شدن به خط فقر هستند.

همان‌طور که در نمودار ۳ مشاهده می‌شود، علاوه بر نرخ فقر، شکاف فقر نیز از سال ۱۳۹۶ به بعد افزایش یافته و در سال ۱۴۰۰ با اندکی افزایش نسبت به سال ۱۳۹۹ به بالاترین مقدار خود رسیده است. با استفاده از شکاف فقر، می‌توان دو نرخ فقر مساوی را با یکدیگر مقایسه کرد. برای مثال در نمودار ۲ مشخص است که نرخ فقر در دو سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ تقریباً برابر با یکدیگر و در حدود ۳۱ درصد بوده است. با این حال در سال ۱۳۹۹ شکاف فقر به میزان ۱/۲ واحد درصد افزایش یافته است یعنی هر چند تعداد فقرا در دو سال (به نسبت جمعیت) تقریباً مساوی بوده (اختلاف ۰/۳ واحد درصدی داشته است)، اما فقرا در سال ۱۳۹۹ نسبت به سال ۱۳۹۸ فقیرتر شده‌اند. همچنین در سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ نرخ فقر تقریباً یکسان است، اما شکاف فقر کاهش یافته به این معنا که فاصله فقرا با خط فقر مقداری کمتر شده است. در سال ۱۴۰۰ نیز نرخ فقر حدود ۰/۹ واحد درصد کاهش یافته، اما شکاف فقر ۰/۱ واحد درصد افزایش یافته است. هر چند افزایش شکاف فقر قابل توجه نبوده و تقریباً معنادار نیست، اما در بهترین حالت می‌توان گفت که با وجود کاهش نرخ فقر در سال ۱۴۰۰، شکاف فقر کاهش نیافته است؛ یعنی به نظر می‌رسد رشد درآمدهای (هزینه‌های) خانوار در

نمودار ۴. فاصله خانوارهای بالای خط فقر نسبت به خط فقر (درصد)



مأخذ: محاسبات براساس داده‌های هزینه و درآمد خانوار مرکز آمار ایران.



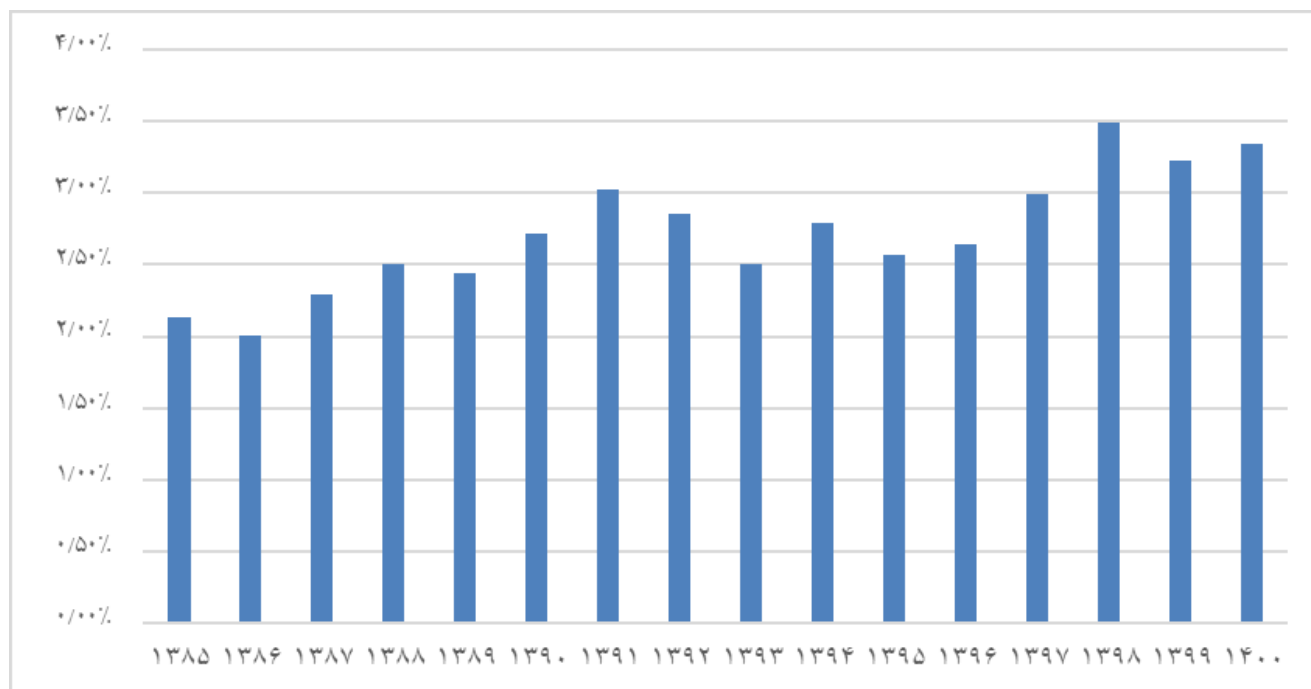
و روستایی نشان می‌دهد که هر چند در سال‌های ابتدایی دهه ۱۳۹۰ غیرفقرای شهری و روستایی هر دو فاصله نسبتاً یکسانی با خط فقر داشته‌اند (فاصله تا خط فقرهای منطقه‌ای)، اما به مرور زمان غیرفقرای روستایی نسبت به غیرفقرای شهری بیشتر به خط فقر نزدیک شدند و در سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰ فاصله آنها با خط فقر کمتر از فاصله غیرفقرای شهری با خط فقر است.

کاهش فاصله غیرفقرای با خط فقر باعث شده تا خانوارهای نزدیک به خط فقر نیز تفاوت چندانی با فقرا به لحاظ معیشتی نداشته باشند. یعنی مقدار اندکی افزایش در خط فقر، باعث می‌شود تا جمعیت زیادی به فقرا افزوده شود. برای مثال ۵ درصد افزایش در خط فقر در سال ۱۴۰۰ بیش از ۳ واحد درصد یعنی در حدود ۲,۸۵ میلیون نفر به جمعیت زیر خط فقر اضافه می‌کند.

**نمودار ۴ نکات جالب توجهی دارد.** فاصله غیرفقرای تا خط فقر نیز به طور مرتب در حال کاهش بوده است. حتی در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ که نرخ فقر بیش از سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۶ بوده، اما فاصله غیرفقرای با خط فقر بیشتر بوده است. به عبارتی فقر در سال‌های اولیه مورد بررسی، بیشتر مختص گروه‌های بسیار پایین درآمدی بوده و گروه‌های بالاتر هنوز فاصله بیشتری با خط فقر داشته و از رفاه نسبی برخوردار بودند. اما یک دهه کاهش در درآمد سرانه باعث شده تا از سال ۱۳۹۷ به بعد، فاصله غیرفقرای هم با خط فقر کم و کمتر شود. این بدین معناست که **فقر تنها مختص گروه‌های ناتوان و یا بازمانده از رشد اقتصادی نیست و می‌تواند به سایر گروه‌های مختلف با ویژگی‌های مختلف تسری پیدا کند.**

همچنین نگاهی به تفاوت بین فاصله غیرفقرای با خط فقر در نقاط شهری

نمودار ۵. درصد افزایش نرخ فقر به ازای ۵ درصد افزایش در خط فقر



مأخذ: همان.



## ۱-۲. بررسی متغیرهای رفاهی

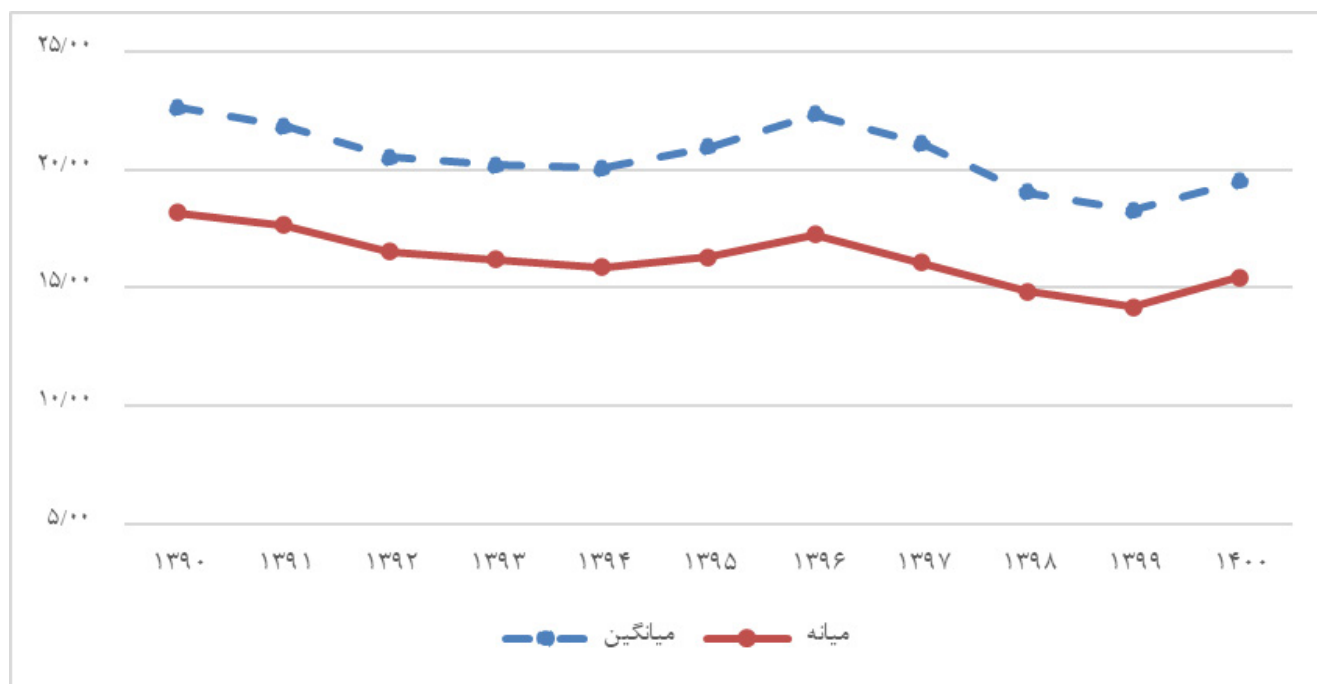
علاوه بر محاسبات صورت گرفته برای برآورد خط و نرخ فقر که افزایش نرخ فقر را از سال ۱۳۹۰ به بعد نشان می‌دهد، بررسی متغیرهای رفاهی خانوار نیز، کاهش رفاه خانوار طی این سال‌ها را نشان می‌دهد که تأییدی بر درستی نتایج برآورد شده از افزایش نرخ فقر است. به این معنا که صرف نظر از روش‌های محاسباتی که می‌تواند نتایج متفاوتی در پی داشته باشد، متغیرهای مصرفی و رفاهی خانوار این امر را تأیید می‌کنند. همچنین در حالی که داده‌های رفاهی متناسب و همگام با محاسبات نرخ فقر بدتر شدن وضعیت معیشت را از سال ۱۳۹۷ نشان می‌دهد؛ در سال ۱۴۰۰ بهبود نسبی در تناسب با کاهش نرخ فقر در داده‌های مصرفی و رفاهی مشاهده می‌شود.

مجموع هزینه‌های خانوار، همواره به‌عنوان یکی از معیارهای رفاهی محسوب می‌شود. در سطح کلان اقتصاد، مصرف و تولید ناخالص داخلی و یا درآمد ملی معیاری برای رفاه بوده و در سطح خرد نیز میزان مصرف خانوار، معیاری برای تغییرات رفاهی خانوار است.

برای درک بهتر از اعداد، افزایش روی خط فقر سال ۱۴۰۱ را در نظر بگیرید. افزایش ۵ درصدی در خط فقر سال ۱۴۰۱ به معنای افزایش ۳۱۵ هزار تومانی در خط فقر متوسط کشوری برای یک خانوار سه نفره است. این عدد برای خانوار سه نفره تهرانی به معنای افزایش ۶۰۰ هزار تومانی در خط فقر در سال ۱۴۰۱ است. همان‌طور که در نمودار ۵ مشخص است، با گذشت زمان و کاهش رفاه همه مردم (و نه فقط فقرا) با ۵ درصد افزایش در خط فقر؛ درصد بیشتری از خانوارها به زیر خط فقر منتقل می‌شوند.

این موضوع به این معناست که خانوارهای بالای خط فقر و حول و حوش خط فقر هم به لحاظ رفاهی و درآمدی تفاوت چندانی با خانوارهای زیر خط فقر ندارند. تراکم جمعیتی حول خط فقر بالاست و تنها جمعیت ۳۰ درصدی زیر خط فقر نیستند که به حمایت نیاز دارند.

نمودار ۶. هزینه کل حقیقی شده خانوار هزار تومان در ماه (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۵)



ماخذ: همان.

افزایش ۶/۶ و ۸/۸ درصدی داشته که به نظر می‌رسد همین موضوع نیز باعث کاهش فقر در سال ۱۴۰۰ شده است. بنابراین در یک دید کلی از مصرف خانوار، کاهش رفاه طی دهه ۱۳۹۰ را مشاهده می‌کنیم که با نتایج به‌دست آمده از خط و نرخ فقر نیز سازگار است.

هزینه کل حقیقی شده خانوار به‌عنوان مصرف کل خانوار که نمایانگر رفاه کل نیز است، در بیشتر سال‌های دهه ۱۳۹۰ (به جز افزایش طی سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶) روند کاهشی داشته و مقدار کاهش طی سه سال ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ بسیار شدید و قابل توجه است. اما در سال ۱۴۰۰ میانگین و میانه درآمد (هزینه کل حقیقی) به ترتیب



خانوار و همچنین تغییرات وضعیت خوراکی خانوار را به‌عنوان مهم‌ترین متغیر رفاهی خانوار بررسی می‌کنیم، سپس مروری بر سهم مسکن خواهیم داشت.

### الف) بررسی تغییرات مصرف خوراک خانوار

برای بررسی تغییرات مصرف خوراک، به بررسی سه سؤال اصلی می‌پردازیم: اول اینکه آیا سهم خوراک از کل هزینه‌های خانوار تغییر کرده است؟ سؤال دوم این است که آیا در صورت تغییر سهم خوراک از کل هزینه خانوار، میزان خوراک دریافتی خانوار نیز تغییری داشته است؟ یعنی برای مثال اگر سهم خوراک از کل هزینه خانوار افزایش یافته به معنای آن است که خانوار میزان خوراک خود را افزایش داده است؟ یا اگر سهم خوراک افزایش یافته، به این دلیل بوده که خانوار برای حفظ سطح قبلی خوراک، با افزایش قیمت آن، سهم خوراک را افزایش داده؟ در حالت سوم و بدترین حالت اینکه آیا خانوار به‌طور هم‌زمان هم سهم خوراک را افزایش داده و هم از میزان خوراک کاسته است؟ و سؤال سوم این است که آیا کیفیت خوراک دریافتی خانوار نیز دچار تغییر شده است؟

### ۱. تغییرات سهم خوراک از کل هزینه خانوار:

در نمودار ۷ سهم خوراک از کل هزینه خانوار نشان داده شده است.

اما به‌منظور ارائه تحلیل‌های دقیق‌تر، بررسی وضعیت رفاهی خانوار، در دو بخش صورت می‌گیرد. اول به بررسی سهم کالاهای ضروری از کل هزینه‌های خانوار می‌پردازیم و سپس نگاهی به سهم سایر هزینه‌ها از کل هزینه‌های خانوار خواهیم داشت.

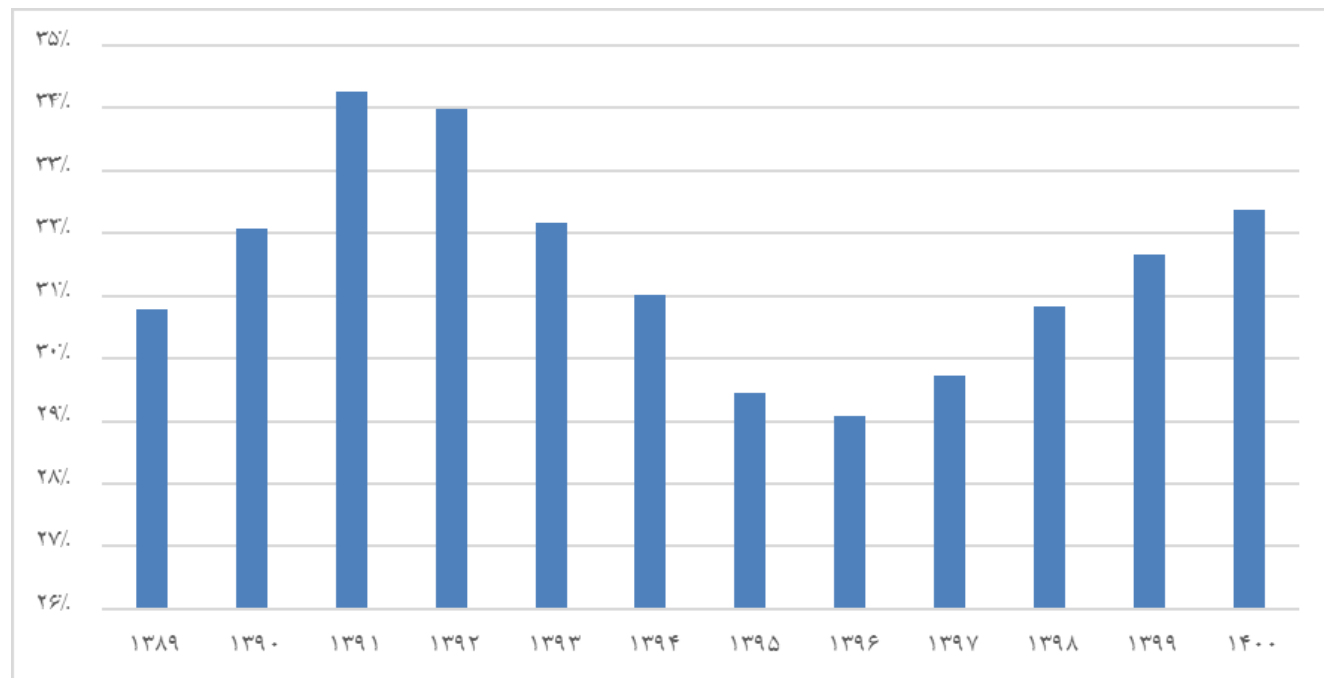
### ۱-۲-۱. سهم هزینه‌های ضروری از کل هزینه‌های خانوار

خوراک ضروری‌ترین کالای مورد استفاده افراد است؛ یعنی اولین نیازی که انسان زنده باید برطرف کند خوراک است. از این رو در رده‌بندی کالاهای ضروری، خوراک ضروری‌ترین کالاست.

یکی از مهم‌ترین متغیرهایی که برای بررسی وضعیت رفاهی خانوار مورد استفاده قرار می‌گیرد، نسبت هزینه خوراک به کل هزینه خانوار است. افزایش نسبت هزینه خوراک به کل هزینه خانوار، نشان‌دهنده آن است که خانوار سهم بیشتری از هزینه‌های خود را به خوراک اختصاص داده و از این رو برای سایر هزینه‌ها مقدار کمتری در اختیار دارد.

اما در کنار سهم خوراک، سهم مسکن نیز از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. به‌طور کلی مسکن و خوراک دو کالای ضروری برای خانوار محسوب شده و هر چه سهم این دو افزایش یابد، خانوار منابع کمتری برای اختصاص به سایر موارد دارد. ما در این قسمت ابتدا سهم هزینه خوراک از کل هزینه

نمودار ۷. سهم هزینه خوراک از کل هزینه خانوار (درصد)



مأخذ: همان.

توضیحات: در محاسبه سهم هزینه خوراک از کل هزینه خانوار، مجموع هزینه خوراک در نظر گرفته شده که هزینه رستوران نیز در آن لحاظ شده است.

در **نمودار ۸** میانه و میانگین کالری دریافتی خانوار طی دهه ۹۰ به همراه مقدار کالری مورد نیاز، نشان داده شده است. ارائه هر دو آماره میانه و میانگین به این علت است که میانگین متغیرها به دلیل مصرف بالای دهک‌های پردرآمد جامعه تقریب خوبی از متوسط جامعه ارائه نمی‌کند و اما با بررسی انجام شده میانه متغیرها به مصرف دهک‌های ۴ و ۵ نزدیک‌تر است، بررسی میانه می‌تواند تخمین بهتری از وضعیت جامعه در قشر متوسط ارائه کند.

همان‌طور که در **نمودار ۸** نشان داده شده، به جز افزایش کوچک در سال ۱۳۹۶، کالری دریافتی خانوار به‌طور پیوسته رو به کاهش بوده و مهم‌تر آنکه از سال ۱۳۹۷ به بعد میانه جمعیت نیز کمتر از حداقل کالری مورد نیاز روزانه مصرف می‌کند.

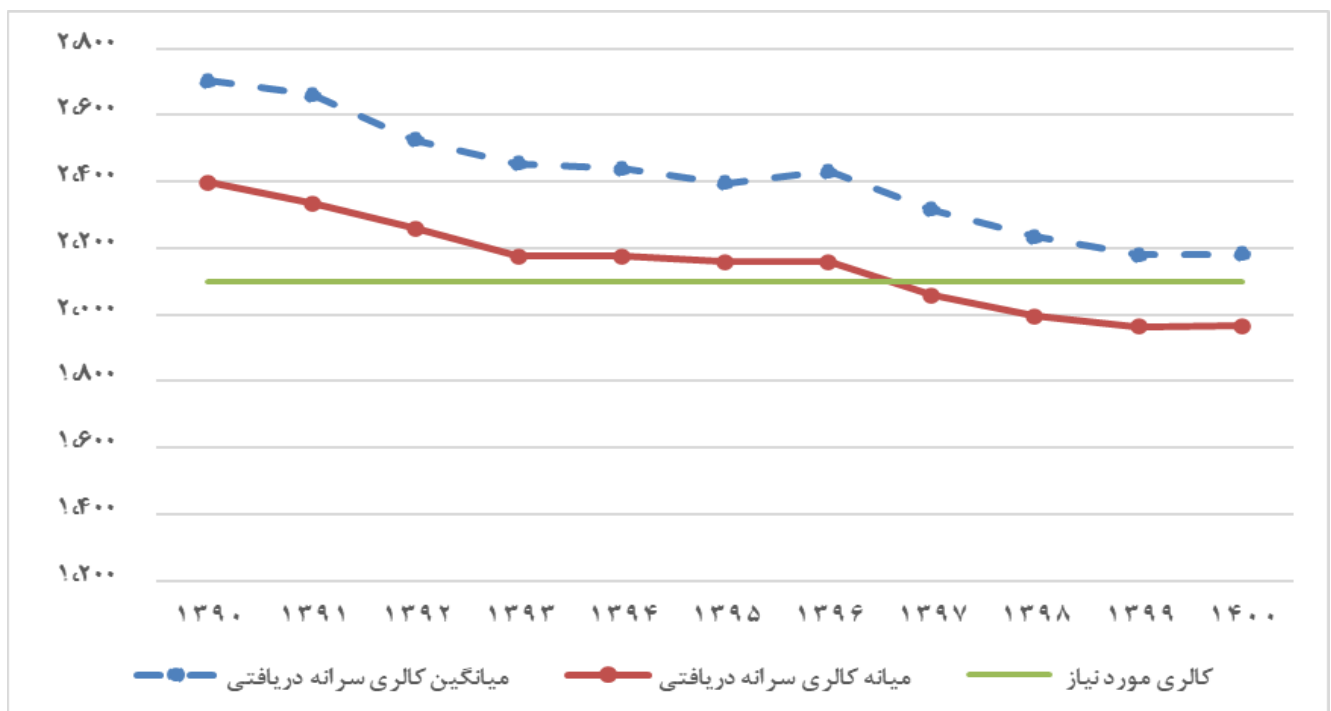
روند نزولی کالری دریافتی از سال ۱۳۹۷ به بعد به‌خوبی در **نمودار ۸** مشخص است. همچنین این روند نزولی در سال ۱۴۰۰ متوقف شده و کالری دریافتی در دو سال ۱۴۰۰ و ۱۳۹۹ تقریباً با یکدیگر برابر هستند.

هم‌حرکتی سهم خوراک از کل هزینه خانوار که در **نمودار ۷** نشان داده شده با نرخ فقر که در **نمودار ۲** نشان داده است، نشان‌دهنده افزایش سهم خوراک از کل هزینه خانوار هم‌زمان با افزایش فقر است؛ یعنی روند سهم خوراک از کل هزینه خانوار نیز روند افزایش نرخ فقر را تأیید می‌کند. رشد شدید شاخص قیمت‌ها و هم‌زمان رشد بیشتر شاخص خوراک از کل هزینه خانوار باعث شده که خانوار برای تأمین حداقل خوراک، سهم بیشتری از درآمدهایش را اختصاص دهد. اما سؤالی که ایجاد می‌شود این است که آیا خانوار با اختصاص سهم بیشتری از درآمدهایش به خوراک، توانسته همان سطح قبلی را از خوراک حفظ کند؟

## ۲. تغییرات میزان خوراک دریافتی خانوار

یکی از معیارهای سنجش میزان خوراک هر فرد، کالری دریافتی سرانه است که در مطالعات فقر نیز بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد. نگاهی به مصارف خوراکی خانوار نشان می‌دهد که خانوارهای ایرانی طی دهه ۱۳۹۰ به‌طور پیوسته با کاهش کالری دریافتی مواجه بوده‌اند.

نمودار ۸. سرانه کالری دریافتی در روز (کیلو کالری)



مأخذ: محاسبات تحقیق براساس داده‌های هزینه و درآمد خانوار.



دریافتی نمی‌گذاشت.

**ثالثاً**، کیفیت کالری دریافتی (همان‌طور که در ادامه نشان می‌دهیم) نیز کاهش یافته است و این در حالی است که اصولاً کاهش در کالری دریافتی به دلیل رژیم غذایی به نحوی است که مواد غذایی پر کالری و کم کیفیت کاهش یافته و برعکس مواد غذایی کم کالری و با کیفیت افزایش می‌یابد. اما در ایران روند معکوسی رخ داده و مصرف مواد غذایی با کیفیت کاهش یافته است.

بنابراین در کنار افزایش سهم خوراک و کاهش کالری دریافتی، این سؤال مطرح است که آیا سبب خوراک مصرفی خانوار نیز تغییر کرده است؟

### ۳. تغییرات سبب مصرفی خانوار

بررسی سبب مصرفی خانوار نشان می‌دهد که خانوار از کالاهای با کیفیت در سبب غذایی کاسته و برای دریافت کالری مورد نیاز، از مواد غذایی ارزان‌تر و با کیفیت کمتر استفاده کرده است. کاهش مصرف گوشت قرمز، یک نمونه از این موارد است که در **نمودار ۹** نشان داده شده است. در **نمودار ۱۰** تا **نمودار ۱۲** نیز مصرف گوشت مرغ، نان و شیر رسم شده است.

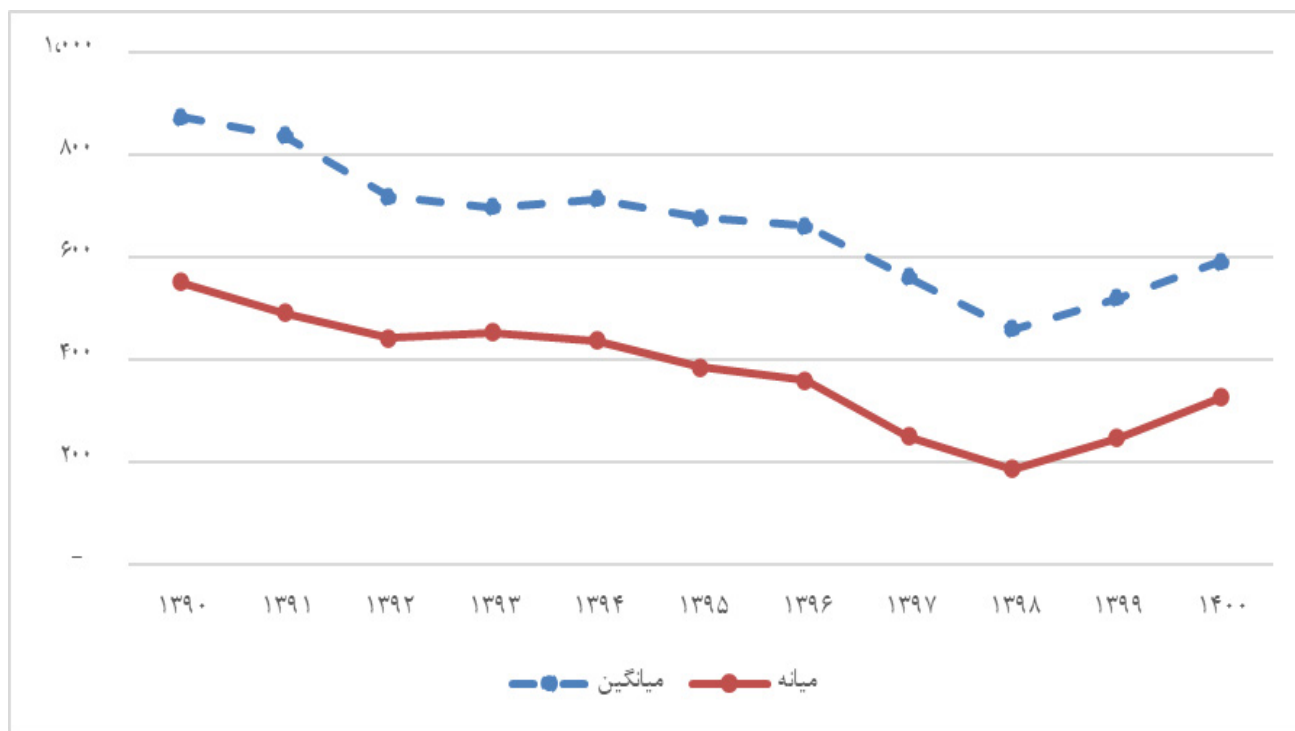
بنابراین هر چند مشاهده کردیم که سهم خوراک از کل هزینه خانوار افزایش یافته اما هم‌زمان کالری دریافتی خانوار نیز کاهش یافته است؛ یعنی خانوار ایرانی در مواجهه با روند فزاینده فقر، هم‌از سایر هزینه‌ها کاسته و به خوراک اختصاص داده و هم‌از میزان خوراک خود کاسته است.

یک علت کاهش در کالری دریافتی، می‌تواند تغییر در عادات غذایی به مرور زمان باشد، اما شواهد نشان می‌دهد که کاهش در کالری دریافتی در دهه ۱۳۹۰ و به خصوص از سال ۱۳۹۰ به بعد صرفاً به دلیل تغییر در عادات غذایی نیست، زیرا:

**اولاً**، همه دهک‌های درآمدی کاهش کالری دریافتی دارند، به این معنا که حتی دهک‌های پایین که کالری کمتر از استاندارد دریافت می‌کنند نیز کاهش در کالری به خصوص در سه سال اخیر داشته‌اند.

**ثانیاً**، همچنان اختلاف بین کالری دریافتی به طور قابل ملاحظه‌ای بین دهک‌های پایین با دهک‌های بالایی وجود دارد، به طوری که در سال ۱۴۰۰ دهک دهم به طور متوسط ۳۲۸۴ و دهک اول ۱۴۹۷ کیلوکالری مصرف می‌کند، در صورتی که اگر کاهش در کالری دریافتی به علت تغییر در عادات غذایی و تمایل به رژیم غذایی کم کالری بود، باید تناسب بیشتری بین کالری دریافتی دهک‌های درآمدی به وجود می‌آمد و اصولاً وضعیت درآمد نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان کالری

نمودار ۹. سرانه مصرف گوشت قرمز در ماه (گرم)

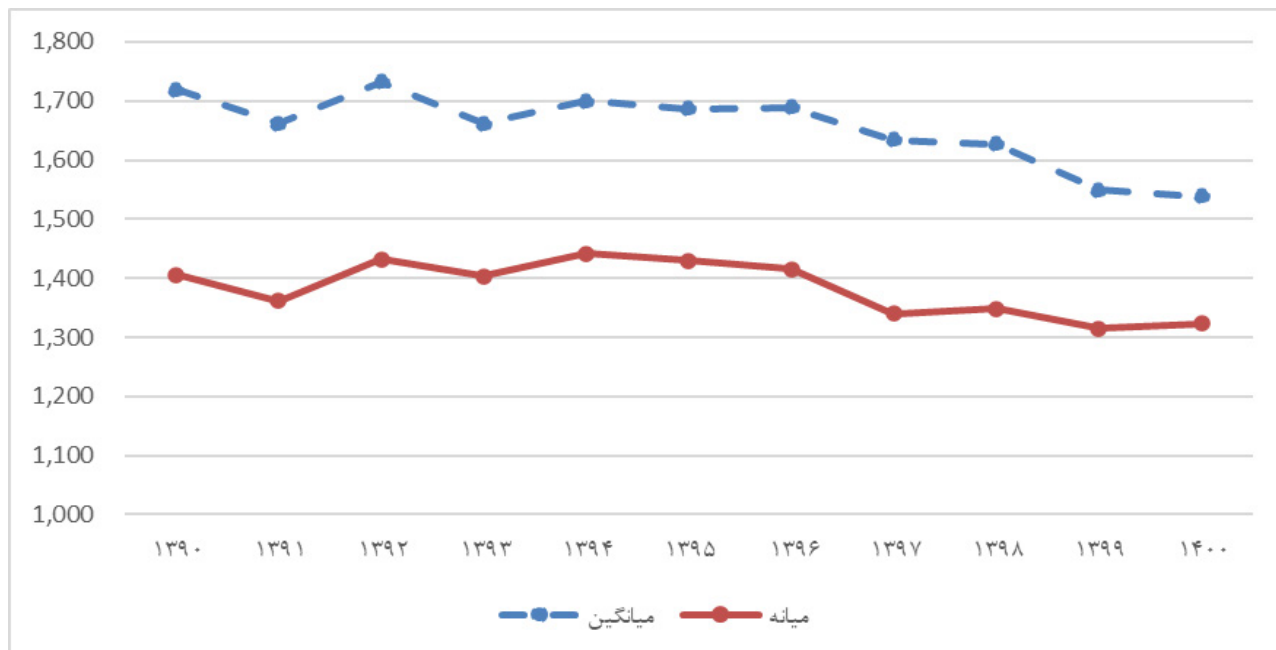


مأخذ: همان.

قیمت نسبی گوشت قرمز (یعنی عدم افزایش قیمت آن متناسب با قلام غذایی جایگزین گوشت قرمز مانند گوشت مرغ) مصرف گوشت قرمز افزایش یافته است.

مصرف میانہ و میانگین گوشت قرمز در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۰ به ترتیب ۳۲ و ۴۱ درصد کاهش یافته است. در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به علت کاهش

نمودار ۱۰. سرانه مصرف گوشت مرغ در ماه (گرم)

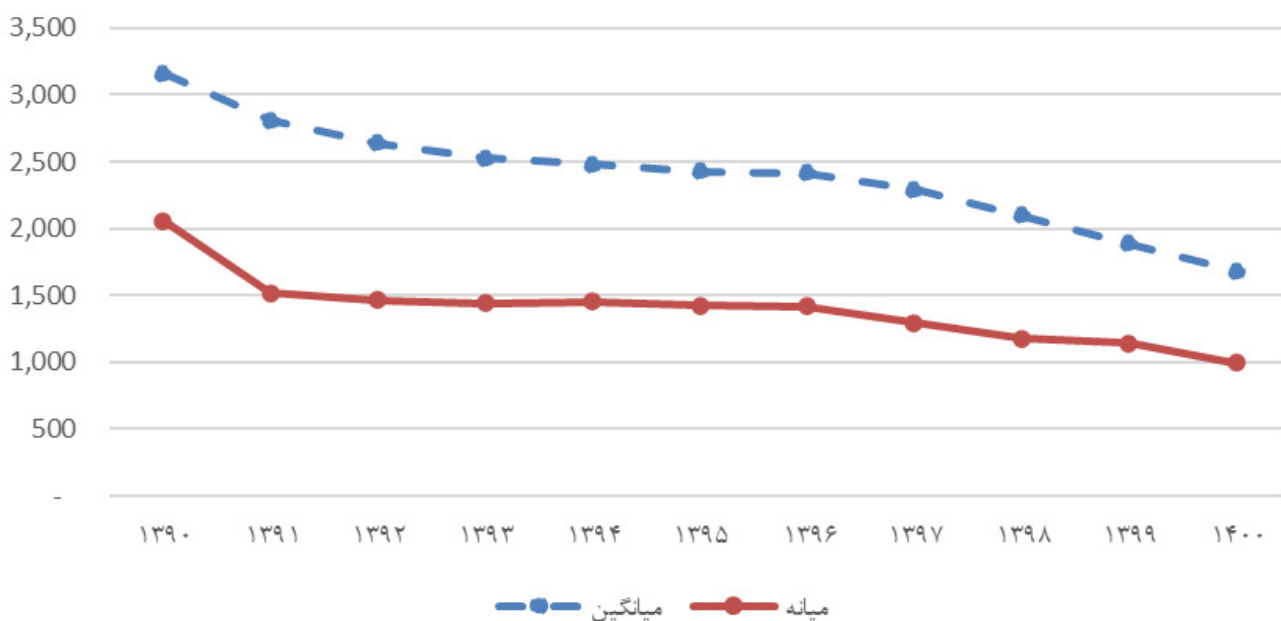


مأخذ: همان.

ملاحظه می‌شود در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۹، میانها مصرف مرغ مقداری افزایش و میانگین آن مقداری کاهش داشته است.

در مصرف گوشت مرغ در دهه ۱۳۹۰، روند کاهشی مشاهده می‌شود. میانها و میانگین مصرف گوشت مرغ به ترتیب ۵/۸ و ۱۰/۵ درصد کاهش در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۹ داشته است. همچنین همان‌طور که

نمودار ۱۱. سرانه مصرف شیر در ماه (گرم)



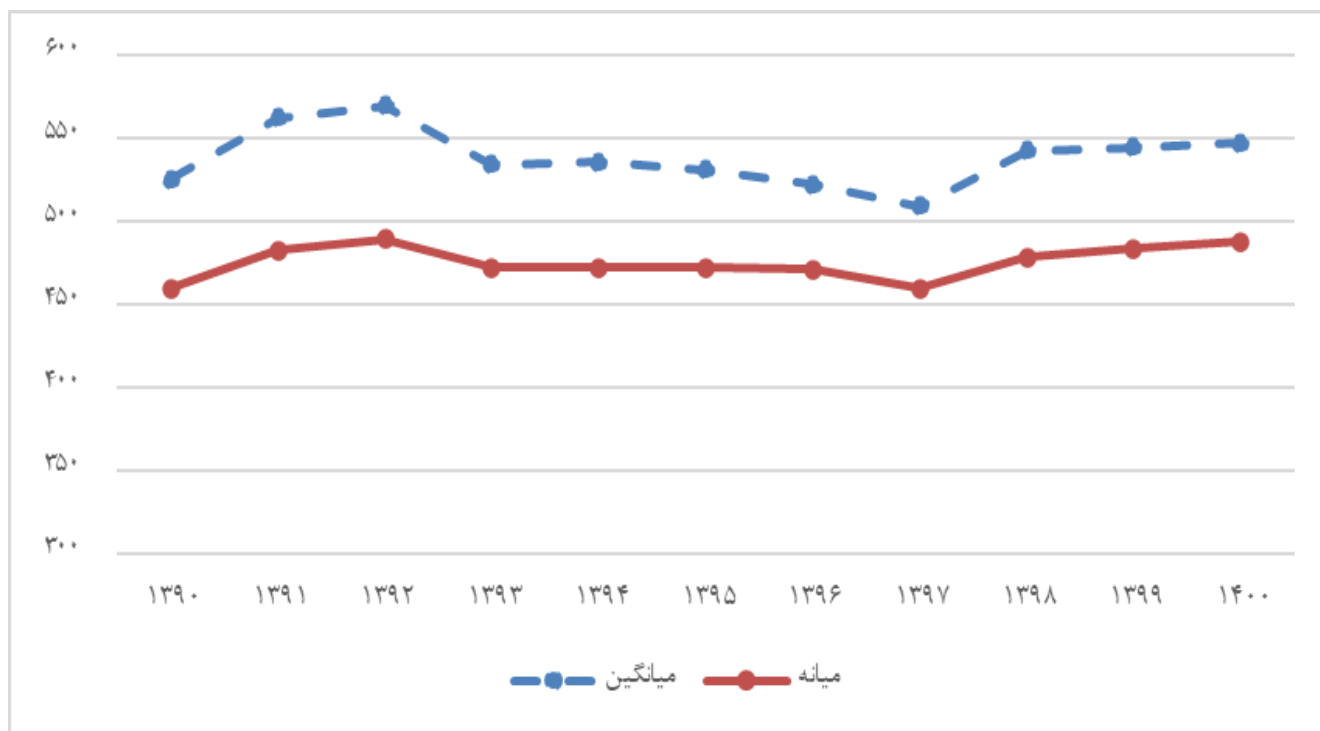
مأخذ: همان.



سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ نسبتاً ثابت است. نکته قابل توجه آنکه مصرف شیر تنها در یک سال ۱۴۰۰ نیز نسبت به سال ۱۳۹۹ کاهش ۱۳ و ۱۰ درصدی به ترتیب در میانه و میانگین داشته است.

مصرف شیر در دهه ۱۳۹۰ به صورت مستمر کاهش یافته است و میانگین مصرف در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۰ به ترتیب ۵۱/۷ و ۴۶/۸ درصد کاهش یافته که مقدار بسیار چشمگیری است. این میزان کاهش در ابتدا و انتهای این دهه، شدت بیشتری دارد، اما در فاصله

#### نمودار ۱۲. سرانه مصرف تخم مرغ در ماه (گرم)

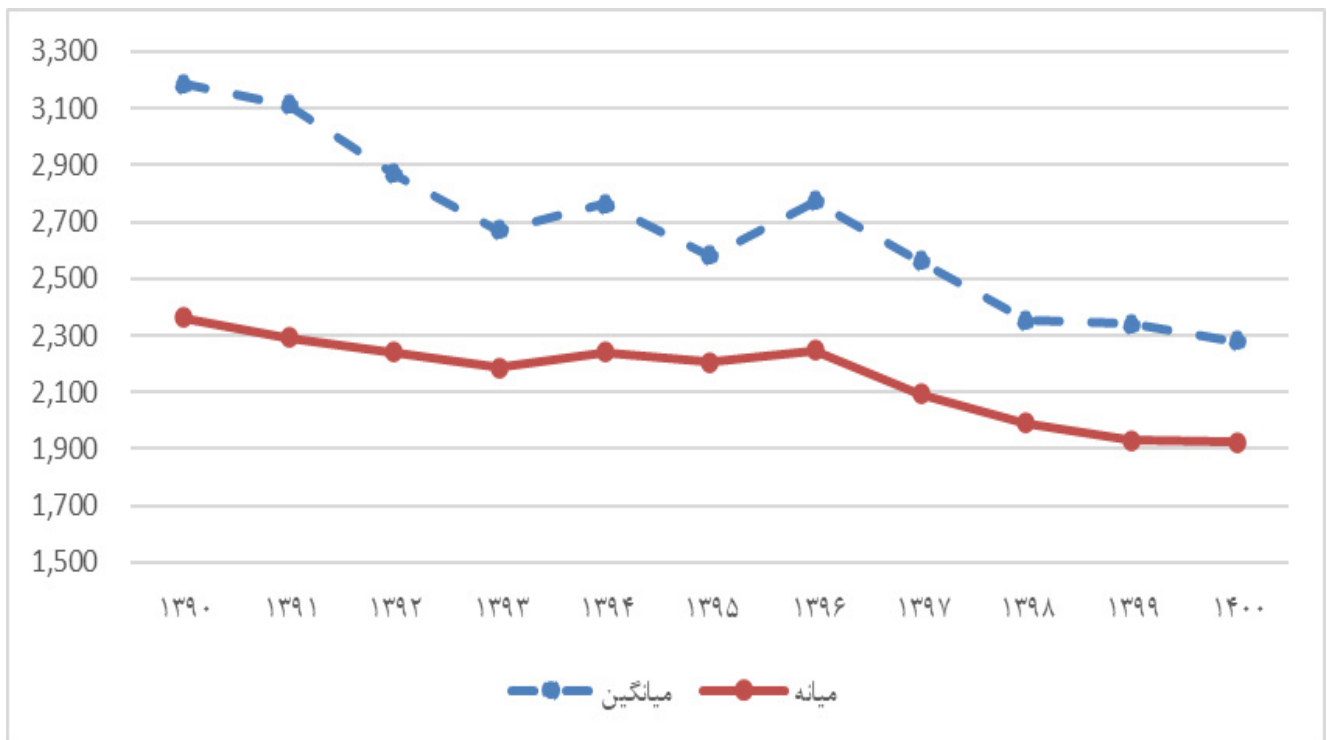


مأخذ: همان.

منبع تأمین پروتئین جایگزین کرده است. میانه و میانگین مصرف تخم مرغ به ترتیب ۶ و ۴ درصد در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۹ افزایش داشته است.

مصرف تخم مرغ نسبت به سایر پروتئین‌ها رفتار متفاوتی داشته است. در حقیقت به نظر می‌رسد خانوار ایرانی با کاهش مصرف گوشت و مرغ در دهه ۱۳۹۰ و به خصوص از سال ۱۳۹۷ به بعد، تخم مرغ را به عنوان

نمودار ۱۳. سرانه مصرف برنج در ماه (گرم)



مأخذ: همان.

### ۲. کاهش کیفیت کالری دریافتی:

کاهش رفاه خانوار به قدری بوده که حتی با اختصاص سهم بیشتری از هزینه‌ها به خوراک و کاهش کالری دریافتی، بازهم خانوار مجبور شده تا کیفیت کالری دریافتی را کاهش دهد. در دهه ۱۳۹۰ مصرف کالاهای اساسی کاهش یافته و بیشترین کاهش مصرف در گوشت قرمز و شیر بوده است (در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۹). به‌طور هم‌زمان، خانوار مصرف تخم‌مرغ را جایگزین تأمین پروتئین ناشی از گوشت قرمز کرده است<sup>۱</sup> (نمودار ۱۴).

کاهش بیشتر در مصرف گوشت قرمز، شیر و بعد از آن برنج نسبت به کالری دریافتی، نشان‌دهنده جایگزینی آنها با سایر کالاها در سبد مصرفی خانوار است.

در نمودار ۱۴ خلاصه تغییر در متغیرهای رفاهی که در این قسمت بررسی شد در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۹ و همچنین در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۰ نشان داده شده است.

در نمودار ۱۳ مصرف برنج قابل‌ملاحظه است، مانند سایر کالاهای اساسی بررسی شده در طول دهه ۱۳۹۰ روند کاهشی داشته است. میانه و میانگین مصرف برنج در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۰ در حدود ۱۸ و ۲۸ درصد کاهش نشان می‌دهد.

در مجموع در خصوص تغییرات وضعیت خوراک خانوار می‌توان عنوان داشت که با افزایش قیمت‌ها و کاهش رفاه همه دهک‌های درآمدی و گسترش فقر سه اتفاق زیر به‌طور هم‌زمان رخ داده است:

#### ۱. اختصاص سهم بیشتری از هزینه‌ها به خوراک:

همان‌طور که اشاره شد خانوار برای تأمین خوراک مجبور شده تا از سایر هزینه‌ها کاسته و سهم بیشتری از درآمدش را به خوراک اختصاص دهد (نمودار ۷)

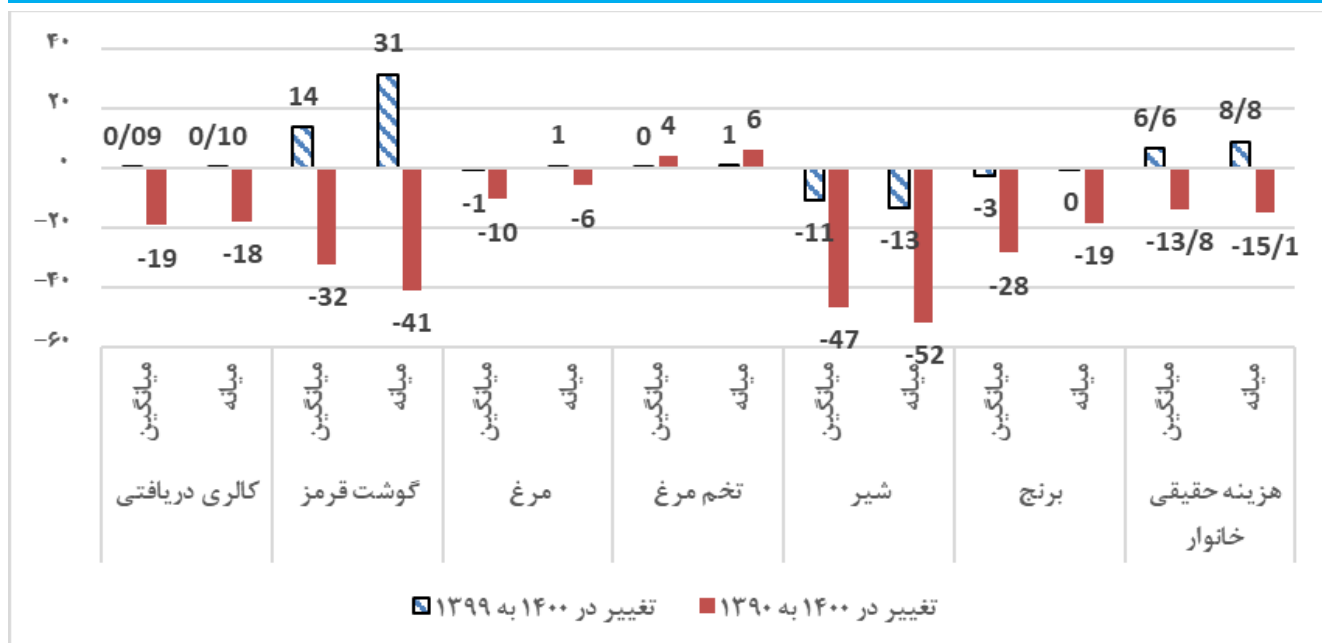
#### ۲. کاهش میزان خوراک (کاهش کالری دریافتی):

خانوار در مقابل کاهش رفاه و افزایش فقر، نه تنها مجبور شده تا سهم بیشتری از هزینه‌هایش را به خوراک اختصاص دهد، بلکه از میزان خوراک نیز کاسته است. براساس نمودار ۸ کالری دریافتی خانوار در دهه ۱۳۹۰ به‌طور پیوسته کاهش یافته است.

۱. نگاهی به مصرف خانوار نشان می‌دهد که با تغییرات قیمتی، مصرف خانوار نیز تغییر کرده و این موضوع به این معناست که تغییر در منبع کالری دریافتی خانوار ناشی از سلیقه نبوده بلکه به علت تغییرات قیمتی بوده که با توجه به ناخواسته بودن آن می‌توان از آنها به‌عنوان کاهش رفاه نام برد. برای مثال با افزایش قابل توجه قیمت گوشت قرمز در سال ۱۳۹۸ (قیمت اقلام اساسی در درگاه اینترنتی مرکز آمار ایران موجود است)، مصرف مرغ افزایش پیدا کرده که به علت تغییر نسبی قیمت این دو کالا بوده است.



نمودار ۱۴. تغییرات متغیرهای رفاهی سرانه (درصد)



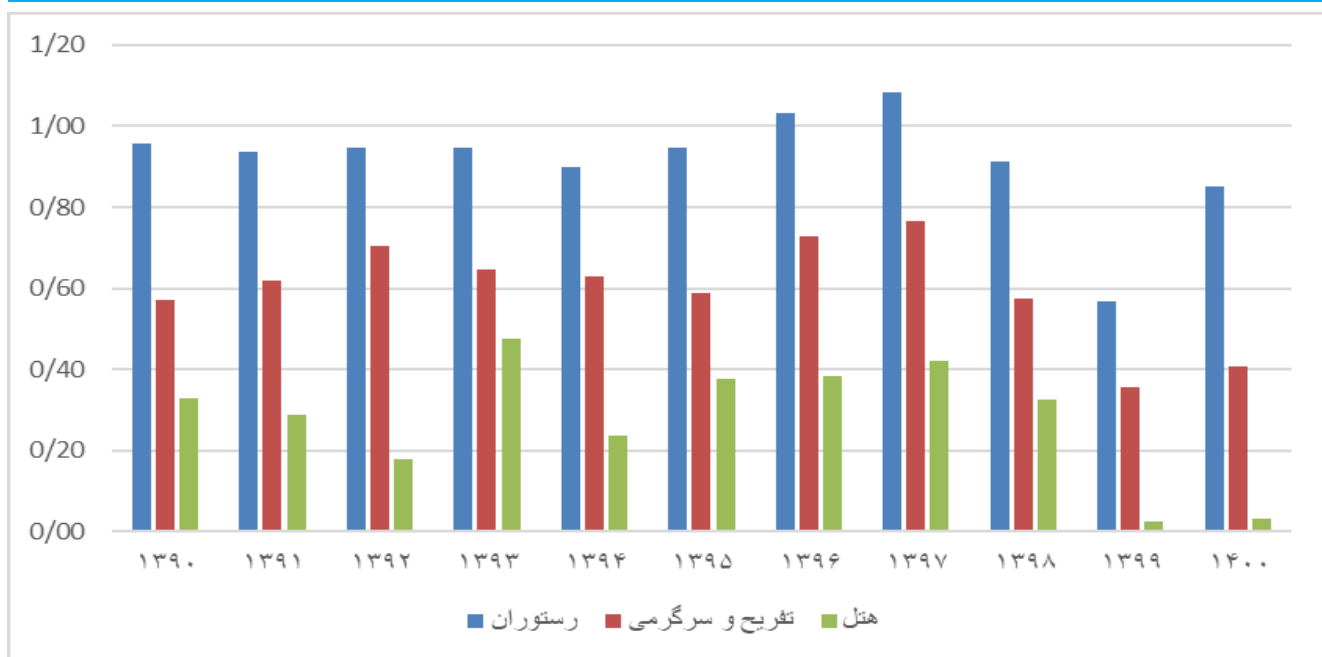
مأخذ: همان.

ب) بررسی تغییرات سهم مسکن خانوار

بررسی وضعیت مسکن خانوار در این بخش تنها با نگاهی بر تغییرات سهم مسکن از کل هزینه خانوار صورت می‌گیرد. افزایش سهم خوراک و مسکن از کل هزینه‌های خانوار در کنار هم می‌تواند رفاه خانوار را به شدت تحت تأثیر قرار دهد.

همان‌طور که مشخص است هرچند در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۹ بهبود در میانگین متغیرهای رفاهی رخ داده، اما همچنان تغییر در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۰ عده‌های منفی بزرگی است.

نمودار ۱۵. مجموع سهم مسکن و خوراک از کل هزینه خانوار



مأخذ: محاسبات براساس داده‌های هزینه و درآمد خانوار مرکز آمار ایران.

توضیحات: برای سهم مسکن، از هزینه مسکن اصلی خانوار استفاده شده است، یعنی اگر خانواری بیش از یک مسکن داشته باشد، سهم هزینه مسکنی که به‌عنوان مسکن اصلی بیان کرده، حساب شده است.

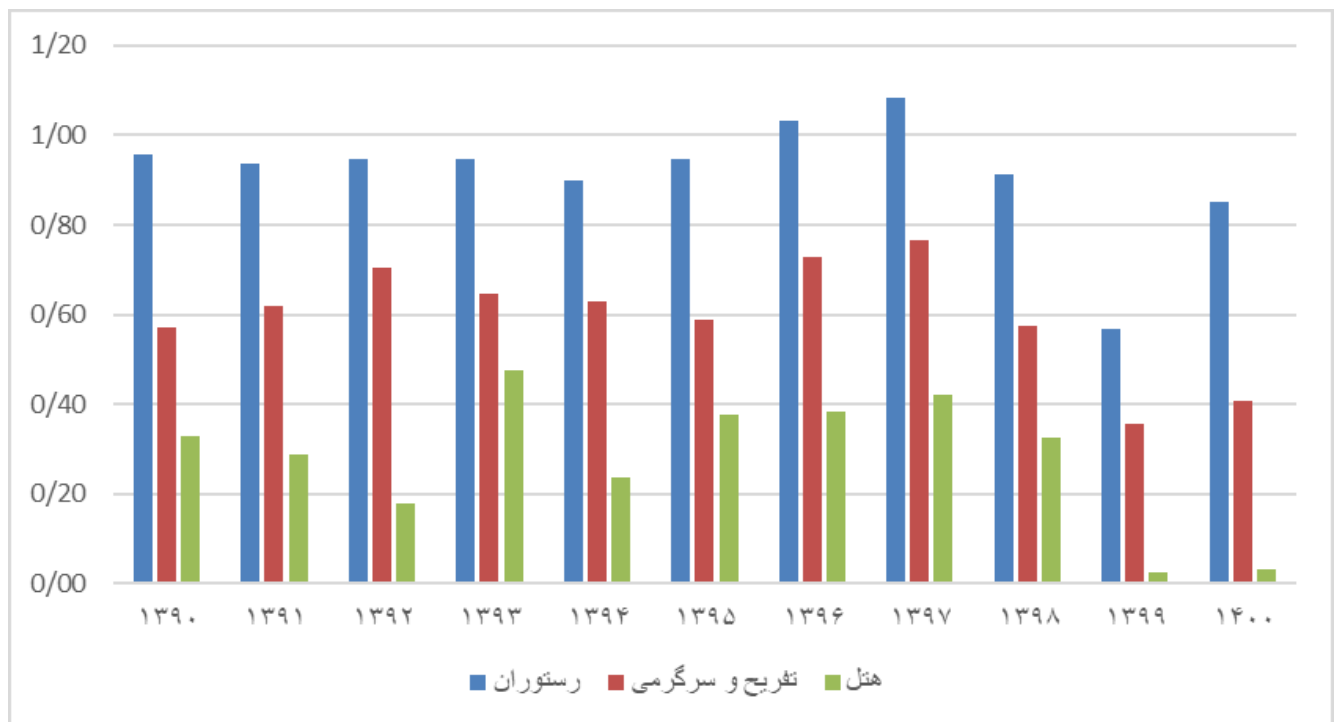


## ۲-۱-۲. سهم هزینه‌های رفاهی از کل هزینه‌های خانوار

در بخش ۲-۱-۲ تغییر در وضعیت رفاهی خانوار را از منظر تغییر در هزینه‌های ضروری بررسی کردیم. مسلماً افزایش سهم هزینه‌های خوراک و مسکن از کل هزینه‌های خانوار، باعث کاهش سهم سایر اقلام می‌شود. اما نگاهی به چگونگی این تغییرات، بهتر می‌تواند بدتر شدن وضعیت رفاهی و پیامدهای ناشی از آن را نشان دهد.

همان‌طور که در نمودار ۱۵ مشخص است، سهم مسکن از کل هزینه خانوار در دهه ۱۳۹۰ افزایش یافته و از ۲۳ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۲۷ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است. مجموع سهم مسکن و خوراک برای خانوار در سال ۱۴۰۰ به ۶۰ درصد رسیده که بالاترین مقدار در دهه ۹۰ است.<sup>۱</sup>

نمودار ۱۶. سهم هزینه هتل، تفریح و سرگرمی و رستوران از کل هزینه خانوار (درصد)



مأخذ: محاسبات براساس داده‌های هزینه و درآمد خانوار مرکز آمار ایران.

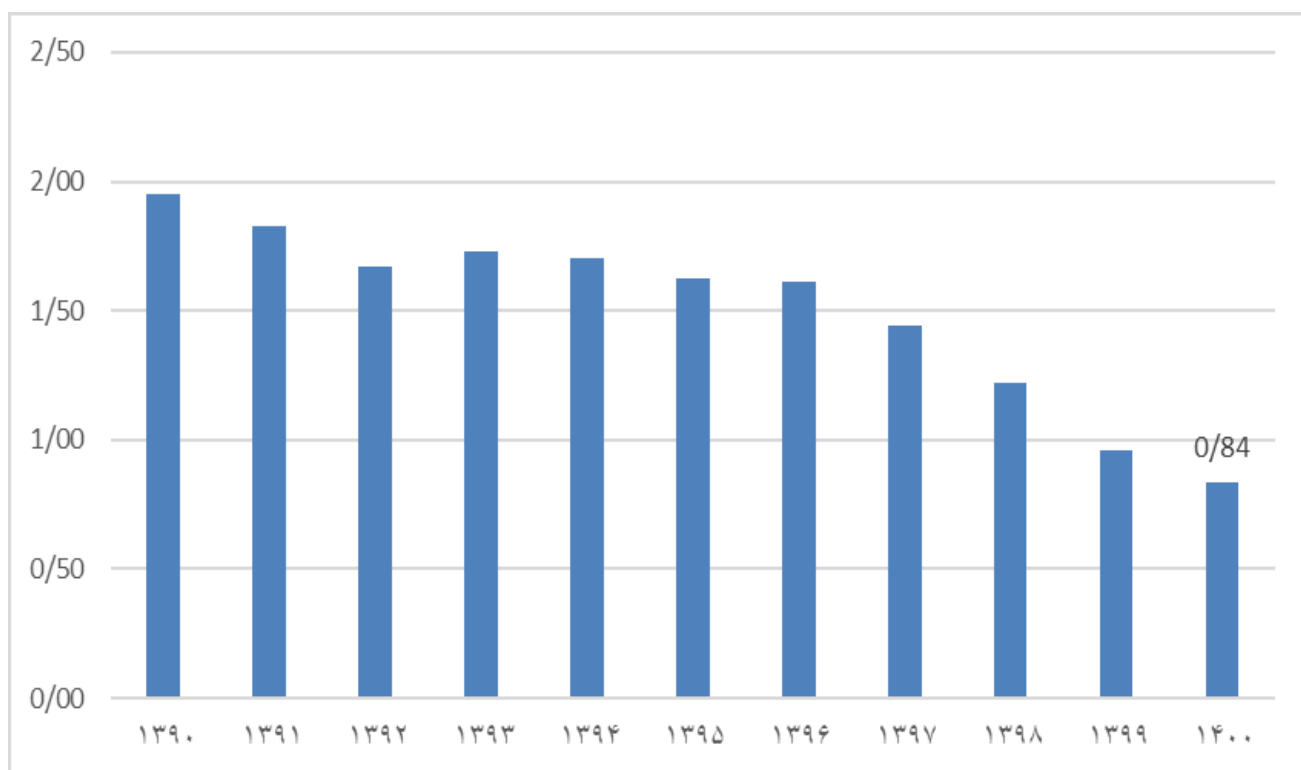
می‌دهد به نحوی که خانوار با فقیرتر شدن مجبور شده تا از تفریح کاسته و ضروریات را تأمین کند. اما افزایش فقر و کاهش سهم سایر هزینه‌ها به جز خوراک و مسکن، تنها معطوف به کاهش هزینه‌های رفاهی نیست و می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری برای خانوار داشته و موجبات فقر بین‌نسلی را فراهم آورد. به عنوان مثال سهم آموزش از کل هزینه‌های خانوار طی دهه ۹۰ در حدود ۶۰ درصد کاهش یافته است.

در نمودار ۱۶ سهم سه نوع هزینه هتل، تفریح و سرگرمی و رستوران از کل هزینه‌های خانوار نشان داده شده است. این نمودار نیز افزایش سهم این سه نوع هزینه تفریحی در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ که نرخ فقر در آن کاهش یافته را نشان می‌دهد. هزینه هتل در دو سال ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به شدت کاهش یافته که به نظر می‌رسد بخشی از آن می‌تواند ناشی از شیوع بیماری کرونا باشد. اما در مجموع کاهش قابل توجه سهم این سه گروه، از سال ۱۳۹۸ به بعد، کاهش در رفاه خانوار را نشان

۱. در خصوص سهم مسکن از کل هزینه خانوار باید توجه داشت که هر چند سهم مسکن از کل هزینه خانوار هم برای مالک و هم برای مستأجر محاسبه می‌شود، اما عملاً خانوار مالک هزینه‌ای را برای مسکن پرداخت نمی‌کند (و یا با قسط وام مسکن هزینه نسبتاً اندکی پرداخت می‌کند). اما این اعداد برای خانوار مستأجر بسیار معنادار است که در قسمت بعد از این گزارش به آن می‌پردازیم.



نمودار ۱۷. سهم هزینه آموزش از کل هزینه خانوار (درصد)



مأخذ: همان.

باشد. کاهش هزینه‌های آموزش، باعث می‌شود تا نسل بعدی نسلی کم‌دانش‌تر با سرمایه انسانی پایین‌تر و بهره‌وری پایین‌تر باشند و از این رو احتمال فقیر بودن آنها بیشتر از پدرها و مادرهایشان باشد.

کاهش سهم آموزش از هزینه‌های خانوار که در نمودار ۱۷ نشان داده شده، پیامدهای ناگواری را برای نسل آینده می‌تواند در برداشته باشد. وضعیت رفاهی باعث شده تا خانوار تنها به فکر رفع ضروریات

## بخش دوم: مروری بر ویژگی‌های فقرا

تفاوت جدی در بین فقرا و غیرفقرا داشته باشد؛ یعنی کارکرد اقتصاد باید به نحوی باشد که وقتی فردی شغل پیدا می‌کند، از فقر رهایی یابد. قاعدتاً انتظار داریم که در یک اقتصاد رو به رشد، مشاغل بهره‌ور ایجاد شوند و سیاستگذار نیز در کنار آن، قوانین را به نحوی تنظیم کند که هر کارگر با دریافت حداقل دستمزد، بتواند معیشتی بالاتر از خط فقر داشته باشد. در ایران نیز یافتن شغل تا حدودی دارای این کارکرد بوده است اما با بدتر شدن وضعیت اقتصاد کلان و رکود اقتصاد و تورم‌های فزاینده، به مرور زمان دستمزدها نتوانستند مطابق با تورم رشد پیدا کنند و از این رو دستمزد حاصل از کار استانداردهای پایین‌تری از زندگی را پوشش داده است.

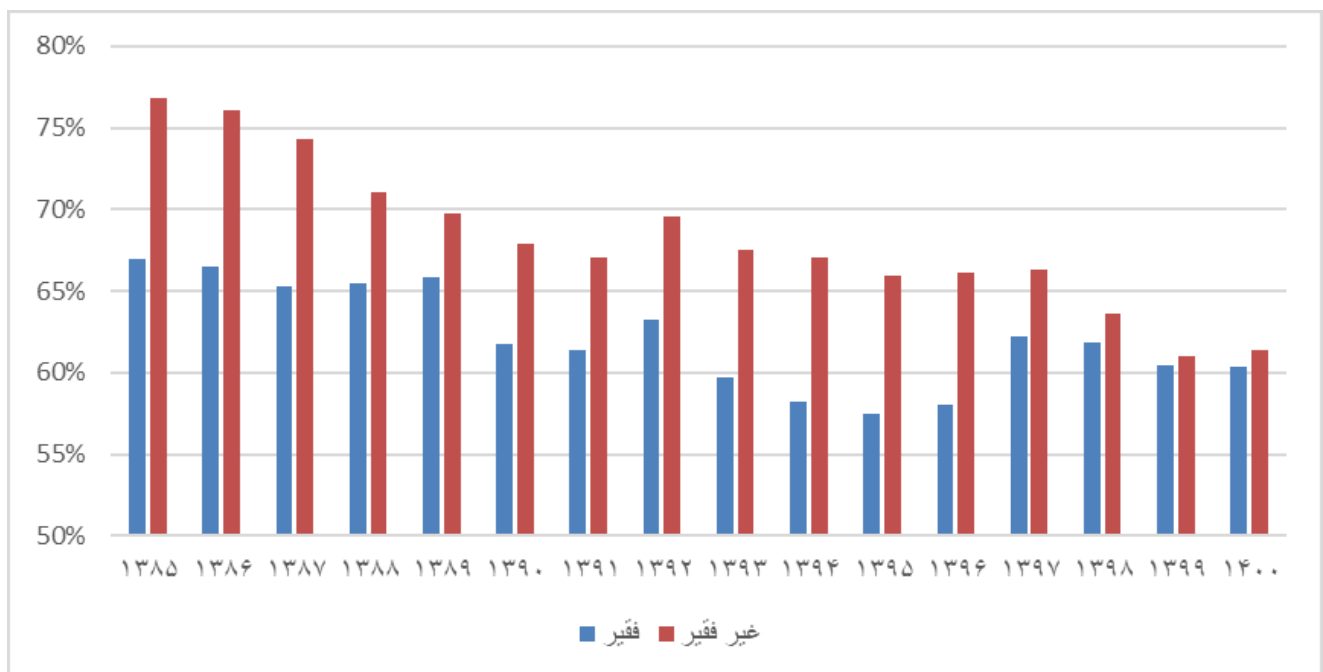
در نمودار ۱۸ وضعیت اشتغال سرپرست خانوار به تفکیک فقرا و غیرفقرا نشان داده شده است.

در بخش اول، مروری بر وضعیت کلی فقر در ۱۰ سال گذشته صورت گرفت. اما سؤالی که ممکن است ایجاد شود این است که فقرا از بین چه گروه‌هایی بوده و دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟ ویژگی‌های فقرا در طول زمان و به‌طور خاص در دهه ۱۳۹۰ چه تغییری کرده است. به‌منظور بررسی تغییرات ویژگی‌های فقرا در دهه ۱۳۹۰، در اینجا ویژگی‌های فقرا از سال ۱۳۸۵ مورد بررسی قرار می‌دهیم تا تغییرات دهه ۱۳۹۰ را بتوانیم به‌خوبی مورد تحلیل قرار دهیم. شایان ذکر است که بررسی‌های این قسمت تنها فراوانی یک ویژگی را در بین فقرا و غیرفقرا بررسی کرده و برای بیان دقیق‌تر روابط علی و معلولی بین ویژگی‌ها و احتمال فقیر شدن، نیاز به کنترل سایر عوامل است.

### ۱-۲ وضعیت شغلی سرپرست خانوار

وضعیت شغلی سرپرست خانوار اولین ویژگی‌ای است که انتظار داریم

نمودار ۱۸. درصد خانوارهای دارای سرپرست شاغل به تفکیک فقرا و غیرفقرا



مأخذ: همان.

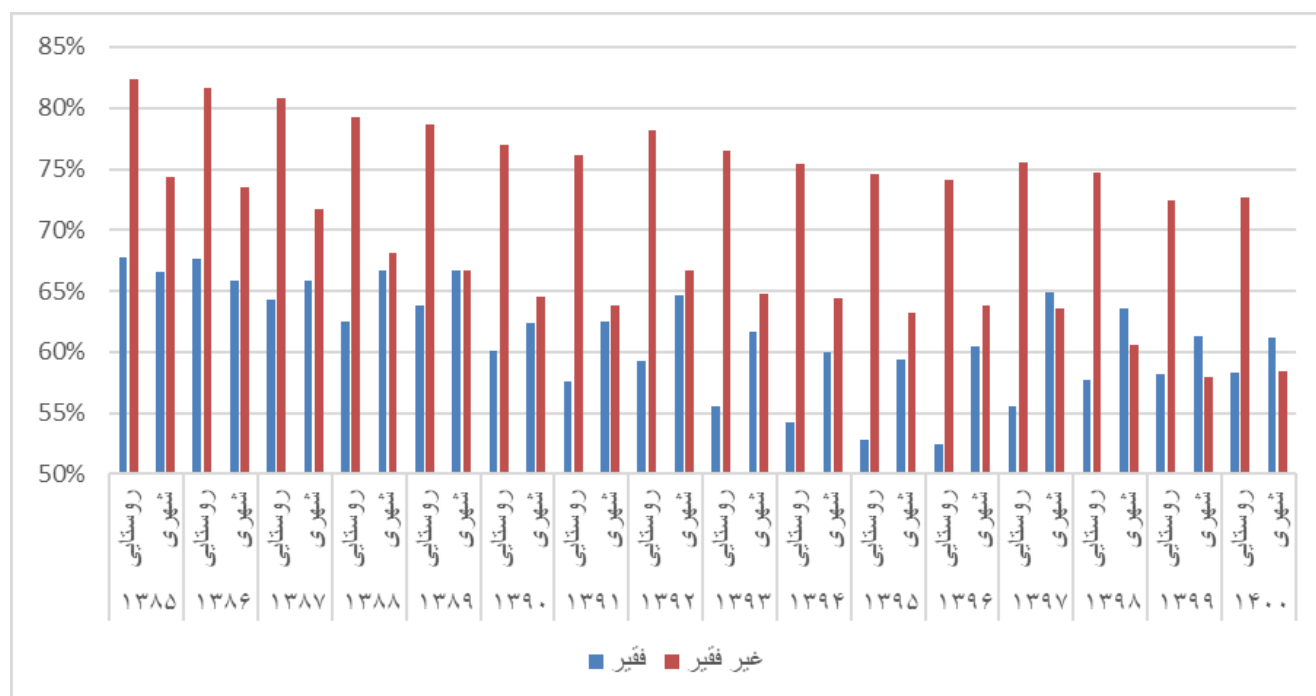


غیرفقیر، سرپرست شاغل دارند. در حقیقت با کاهش رشد اقتصادی و بدتر شدن شرایط اقتصاد کلان، درآمد حاصل از شغل دیگر دبرای اینکه خانوار را از فقر خارج کند کفایت نمی‌کند.

یعنی فقرای نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ در ویژگی شاغل بودن تا حدی متفاوت از فقرای سال‌های پایانی دهه ۱۳۹۰ هستند. افزایش فقر در دهه ۱۳۹۰ و سال‌های ۱۳۹۷ به بعد باعث شده تا امید به خروج از فقر، حتی با یافتن شغل هم به‌طور کامل وجود نداشته باشد. بررسی این تفاوت در نقاط شهری و روستایی نیز می‌تواند جالب توجه باشد.

همان‌طور که در نمودار ۱۸ مشخص است، در سال‌هایی که فقر کمتر بوده، شاغل بودن تا حد بیشتری می‌توانسته اختلاف بین فقرا و غیرفقرا را توضیح دهد؛ یعنی پیدا کردن شغل احتمالاً تا حدی می‌توانسته فقرا را از فقر نجات دهد. اما با افزایش نرخ فقر از سال ۱۳۹۷ به بعد، اختلاف خانوارهای دارای سرپرست شاغل بین فقرا و غیرفقرا کمتر شده است به نحوی که در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ اختلافی بین شاغل بودن سرپرست خانوار فقیر و غیرفقیر ملاحظه نمی‌شود. در سال ۱۴۰۰ در مجموع حدود ۶۰ درصد از خانوارهای فقیر و ۶۱ درصد از خانوارهای

نمودار ۱۹. درصد خانوارهای دارای سرپرست شاغل به تفکیک فقرا و غیرفقرا (شهری و روستایی)

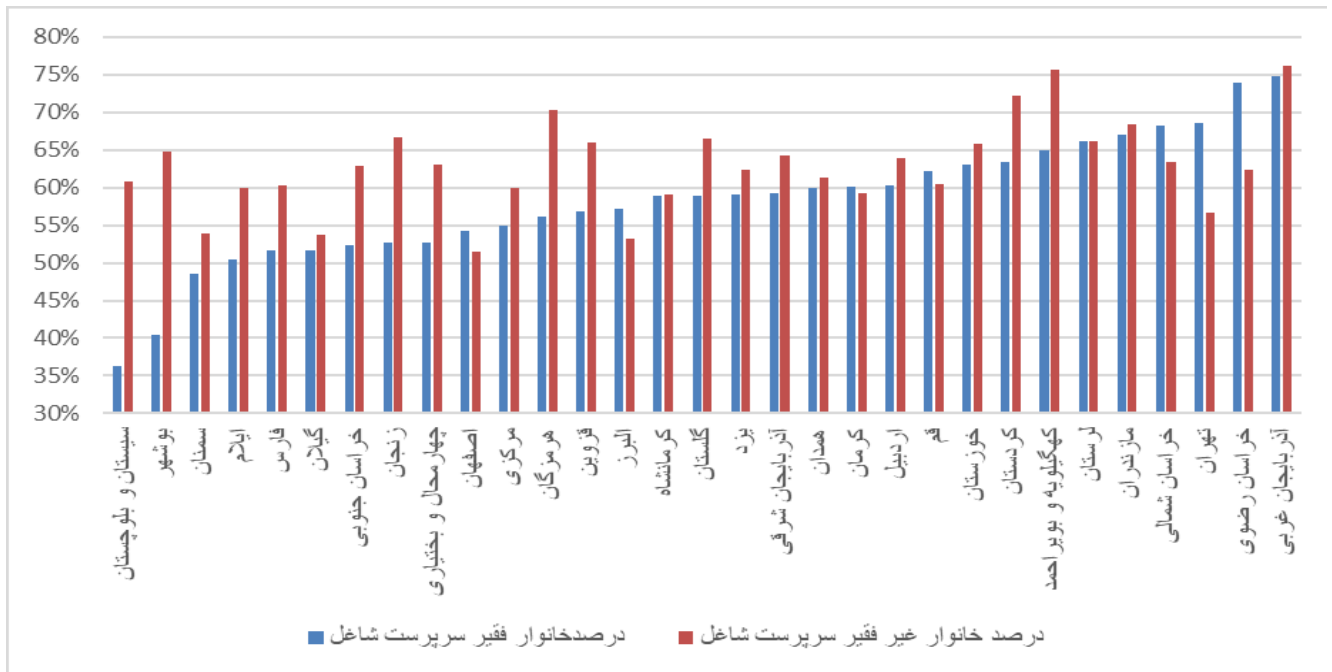


مأخذ: همان.

و این در حالی است که در فقرا ۵۸ درصد از خانوارها سرپرست شاغل دارند. اما در مناطق شهری، ۶۱ درصد از فقرا سرپرست شاغل دارند در صورتی که تنها ۵۸ درصد از غیرفقرا دارای سرپرست شاغل هستند. به نظر می‌رسد یکی از عوامل این امر می‌تواند تعیین حداقل دستمزد یکسان کشوری باشد به نحوی که باعث می‌شود تا در نواحی شهری و در استان‌هایی با هزینه‌های زندگی بالاتر، یافتن شغل به تنهایی عاملی برای خروج از فقر نباشد.

تفکیک فقرا و غیرفقرا در نقاط شهری و روستایی که در نمودار ۱۹ نمایش داده شده، نشان می‌دهد که هنوز در نقاط روستایی اختلاف معناداری بین فقرا و غیرفقرا در دارا بودن سرپرست شاغل وجود دارد. اما در نقاط شهری این اختلاف به‌طور کامل از بین رفته به نحوی که حتی در سال ۱۴۰۰ درصد خانوارهایی که دارای سرپرست شاغل هستند در بین فقرا اندکی بیشتر است. در سال ۱۴۰۰ در مناطق روستایی حدود ۷۲ درصد از غیرفقرا دارای سرپرست شاغل هستند

نمودار ۲۰. درصد خانوارهای دارای سرپرست شاغل به تفکیک فقرا و غیرفقرا در سال ۱۴۰۰- استانی



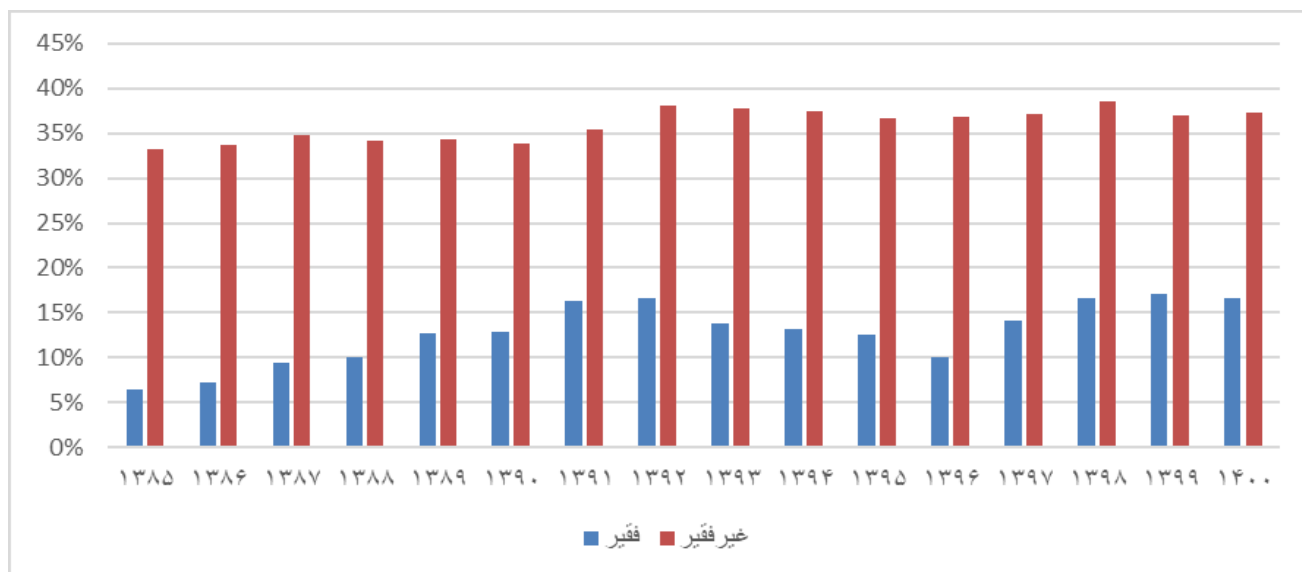
مأخذ: همان.

اما برای بخشی از غیرفقرا، درآمد حاصل از دارایی و یا مستمری دوران بازنشستگی نیز وجود دارد. علاوه بر وضعیت شغلی سرپرست خانوار و برخورداری از شغل که می‌تواند تا حدی توضیح‌دهنده وضعیت فقر باشد، به نظر می‌رسد برخورداری از یک شغل باثبات از اهمیت بیشتری برخوردار است. بنابراین درصد خانوارهای دارای شغل رسمی (بیمه‌پردازی) به تفکیک فقرا و غیرفقرا دارای اهمیت است.

در نمودار ۲۰ تفکیک استانی از فقرا و غیرفقرا بر حسب شاغل بودن سرپرست خانوار ارائه شده است. نکته جالب توجه این نمودار را می‌توان در استان‌هایی مانند سیستان و بلوچستان و تهران دید. به نحوی که در سیستان و بلوچستان، ۳۶ درصد از سرپرستان خانوارهای فقیر و ۶۱ درصد از غیرفقرا شاغل هستند. اما در تهران این موضوع حتی معکوس است یعنی ۶۸ درصد از فقرا شاغل و ۵۶ درصد از غیرفقرا شاغل هستند. در حقیقت برای فقرا، درآمد حاصل از شغل تنها منبع درآمدی است



### نمودار ۲۱. درصد خانوارهای دارای سرپرست خانوار با شغل رسمی (بیمه‌پرداز) به تفکیک فقرا و غیر فقرا



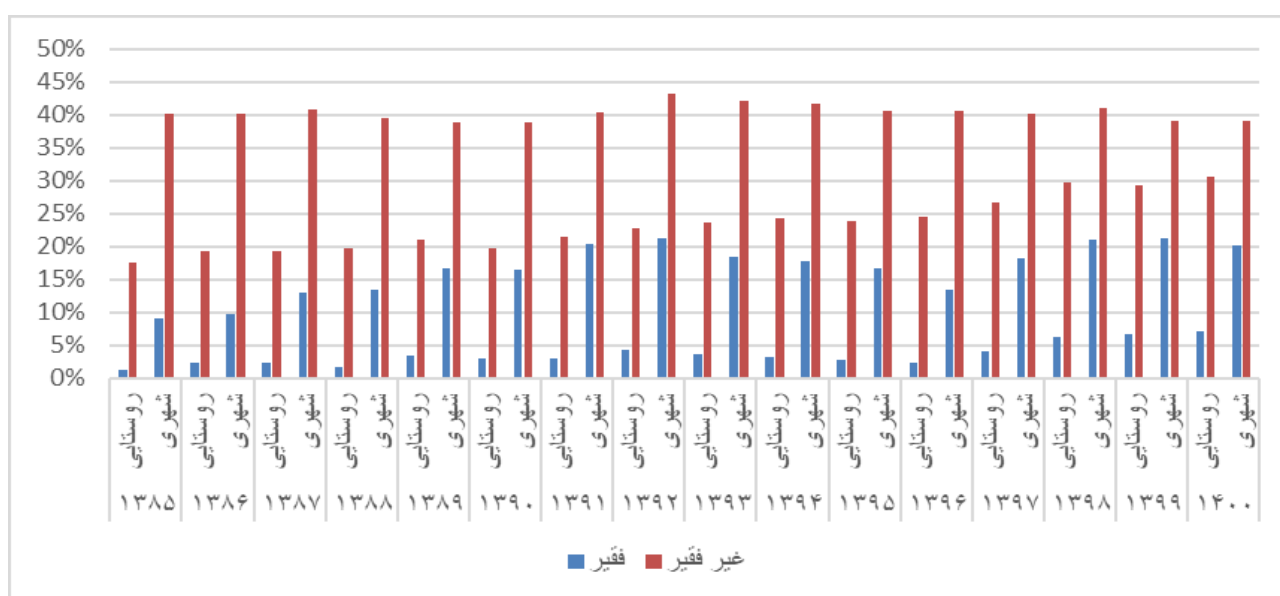
مأخذ: همان.

توضیحات: در این نمودار نسبت خانوارهایی که دارای سرپرست خانوار بیمه‌پرداز هستند و کل خانوارهای فقیر و غیر فقیر (و نه خانوارهای فقیر و غیر فقیر دارای سرپرست شاغل) محاسبه شده است.

همان‌طور که در نمودار ۲۱ مشخص است، هر چند درصد خانوارهای دارای سرپرست شاغل در بین فقرا و غیر فقرا در سال‌های اخیر تفاوت چندانی نداشت، اما بیمه بودن و یا رسمی بودن شغل تفاوت معناداری در بین فقرا و غیر فقرا دارد. برای مثال در حالی که در سال ۱۴۰۰ درصد شاغلان در فقرا و غیر فقرا یکسان بوده، اما درصد شاغل

بیمه‌پرداز از اختلاف معناداری دارد. در این سال ۳۷ درصد از خانوارهای غیر فقیر دارای سرپرست شاغل رسمی هستند در حالی که این عدد برای خانوارهای فقیر در حدود ۱۶/۵ درصد است، یعنی به نظر می‌رسد داشتن شغل رسمی تا حد قابل قبولی می‌تواند راهی برای خروج از فقر باشد. این تفاوت در نقاط روستایی به مراتب بیشتر است.

### نمودار ۲۲. درصد خانوارهای دارای سرپرست خانوار با شغل رسمی (بیمه‌پرداز) به تفکیک فقرا و غیر فقرا - شهری و روستایی



مأخذ: همان.

توضیحات: در این نمودار نسبت خانوارهایی که سرپرست خانوار بیمه‌پرداز دارند و کل خانوارهای فقیر و غیر فقیر (و نه خانوارهای فقیر و غیر فقیر دارای سرپرست شاغل) محاسبه شده است.

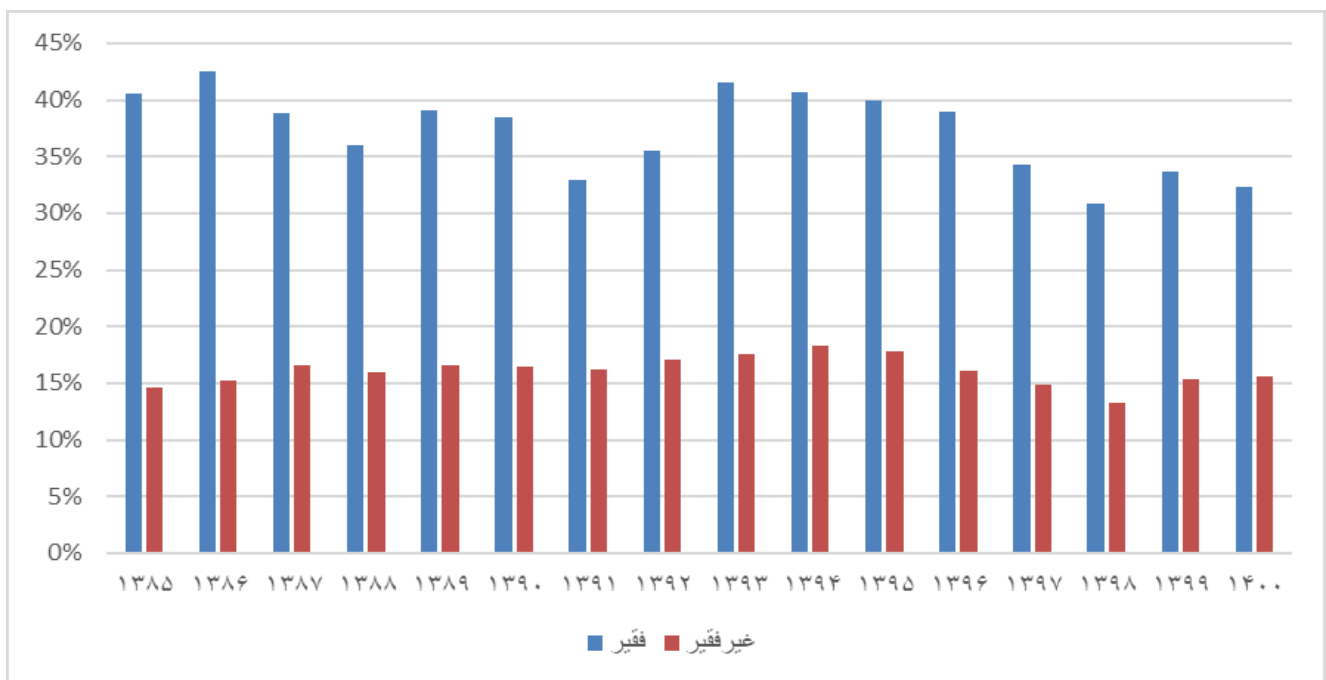
می‌دهد.

اما در کنار داشتن شغل و یا رسمی و غیررسمی بودن آن، نوع شغل هم اهمیت دارد. به‌طور معمول یکی از دلایلی که باعث می‌شود فقرا در تله فقر گرفتار شده و نتوانند از آن خارج شوند، اشتغال به مشاغل ساده و کم‌بهره‌ور است که امکان ارتقای شغلی چندانی نداشته و دستمزد آن نیز کفاف هزینه‌های زندگی را نمی‌دهد. در **نمودار ۱۸** درصد خانوارهای دارای سرپرست شاغل به تفکیک فقیر و غیرفقیر نشان داده شد. در **نمودار ۲۳** از بین این خانوارها (یعنی خانوارهایی که سرپرست شاغل دارند) درصد خانوارهایی مشخص شده که سرپرست آنها به مشاغل ساده اشتغال دارد.

در **نمودار ۲۲** مشخص است که درصد خانوارهای دارای سرپرست با شغل رسمی در بین فقرا در مناطق روستایی بسیار اندک و زیر ۵ درصد است. این در حالی است که در بین غیرفقرا روستایی در سال ۱۴۰۰، ۳۳ درصد از خانوارها دارای شغل رسمی هستند. در سال ۱۴۰۰ در خانوارهای شهری حدود ۲۰ درصد از فقرا و ۳۹ درصد از غیرفقرا دارای شغل بیمه‌پردازی هستند. همچنین در مناطق روستایی ۰/۰۷ درصد از فقرا و ۳۰ درصد از غیرفقرا، دارای شغل رسمی هستند.

بیمه‌پرداز بودن شغل باعث می‌شود تا حداقل حقوق مصوب قانون کار، پرداخت شود. در چنین شرایطی دریافت حداقل حقوق مصوب در مناطق روستایی تا حد بسیار زیادی هزینه‌های معیشت را پوشش

نمودار ۲۳. درصد خانوارهای دارای سرپرست شاغل با مشاغل ساده به تفکیک فقیر و غیرفقیر



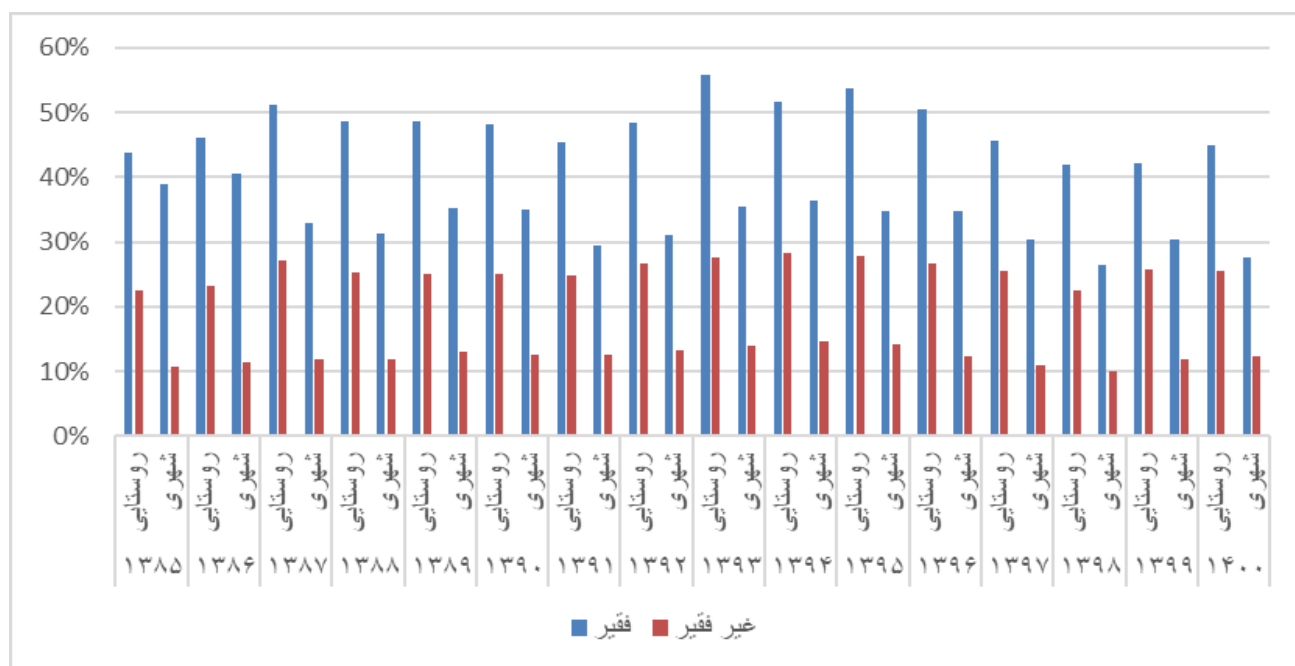
مأخذ: همان.

۱۳۹۸ درصد مشاغل ساده از کل مشاغل در بین فقرا کاهش یافته است؛ یعنی با بدتر شدن شرایط اقتصادی و افزایش نرخ فقر، صاحبان دارای مشاغل غیرساده هم به زیر خط فقر رفته‌اند. به‌طور کلی در سال ۱۳۸۵ حدود ۴۰ درصد از شاغلان فقیر دارای شغل ساده بوده‌اند و در سال ۱۴۰۰ در حدود ۳۲ درصد از شاغلان فقیر مشاغل ساده داشته و سهم دیگر شاغلان در بین فقرا افزایش یافته است؛ یعنی حتی مشاغل بهره‌ور و غیرساده که نیازمند سرمایه انسانی و دانش هستند نیز به جمع فقرا پیوستند.

در **نمودار ۲۳** دو نکته جالب توجه وجود دارد: اول اینکه همان‌طور که انتظار داشتیم درصد شاغلان با مشاغل ساده در بین فقرا به‌مراتب بیشتر از غیرفقراست. به‌طوری‌که در سال ۱۴۰۰ حدود ۳۲ درصد از شاغلان در بین فقرا دارای مشاغل ساده هستند و ۱۵ درصد از شاغلان غیرفقیر، مشاغل ساده دارند. از این رو به‌نظر می‌رسد توانمندسازی فقرا و آموزش در راستای کسب مهارت‌های شغلی می‌تواند یک سیاست مؤثر در راستای کاهش فقر در این گروه جمعیتی باشد. اما نکته **دوم** اینکه همان‌طور که مشاهده می‌شود از سال ۱۳۹۶ تا



نمودار ۲۴. درصد خانوارهای دارای سرپرست شاغل با مشاغل ساده به تفکیک فقیر و غیرفقیر - شهری و روستایی



مأخذ: همان.

از مشاغل ساده وجود دارد. از این رو توانمندسازی فقرا و آموزش آنها برای یافتن مشاغل دارای بهره‌وری بالاتر می‌تواند یک سیاست حمایتی برای کاهش فقر باشد. با این حال با گسترش فقر از سال ۱۳۹۷، درصد مشاغل ساده در بین فقرا نسبت به قبل کاهش یافته و بخشی از صاحبان مشاغل غیرساده نیز به زیر خط فقر رفته‌اند.

بنابراین به طور خلاصه در حالی که شاغل بودن یا نبودن به تنهایی نمی‌تواند علت فقر را توضیح دهد، اما دارا نبودن در آمد ثابت ناشی از شغل و بیمه نبودن در کنار عدم مهارت کافی و اشتغال به مشاغل ساده، احتمالاً در بین عوامل مؤثر بر فقر قرار دارند.

## ۲-۲. وضعیت تحصیلی سرپرست خانوار

تحصیل یکی از مواردی است که انتظار داریم به کاهش احتمال فقیر شدن، منجر شود. اولین درجه از تحصیل، باسوادی یا بی‌سوادی است. صرف داشتن سواد می‌تواند فرصت‌های شغلی بیشتری را فراهم کند. در کنار آن افزایش سال‌های تحصیل و تحصیلات بالاتر، یافتن مشاغل بهتر و با بهره‌وری بالاتر را امکان‌پذیر می‌کند. در این قسمت در بررسی وضعیت تحصیلی، ابتدا نرخ باسوادی را به تفکیک فقیر و غیرفقیر بررسی کرده و سپس تعداد سال‌های تحصیل را خواهیم دید.

به‌طور کلی اشتغال به مشاغل ساده، در روستا چه در بین فقرا و چه در بین غیرفقرا بیشتر از نقاط شهری است (نمودار ۲۴) اما با این حال مجدداً تفاوت بین درصد اشتغال به مشاغل ساده در بین فقرا و غیرفقرا در نقاط روستایی و شهری به‌طور مجزا نیز معنادار است. در مجموع بررسی وضعیت شغلی سرپرست خانوار سه نتیجه کلی را دربردارد:

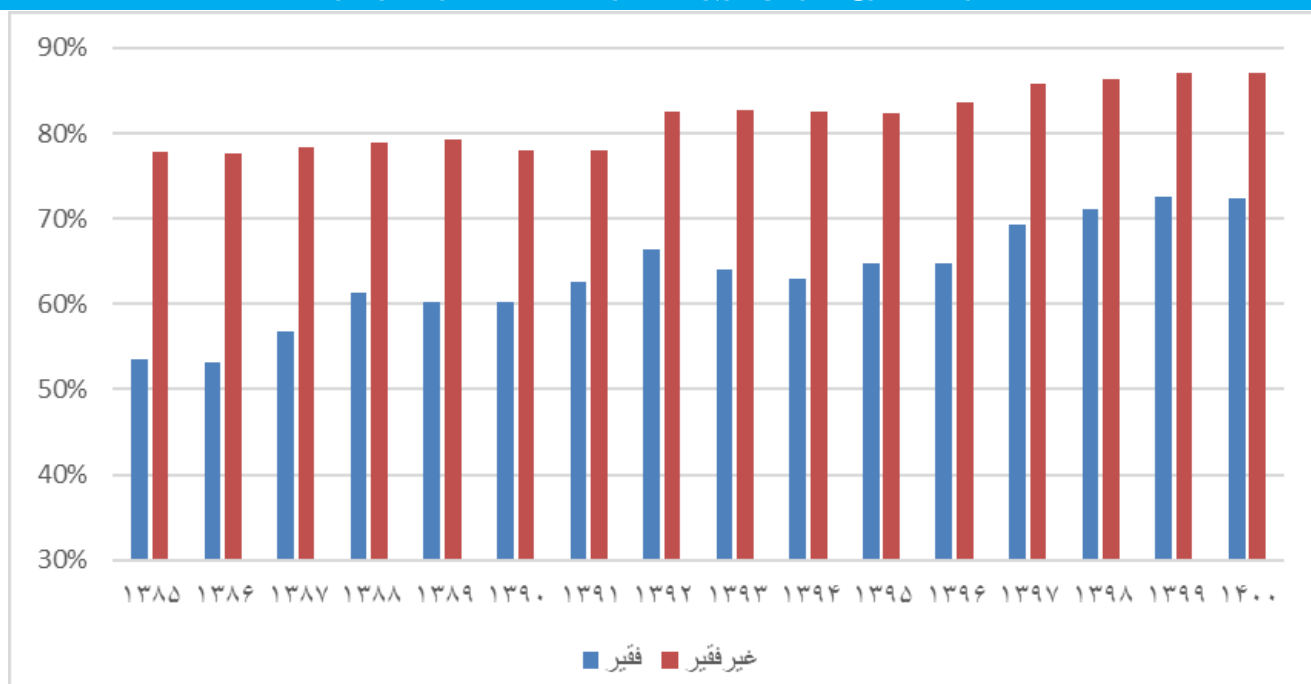
۱. یافتن شغل به تنهایی عاملی برای خروج از فقر نیست: در حالی که اواخر دهه ۱۳۸۰ و اواسط دهه ۱۳۹۰ اختلاف معناداری بین درصد شاغل بودن در فقرا و غیرفقرا وجود داشت، در سال ۱۴۰۰ این اختلاف در مناطق شهری از بین رفته و در مناطق روستایی حداقل شده است.

۲. بر خورداری از شغل رسمی، احتمالاً می‌تواند عامل مؤثری برای خروج از فقر باشد: در حالی که اختلافی به لحاظ شاغل بودن در فقرا و غیرفقرا وجود ندارد؛ اما تفاوت معناداری بین این دو گروه در داشتن شغل رسمی (بیمه‌پرداز) وجود دارد. به‌خصوص این تفاوت در مناطق روستایی بسیار مشهود است. از این رو یک سیاست حمایتی، می‌توان تسهیل فرایند رسمی‌سازی کارگران باشد.

۳. اشتغال به مشاغل غیرساده احتمالاً می‌تواند عاملی برای خروج از فقر باشد: تفاوت معناداری بین فقرا و غیرفقرا در برخورداری



### نمودار ۲۵. نرخ باسوادی سرپرست خانوار به تفکیک فقیر و غیر فقیر

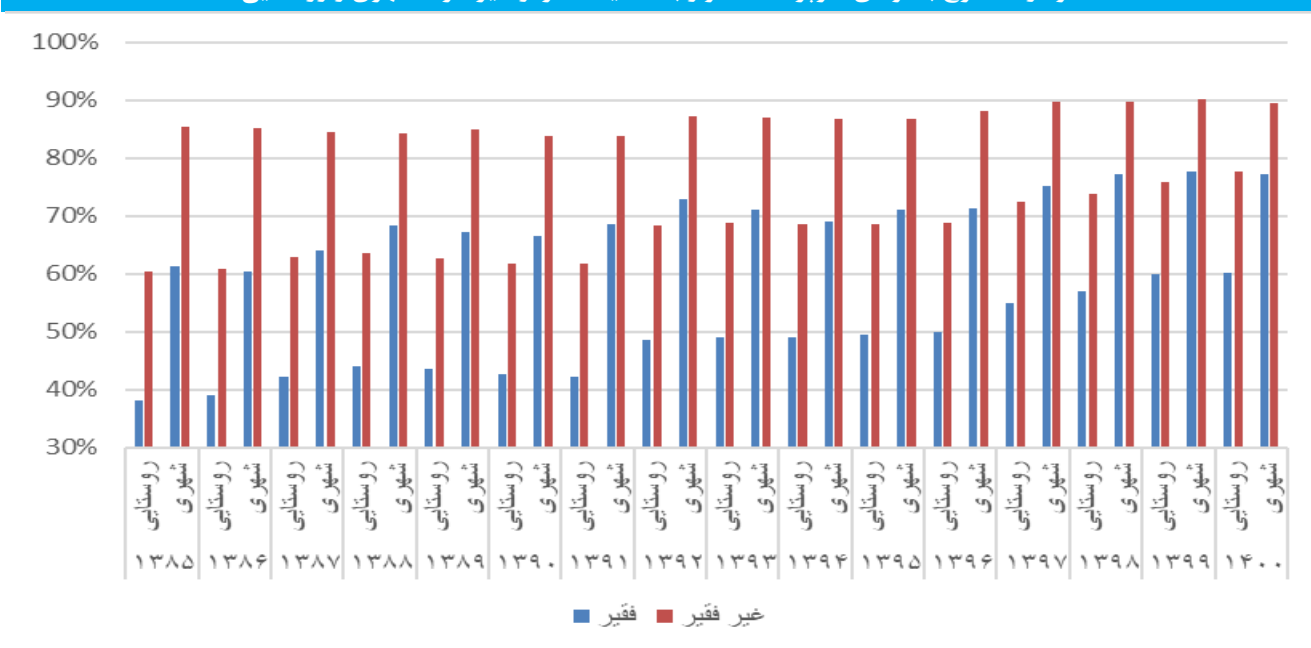


مأخذ: همان.

است؛ یعنی ۲۰ واحد درصد اختلاف بین نرخ باسوادی وجود داشته است. در سال ۱۴۰۰ این اختلاف کاهش یافته و ۷۲ درصد از فقرا و ۸۷ درصد از غیر فقرا باسواد هستند؛ یعنی همچنان در سال ۱۴۰۰ اختلاف ۱۵ واحد درصدی به لحاظ باسوادی بین فقرا و غیر فقرا وجود دارد. این تفاوت در نقاط روستایی بیش از نقاط شهری است.

همان‌طور که در نمودار ۲۵ مشخص است، هنوز هم داشتن سواد در بین فقرا و غیر فقرا اختلاف معناداری دارد. هرچند با افزایش نرخ باسوادی در کشور، نرخ باسوادی در کل افزایش یافته و اختلاف بین درصد باسوادی در بین فقرا و غیر فقرا کاهش یافته است. در سال ۱۳۸۵ نرخ باسوادی در بین فقرا ۵۳ درصد و در بین غیر فقرا ۷۸ درصد بوده

### نمودار ۲۶. نرخ باسوادی سرپرست خانوار به تفکیک فقرا و غیر فقرا - شهری و روستایی



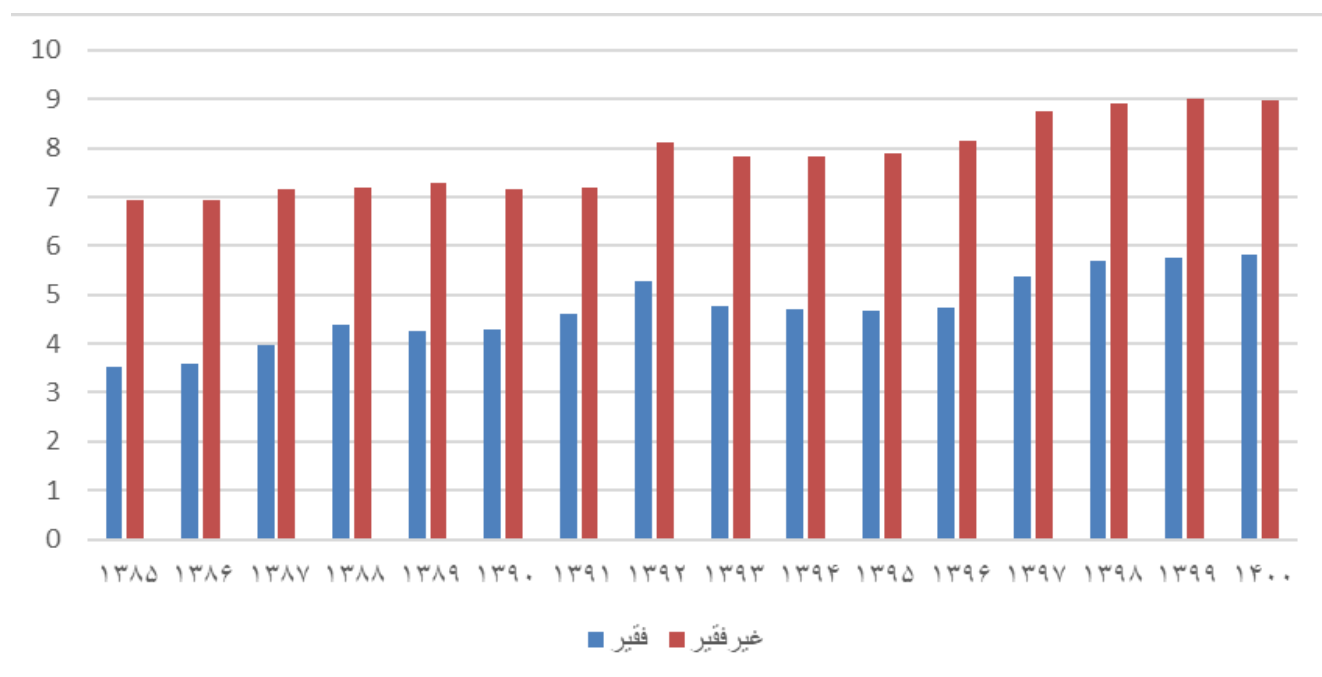
مأخذ: همان.



میزان فقر مؤثر است. این تأثیر می‌تواند از مسیر یافتن مشاغل بهتر و با بهره‌وری بالاتر و احتمالاً مشاغل رسمی باشد که نیاز به بررسی‌های بیشتر دارد. با این حال یک توصیه سیاستی، الزام و اهتمام سیاستگذار به پیشبرد برنامه‌های سوادآموزی به‌خصوص در مناطق روستایی است. در کنار باسوادی، تعداد سال‌های تحصیل نیز اهمیت دارد. افراد با تحصیلات بالاتر شانس پیدا کردن مشاغلی با درآمد بالاتر و نیازمند سرمایه انسانی بالاتر را دارند.

همان‌طور که در نمودار ۲۶ مشخص است تفاوت بین نرخ باسوادی در هر دو مناطق شهری و روستایی بین فقرا و غیرفقرا دیده می‌شود. این تفاوت در بین روستاییان بیشتر از خانوارهای شهری است. در سال ۱۴۰۰ نرخ باسوادی در بین فقرا ۶۰ درصد و در بین خانوارهای غیرفقیر روستایی ۷۷ درصد است؛ یعنی ۱۷ واحد درصد اختلاف در نرخ باسوادی فقرا و غیرفقرا در سال ۱۴۰۰ مشاهده می‌شود. از این رو عدم برخورداری از سواد و یا به عبارتی بی‌سوادی، احتمالاً بر

نمودار ۲۷. تعداد سال‌های تحصیل سرپرست خانوار به تفکیک فقیر و غیرفقیر

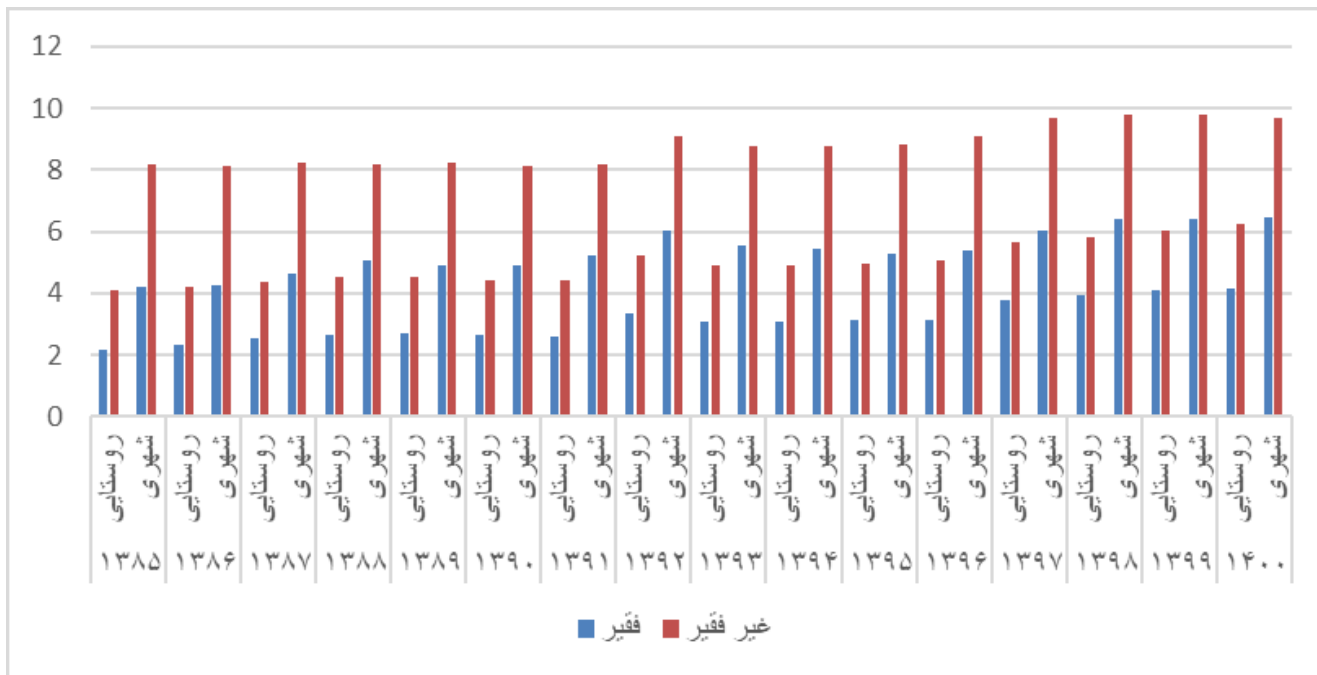


مأخذ: همان.

سال‌های تحصیل سرپرست خانوار بین فقرا و غیرفقرا وجود دارد. به نحوی که به‌طور متوسط تعداد سال‌های تحصیل سرپرست خانوار فقیر حدود سه سال کمتر از سرپرست خانوار غیرفقیر است.

در نمودار ۲۷ دو نکته قابل مشاهده است: اول اینکه با گذشت زمان تعداد سال‌های تحصیل سرپرست خانوارهای ایرانی چه فقیر و چه غیرفقیر افزایش یافته است. دوم اینکه تفاوت معناداری بین تعداد

نمودار ۲۸. تعداد سال‌های تحصیل سرپرست خانوار به تفکیک فقیر و غیر فقیر - شهری و روستایی



مأخذ: همان.

برای خروج از فقر به خصوص در مناطق روستایی باشد. هم تحصیلات اولیه و باسوادی و هم تحصیلات بالاتر هر دو می‌تواند به خانوار برای خروج از فقر کمک کند.

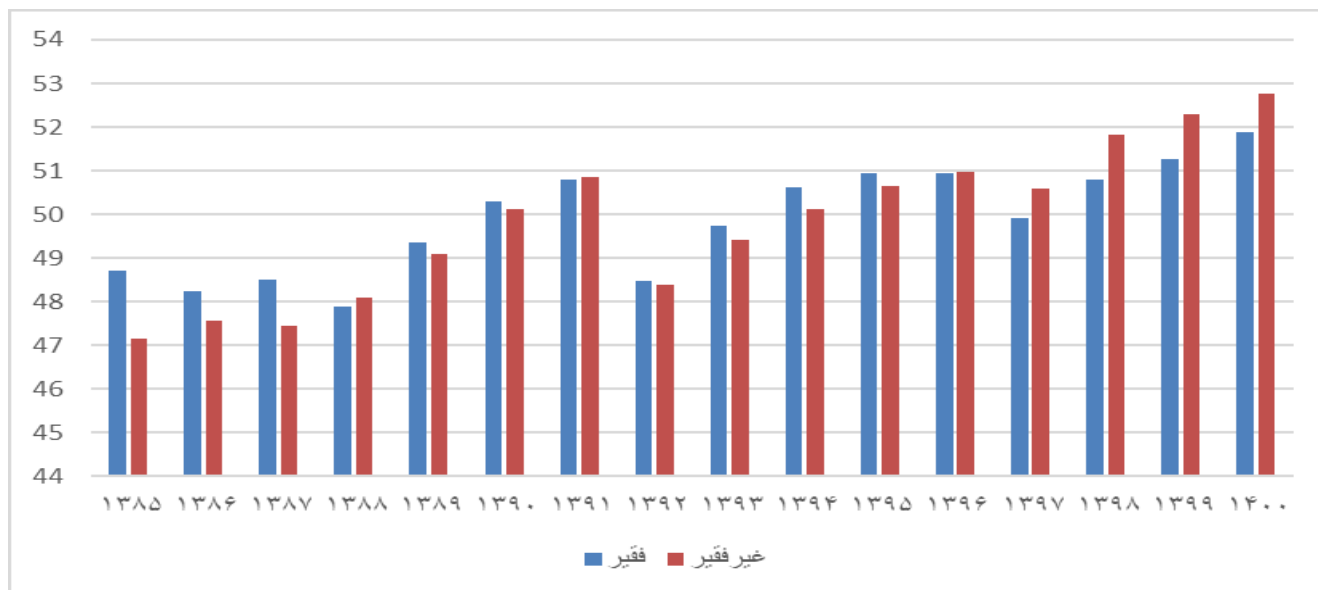
### ۲-۳. وضعیت سنی سرپرست خانوار

سن سرپرست خانوار، یکی دیگر از عواملی است که می‌تواند توضیح‌دهنده فقر باشد. به‌طور معمول افراد در سال‌های ابتدای جوانی از پس‌انداز ناکافی برخوردار بوده و با احتمال بیشتری می‌توانند فقیر باشند. همچنین سال‌های سالمندی نیز خطر ابتلا به فقر را افزایش می‌دهد. البته باید توجه داشت که طرح‌های مستمری دوران سالمندی از قبیل بیمه تأمین اجتماعی و نظایر آن که در کشورهای مختلف با تنوع گوناگون مشاهده می‌شوند، به‌منظور جلوگیری از فقر دوران سالمندی است.

در نمودار ۲۸ مشاهده می‌شود که تفاوتی بین الگوی شهری و روستایی در تعداد سال‌های تحصیل سرپرست خانوار مشاهده نمی‌شود. به‌نحوی که هم در شهر و هم در روستا، تعداد سال‌های تحصیل سرپرست خانوار غیر فقیر بالاتر از خانوار فقیر است؛ یعنی هر چند خانوارهای شهری (فقیر و غیر فقیر) به‌طور میانگین تعداد سال‌های تحصیل بالاتری از خانوارهای روستایی دارند، اما اختلاف بین فقیر و غیر فقیر در روستا نیز حفظ شده است.

در سال ۱۴۰۰ تعداد سال‌های تحصیل در سرپرست خانوارهای فقیر و غیر فقیر در مناطق شهری به ترتیب ۹٫۷ و ۶٫۵ سال بوده است. همچنین در مناطق روستایی این اعداد به ترتیب ۴٫۱۶ و ۶٫۲۲ سال بوده است؛ یعنی تعداد سال‌های تحصیل فقرای مناطق شهری به‌طور میانگین برابر این متغیر در بین غیر فقرای مناطق روستایی است. بنابراین در مجموع به‌نظر می‌رسد تحصیلات می‌تواند راهگشای مناسبی

### نمودار ۲۹. سن سرپرست خانوار به تفکیک فقیر و غیر فقیر

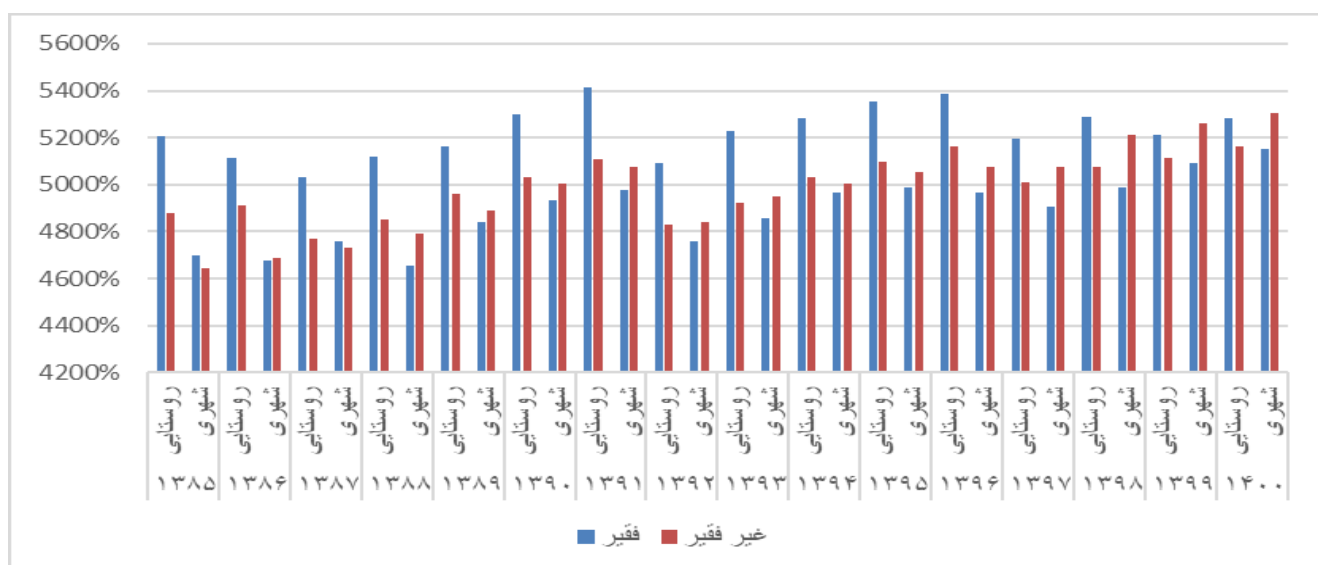


مأخذ: همان.

بیشتر شدن سن سرپرست خانوار غیر فقیر نسبت به فقیر از سال ۱۳۹۷ آغاز شده است؛ یعنی یک هم‌زمانی بین افزایش قابل توجه فقر در کشور در این سال و بدتر شدن وضعیت جوانان نسبت به سالمندان مشاهده می‌شود. علت این امر می‌تواند این باشد که بخشی از سالمندان از مستمری دوران سالمندی برخوردار بوده و درآمد ثابتی دارند که در مقابل شوک‌ها ثابت مانده است. همچنان خانوارهایی با سن سرپرست بالاتر، با احتمال بیشتری صاحب دارایی، خانه و ملک هستند و نسبت به جوانان کمتر تحت تأثیر شوک‌ها قرار می‌گیرند.

به‌طور کلی اختلاف قابل توجهی بین سن سرپرست خانوار فقیر و غیر فقیر مشاهده نمی‌شود. با این حال **نمودار ۲۹** حاوی یک نکته جالب توجه است و اینکه در سال‌های ابتدایی مورد بررسی، سن سرپرست خانوار فقیر به‌طور میانگین ۱٫۶ سال بیشتر از خانوار غیر فقیر است. اما در سال ۱۴۰۰ سن سرپرست خانوار غیر فقیر به‌طور متوسط یک سال بیشتر از خانوار فقیر است؛ یعنی به‌نظر می‌رسد در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۴۰۰ جوانان امید بیشتری داشتند که بتوانند با کار کردن و کسب درآمد، از فقر نجات پیدا کنند. همان‌طور که مشاهده می‌شود

### نمودار ۳۰. سن سرپرست خانوار به تفکیک فقیر و غیر فقیر - شهری و روستایی



مأخذ: همان.

همان‌طور که اشاره شد این موضوع می‌تواند ناشی از بر خوردار بودن از درآمد ثابت برای خانوارهایی با سن بالاتر باشد. با گسترش فقر، جوانان نسبت به قبل شانس کمتری برای جلوگیری از فقر دارند.

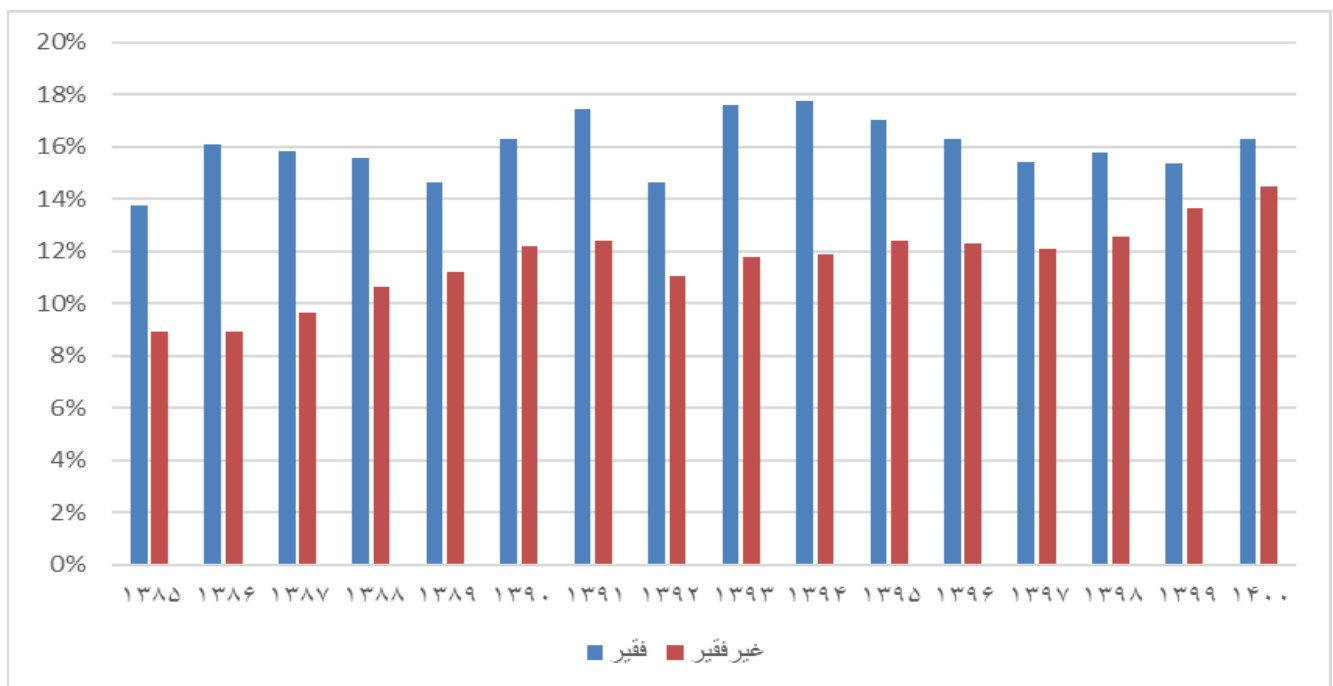
#### ۲-۴. وضعیت جنسیتی سرپرست خانوار

در طرح‌ریزی سیاست‌های حمایتی خانوارهای زن سرپرست، همواره از دغدغه‌های اصلی سیاستگذاران است. به دلیل مواردی چون آسیب‌های اجتماعی برای زنان، مراقبت از فرزندان و محدود شدن زمان کار، فرصت‌های شغلی کمتر، مشاغلی با درآمدهای پایین‌تر و همچنین فرصت‌های اجتماعی نابرابر برای زنان، همیشه این تلقی وجود دارد که خانوارهای زن سرپرست نیازمند حمایت‌های ویژه‌ای هستند. در کشورهای مختلف نیز حمایت‌های متعددی برای خانوارهای زن سرپرست پیش‌بینی شده است.

در نمودار ۳۰ یک الگوی متفاوت بین تفاوت سن سرپرست خانوار فقیر و غیرفقیر در روستا و شهر مشاهده می‌شود. در مناطق روستایی، همواره سن سرپرست خانوار فقیر بیشتر بوده و این اختلاف حتی به چهار سال هم رسیده است. این موضوع می‌تواند ناشی از پوشش ناکافی بیمه بازنشستگی در مناطق روستایی باشد. در مناطق روستایی به علت گسترش بیشتر مشاغل خویش‌فرمایی و سایر موارد، پوشش بیمه پایین بوده و از این رو افزایش سن و از کار افتادگی می‌تواند یکی از دلایل توضیح‌دهنده فقر باشد. به خصوص آنکه مشاغل روستایی نیازمند توانایی جسمانی بیشتری نسبت به مشاغل در نقاط شهری نیز هستند. از این رو یک توصیه سیاستی برای حمایت از فقرا، پوشش هر چه بیشتر بیمه روستاییان است.

این در حالی است که در نقاط شهری با افزایش فقر از سال ۱۳۹۷ به بعد سن سرپرست خانوار غیرفقیر نسبت به خانوار فقیر پیشی گرفته است.

نمودار ۳۱. درصد خانوار زن سرپرست به تفکیک فقیر و غیرفقیر



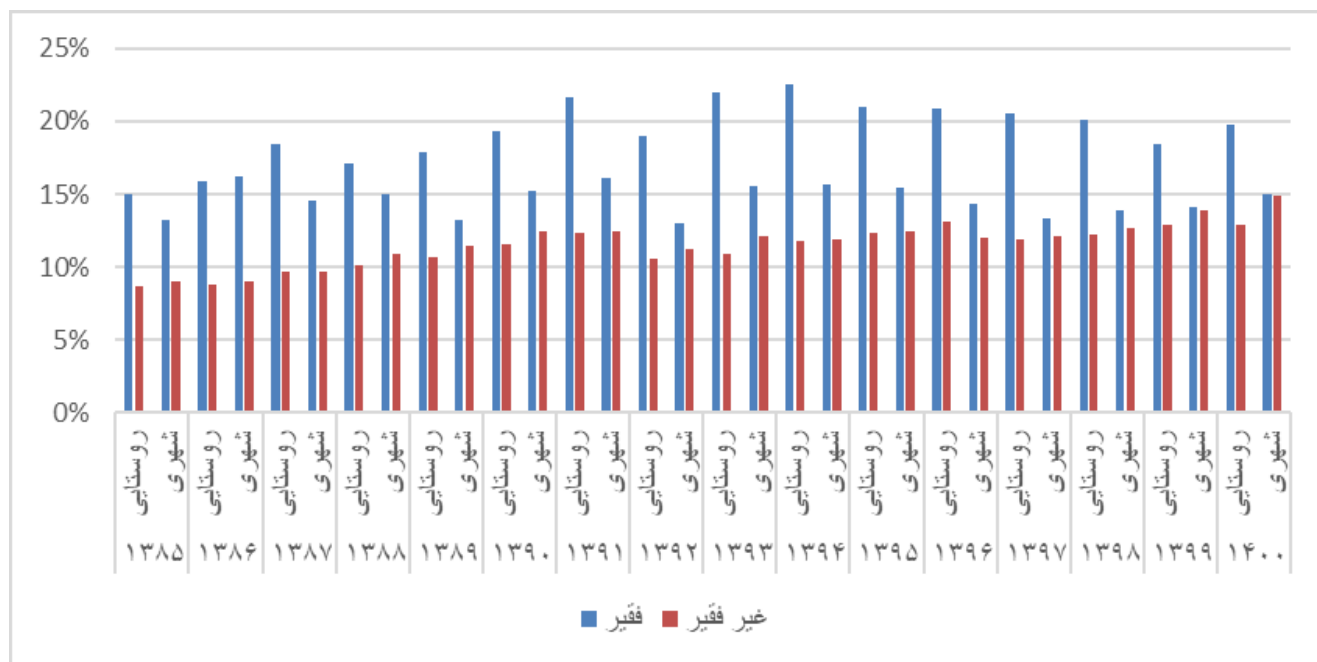
مأخذ: همان.

فقرا زن سرپرست و ۹ درصد از غیرفقرا زن سرپرست بودند و اختلاف حدوداً ۴ واحد درصدی بین آنها وجود داشت، در سال ۱۴۰۰ تقریباً ۱۶ درصد از فقرا و ۱۴ درصد از غیرفقرا زن سرپرست بوده و اختلاف بین آنها به ۲ واحد درصد رسیده است. هر چند افزایش درصد زن سرپرست در کل جامعه نیز در این موضوع دخیل است اما در مجموع از اختلاف بین این دو گروه کاسته شده است.

در نمودار ۳۱ اختلاف معنادار بین درصد زن سرپرستی فقرا و غیرفقرا مشاهده می‌شود اما این اختلاف به مرور زمان کمتر شده است. گسترش فقر باعث شده تا فقرا صرفاً با ویژگی‌های خاص نباشند، بلکه افراد با ویژگی‌های مختلف به علت وضعیت نامناسب اقتصاد کلان، به زیر خط فقر سقوط کنند. در حالی که در سال ۱۳۸۵ در حدود ۱۳/۷ درصد از



نمودار ۳۲. درصد خانوار زن سرپرست به تفکیک فقیر و غیرفقیر - شهری و روستایی



مأخذ: همان.

فقرا و غیرفقرا دارد. اختلاف بین زن سرپرستی در فقرا و غیرفقرا در نواحی روستایی در برخی سال‌ها حتی به ۱۱ واحد درصد (فاصله سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵) نیز رسیده است. در سال ۱۴۰۰ نیز اختلاف ۷ واحد درصدی بین زن سرپرستی در فقرا و غیرفقرا وجود دارد. بنابراین یک توصیه سیاستی برای کاهش فقر، می‌تواند توانمندسازی و اشتغال‌زایی زنان روستایی برای خروج از فقر باشد.

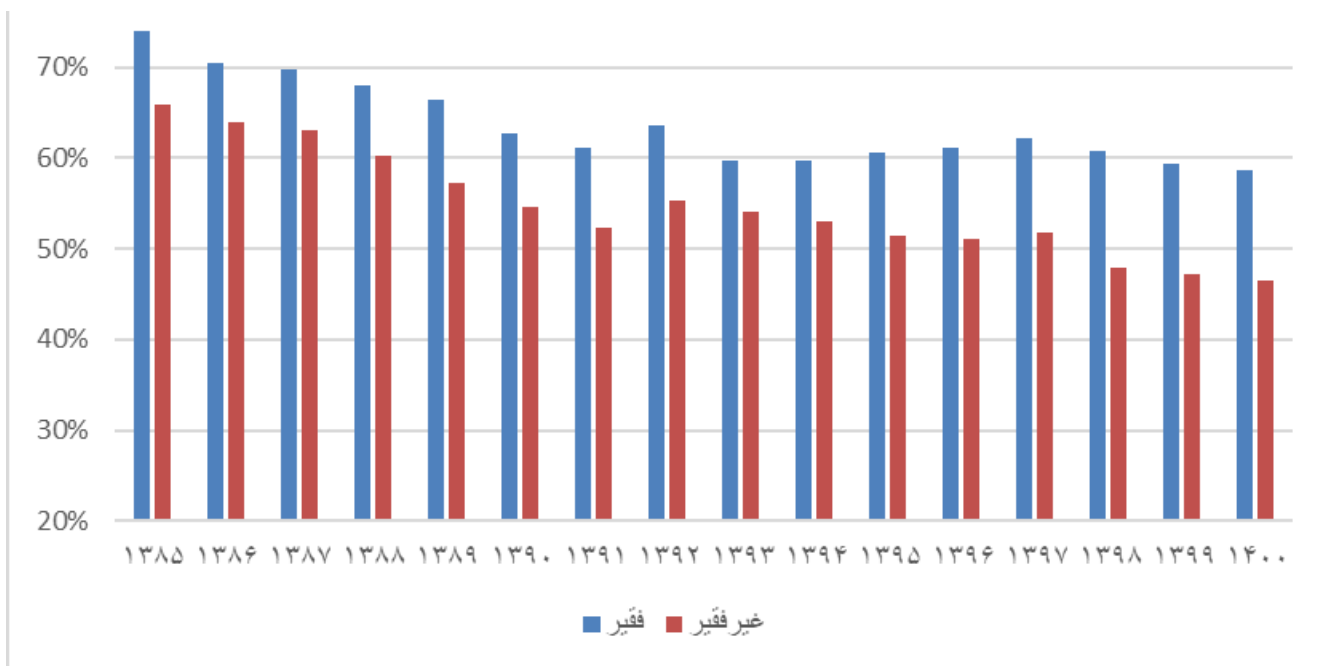
## ۲-۵. وضعیت ساختار خانوار

ساختار خانواده نیز می‌تواند یکی از عوامل توضیح‌دهنده فقر باشد. با دنیا آمدن یک فرزند جدید و افزایش هزینه‌های خانوار، ممکن است خانوار در تأمین هزینه‌های زندگی با مشکل مواجه شود. به همین دلیل است که دولت‌ها برخی خدمات مربوط به کودکان را به صورت رایگان ارائه می‌دهند تا از بار هزینه فرزندآوری بکاهند.

نمودار ۳۲ حاوی نکات جالب توجهی است: اول اینکه در سال ۱۴۰۰ در نقاط شهری دیگر اختلافی بین زن سرپرست بودن خانوار فقیر یا غیرفقیر مشاهده نمی‌شود. در حالی که در سال‌های ابتدایی بررسی، زن سرپرستی در بین فقرا نسبت به غیرفقرا فراوانی بیشتری داشته است، اما به مرور در مناطق شهری از بین رفته است. این موضوع می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی از جمله توانمند شدن زنان و در مقابل افزایش فقر باشد. اولی به معنای آن است که احتمالاً زنان به مرور زمان در مناطق شهری دارای استقلال مالی بیشتری شده و زن سرپرست بودن که دیگر علتی برای فقیر شدن آنها نبوده است. دومی به آن معناست که گسترش فقر، تفاوت بین فقرا و غیرفقرا را از بین برده است. هر دوی این عوامل می‌توانند مورد بررسی‌های بیشتر قرار گیرند. اما در مناطق روستایی، زن سرپرستی همچنان تفاوت معناداری بین

مأخذ: همان.

نمودار ۳۳. درصد خانوار دارای کودک به تفکیک فقیر و غیر فقیر



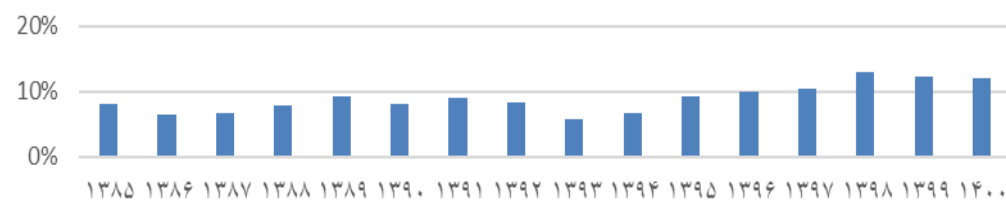
مأخذ: همان.

کمتر شده بود، در اینجا به‌مرور زمان، داشتن فرزند فراوانی بیشتری در بین فقرا نسبت به غیر فقرا پیدا کرده است؛ یعنی اختلاف بین درصد خانوارهای دارای کودک در بین فقرا و غیر فقرا بیشتر شده است. در حالی که در سال ۱۳۸۵ این اختلاف ۸ واحد درصد بوده از سال ۱۳۹۸ به بعد به بالای ۱۲ واحد درصد رسیده است.<sup>۱</sup> رکود اقتصادی و تورم‌های بالا و در کنار کاهش خدمات رایگان دولتی (مدارس و آموزش‌های رایگان) باعث شده خانوارهای دارای کودک در تأمین معاش خود با مشکل مواجه باشند.

**نمودار ۳۳** دارای نکات جالب توجهی است: **اول** اینکه به‌طور کلی درصد خانوارهای دارای کودک در کل کشور روند کاهشی داشته است که این موضوع با آمارهای رسمی در خصوص نرخ فرزندآوری و نرخ رشد جمعیت نیز سازگار است. **نکته دوم** اینکه به‌طور معناداری در همه سال‌های مورد بررسی درصد خانوارهای دارای کودک در فقرا بیشتر از غیر فقراست. **سوم** اینکه برخلاف سایر ویژگی‌های فقرا که در قسمت قبل بررسی شد که به‌مرور زمان به‌علت گسترش فقر اختلاف بین فقرا و غیر فقرا

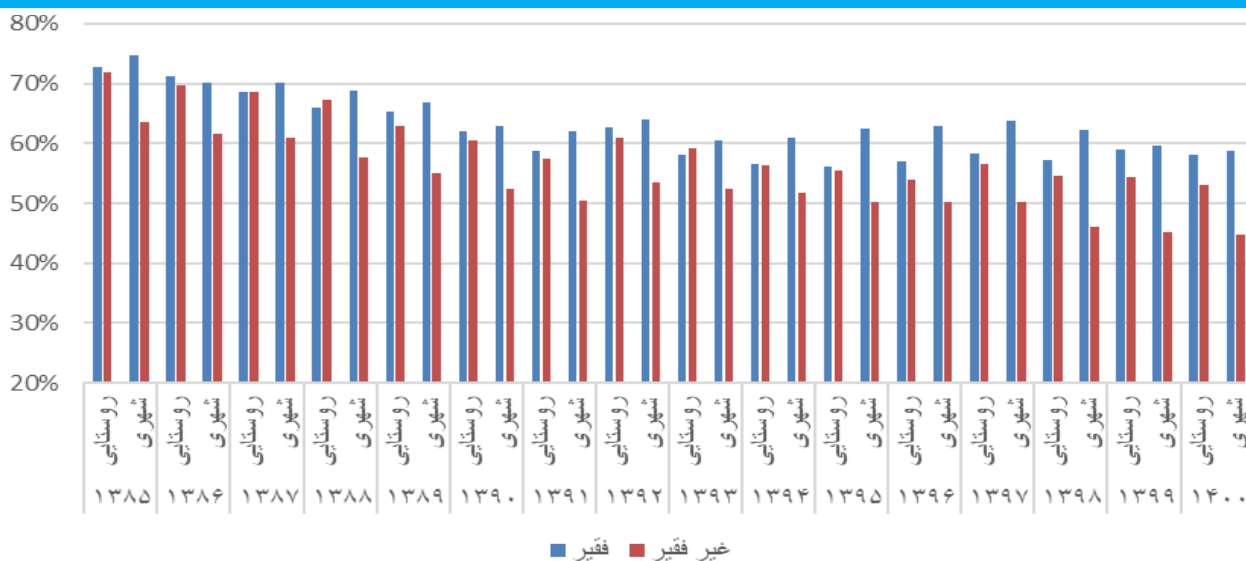
۱. برای درک بهتر اختلاف بین درصد خانوارهای فقیر و غیر فقیر دارای کودک نمودار زیر را در نظر بگیرید.

اختلاف بین درصد خانوارهای فقیر با خانوارهای غیر فقیر دارای فرزند





### نمودار ۳۴. درصد خانوار دارای کودک به تفکیک فقیر و غیر فقیر - شهری و روستایی



مأخذ:

این اختلاف در سال ۱۴۰۰ حدود ۱۴ واحد درصد است. هزینه بالای زندگی و همچنین هزینه بالای فرزندآوری در نقاط شهری مانند هزینه سرویس مدرسه و نظایر آن باعث شده تا خانوارهای شهری دارای کودک در تأمین هزینه‌های حداقل معیشت با چالش مواجه شود.

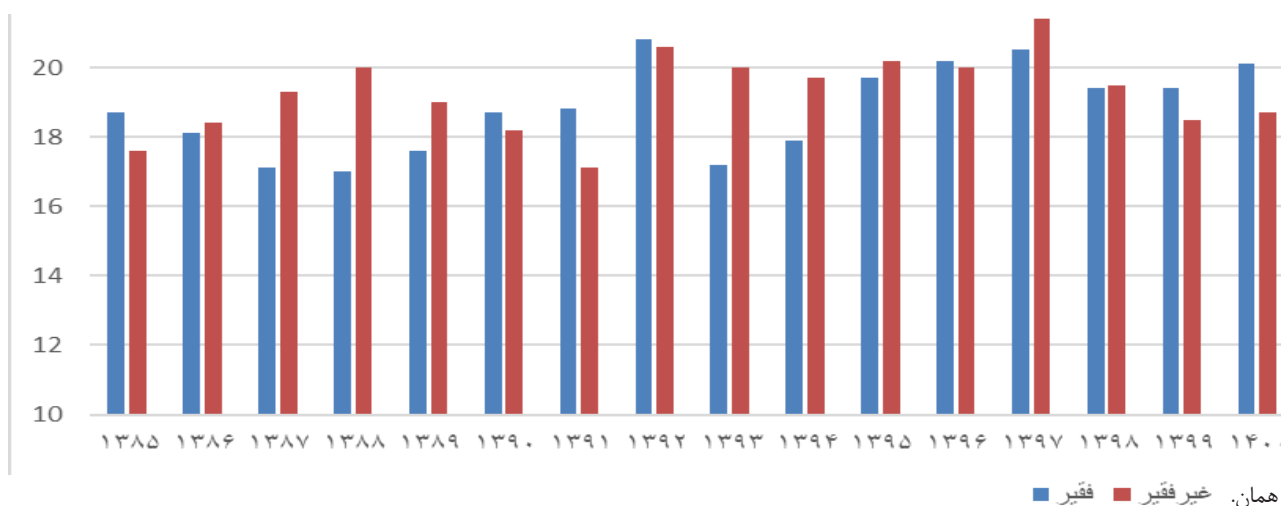
#### ۲-۶. وضعیت مسکن خانوار

بر خورداری یا عدم برخورداری از مسکن در یک اقتصاد تورمی و در حال رکود می‌تواند یکی از دلایل توضیح‌دهنده فقر باشد. از آنجایی که مسکن یک کالای ضروری است، خانوار ملزم به تأمین هزینه آن است. از این رو در شرایط تورمی ممکن است مستأجران به علت پرداخت هزینه‌های اجاره، از سایر هزینه‌های خود بکاهد.

تفاوت درصد خانوارهای فقیر و غیر فقیر دارای کودک در نقاط شهری و روستایی که در نمودار ۳۴ نشان داده شده نیز قابل تأمل است. در سال‌های ابتدایی مورد بررسی تقریباً هیچ تفاوتی بین درصد خانوارهای فقیر و غیر فقیر در مناطق روستایی به لحاظ داشتن کودک وجود ندارد، اما برای مثال در سال ۱۳۸۵ اختلاف ۹ واحد درصدی در نقاط شهری وجود دارد. با گذشت زمان و رسیدن به سال‌های انتهایی این اختلاف حتی در نقاط روستایی هم مشاهده می‌شود. در سال ۱۴۰۰، ۵۸ درصد از خانوارهای فقیر و ۵۳ درصد از خانوارهای غیر فقیر کودک دارند که اختلاف ۵ واحد درصدی بین این دو وجود دارد.

اما در نقاط شهری، تفاوت بسیار قابل ملاحظه است به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۸ در مناطق شهری، درصد خانوارهای فقیر دارای کودک در حدود ۱۶ واحد درصد بیش از خانوارهای غیر فقیر دارای کودک است.

### نمودار ۳۵. درصد خانوار مستأجر به تفکیک فقیر و غیر فقیر



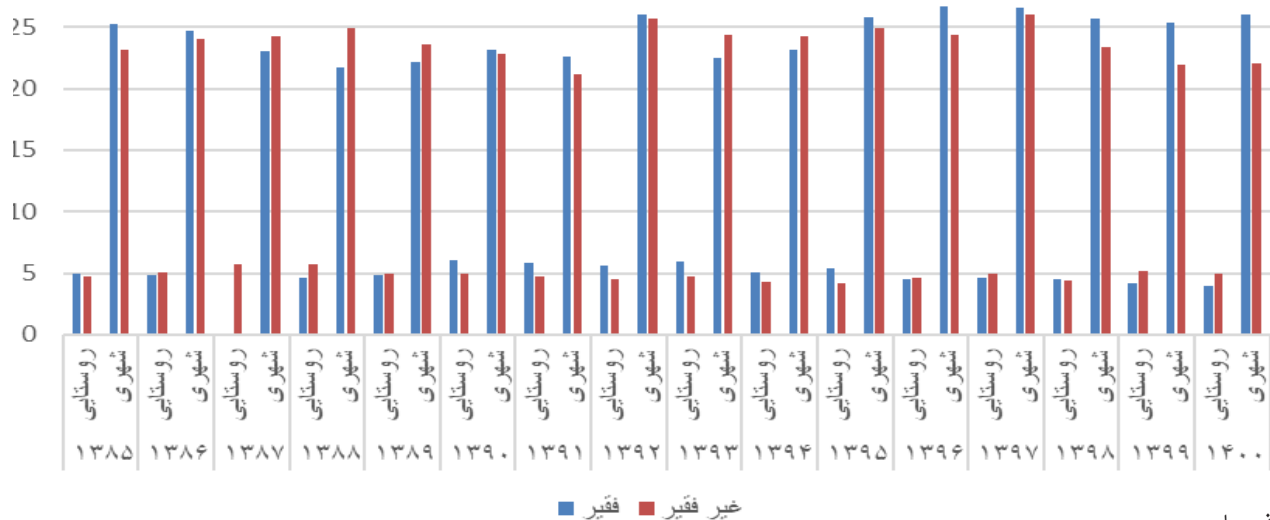
مأخذ: همان. غیر فقیر فقیر



نسبت به یک خانوار مالک با وضعیت درآمدی یکسان داشته باشد. بنابراین برای درک بهتر از وضعیت رفاهی مستأجران و مالکان، بررسی میزان فقر آنها کفایت نکرده و حتی ممکن است به خطا منجر شود. از این رو باید سایر متغیرها را بررسی کنیم. پیش از آن نگاهی به تفاوت بین درصد مستأجران به تفکیک فقیر و غیرفقیر در مناطق روستایی و شهری داریم.

همان‌طور که در نمودار ۳۵ مشخص است، اختلاف زیادی بین درصد استیجار در بین فقرا و غیرفقرا مشاهده نمی‌شود. این موضوع می‌تواند یا ناشی از عدم تفاوت بین این دو گروه بوده و یا ناشی از نحوه شناسایی فقرا باشد. در حقیقت فقرا افرادی هستند که مجموع هزینه‌های آنها زیر خط فقر است. خانوار مستأجر مجبور به پرداخت هزینه استیجار است و بنابراین ممکن است مجموع هزینه‌هایش بالاتر از خط فقر باشد. اما به علت پرداخت هزینه اجاره‌رانه کمتری

نمودار ۳۶. درصد خانوار مستأجر به تفکیک فقیر و غیرفقیر - شهری و روستایی

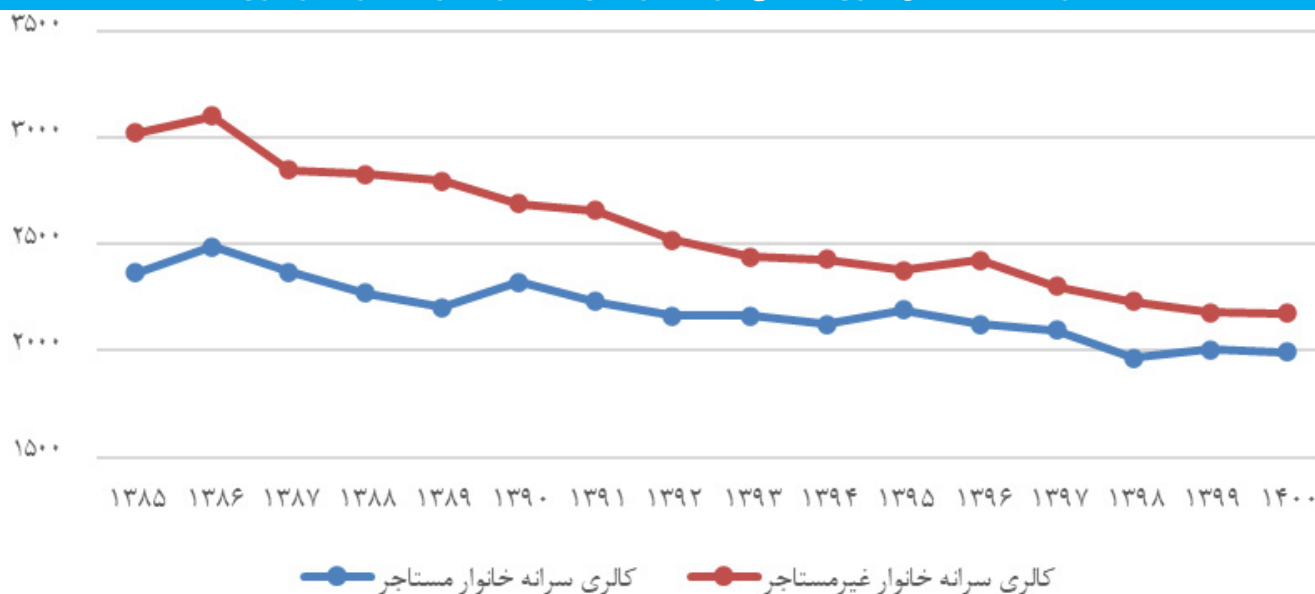


مأخذ: همان.

درصد از خانوارهای مستأجر شهری فقیر هستند، در حدود ۲۲ درصد از خانوارهای شهری غیرفقیر را مستأجران تشکیل می‌دهد.

همان‌طور که در نمودار ۳۶ مشخص است، به‌طور کلی استیجار یک پدیده برای زندگی شهرنشین‌هاست. در سال ۱۴۰۰ در حالی که ۲۶

نمودار ۳۷. میانگین کالری دریافتی سرانه خانوارهای مستأجر و غیرمستأجر (کیلوکالری)





تأمین شود. از این رو با کاهش کالری دریافتی، اختلاف بین کالری دریافتی مستأجران و غیرمستأجران نیز کمتر شده است. بنابراین در یک جمع‌بندی کلی در بررسی وضعیت مستأجران باید عنوان داشت که **اولاً** نرخ استیجار در مناطق شهری در بین فقرا در سال ۱۴۰۰ حدود ۴ واحد درصد بیش از غیرفقرا بوده است. **ثانیاً**، به نظر می‌رسد مستأجران به علت هزینه‌های اجاره، در طول زمان مجبور شدند تا از خوراک خود بکاهند. کالری دریافتی خانوار مستأجر به طور معناداری کمتر از کالری دریافتی خانوار غیرمستأجر است.

همان‌طور که در **نمودار ۳۷** مشخص است، اولاً کالری دریافتی هر دو خانوار مستأجر و غیرمستأجر در طول زمان کاهشی بوده و ثانیاً، کالری دریافتی مستأجران همواره کمتر از کالری دریافتی غیرمستأجران بوده است؛ یعنی می‌توان گفت مستأجران به علت هزینه‌های مسکن ناچار شدند تا خوراک خود را کاهش دهند. در سال ۱۴۰۰ میانگین کالری دریافتی مستأجران حدود ۱۹۹۰ و برای غیرمستأجران حدود ۲۱۰۰ کیلوکالری بوده است. توجه به این نکته نیز ضروری است که میزان کالری دریافتی از یک مقداری دیگر نمی‌تواند کمتر شده و نیازهای یک انسان زنده باید

## جمع‌بندی و دلالت‌های سیاست‌گذاری



بین فقرا و غیرفقرا نداشته است اما در سال ۱۴۰۰ بر خورداری از کودک در فقرا ۱۴ واحد درصد بیش از غیرفقرا در نقاط شهری بوده است. کاهش رفاه و افزایش فقر می‌تواند پیامدهای بسیار زیادی در پی داشته باشد که از این منظر توجه بیش از پیش سیاستگذار را می‌طلبد. در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. **سوء تغذیه کودکان:** کاهش کالری مصرفی به همراه کاهش کیفیت کالری دریافتی، می‌تواند مشکلات سوءتغذیه در کودکان را در پی داشته باشد که بر ضریب هوشی کودکان نیز اثر گذار بوده و می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری برای آینده در پی داشته باشد.

۲. **کاهش سرمایه انسانی و اجتماعی:** در بخش اول نشان داده شد که با گسترش فقر، سهم هزینه آموزش از کل هزینه خانوار نیز روند نزولی داشته و در مقابل سهم مسکن و خوراک روند صعودی داشته است. زمانی که رفاه خانوار کاهش می‌یابد خانوار مجبور است درصد بیشتری از هزینه‌ها را به هزینه‌های ضروری اختصاص دهد و این رو هزینه کمتری را صرف آموزش و افزایش مهارت و توانمندی می‌کند. این موضوع موجب کاهش سرمایه انسانی در آینده خواهد شد و مضرات جبران‌ناپذیری در پی دارد.

**دلالت‌های سیاست‌گذاری** این مطالعه از جنبه‌های متعددی است، اول توجه به وضعیت کلی اقتصاد کلان است که موتور ایجاد فقر در کشور است و دوم توصیه‌های سیاستی مبتنی بر ویژگی‌های فقر است.

**رشد اقتصادی اشتغال‌زا تنها راه کاهش فقر:** عامل اصلی افزایش فقر در اقتصاد ایران رشدهای اقتصادی پایین، تورم‌های بالا و عدم ایجاد اشتغال متناسب با نیازهای اقتصاد است. بدون رشد اقتصادی همراه با اشتغال، نمی‌توان انتظار کاهش فقر داشت؛ زیرا عامل فقر در اقتصاد ایران، برخی ویژگی‌های خاص فقر نیست که باعث شود آنها از رشد اقتصادی باز بمانند بلکه وضعیت کلی اقتصاد است. بنابراین اقتصاد باید اولویت اصلی سیاستگذار باشد.

**دلالت‌های سیاست‌گذاری مبتنی بر ویژگی‌های فقر:**

یک دهه رشد اقتصادی پایین به همراه تورم بالا باعث شده تا خانوارهای ایرانی در دهه ۱۳۹۰ با کاهش رفاه مواجه باشند. بررسی‌های این مطالعه در دو بخش وضعیت فقر و ویژگی‌های فقر نشان از افزایش فقر دارد.

در بخش اول، کاهش رفاه همه گروه‌های درآمدی را نشان می‌دهد که نشان دهنده افزایش فقر است. با کاهش پیوسته درآمد سرانه، به مرور درصد بیشتری از جمعیت کشور به زیر خط فقر رفته و در سال ۱۴۰۰ حدود ۳۰/۴ درصد معادل ۲۶ میلیون نفر زیر خط فقر قرار دارند. همچنین نگاهی به شکاف فقر نشان می‌دهد که فاصله فقرا تا خط فقر نیز بیشتر شده و در مقابل فاصله غیرفقرا تا خط فقر کمتر شده است. همین موضوع باعث می‌شود تا جمعیت بالای خط فقر نیز به لحاظ وضعیت رفاهی، تفاوت چندانی با جمعیت زیر خط فقر نداشته باشد. در بخش دوم خصوصیات فقر بررسی شده است. نتایج این بخش دو رویه قابل توجه را نشان می‌دهد. اول افزایش فقر است که باعث شده فقرا و غیرفقرا به مرور زمان به لحاظ ویژگی به هم نزدیک شوند و دوم پیدایش برخی علل جدید توضیح دهنده فقر است.

اولی به این معناست که با گذر زمان آن دسته از ویژگی‌هایی که باعث تمایز فقرا از غیرفقرا می‌شود، مانند عدم برخورداری از شغل، بی‌سواد، تحصیلات پایین و تفاوت سنی کمتر شده و ویژگی‌های فقرا و غیرفقرا به هم نزدیک تر شده است. این موضوع تأییدی بر افزایش فقر است که نتایج بخش اول هم نشان می‌دهد، یعنی افراد صرفاً به دلیل نداشتن شغل و یا سایر خصوصیات نیست که فقیر می‌شوند بلکه بدتر شدن وضع اقتصادی و کاهش درآمد سرانه باعث شده تا حتی شاغلان یا افراد با تحصیلات بالاتر نیز فقیر شوند.

اما دومی به این معناست که برخی عللی که ذاتاً نباید توضیح دهنده فقر باشند، در سال‌های اخیر و با افزایش هزینه‌های زندگی نسبت به درآمدهای خانوارها، تبدیل به عاملی برای فقر شدند. به عنوان مثال برخورداری از کودک در سال‌های میانی دهه ۱۳۸۰ تفاوت چندانی در

۶. پوشش بخشی از هزینه‌های کودک: یکی از نتایج قابل توجه در این مطالعه، بالاتر بودن نرخ خانوارهای دارای کودک در بین فقرا نسبت به غیرفقرا بوده که با گذشت زمان نیز این اختلاف بیشتر و بیشتر شده است. در حال حاضر سیاستگذار برنامه‌های حمایتی از مادران مانند ثبت نام خودرو را در نظر دارد اما متأسفانه چنین برنامه‌هایی معطوف به فقرا نیست. توصیه می‌شود تا این منابع به جای توزیع رانت در بین مادران، صرف پوشش هزینه‌های مربوط به کودک مانند پرداخت مستمری به خانوارهای دارای کودک، پوشش هزینه‌های تحصیل کودکان و سرویس رفت‌وآمد به مدرسه، هزینه‌های بهداشتی رایگان و یا پوشک و تغذیه رایگان شود.

۷. حمایت از مستأجران: یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که مستأجران به‌طور متوسط همواره کالری دریافتی کمتری نسبت به غیرمستأجران داشتند و همچنین نرخ استفاده از مسکن استیجاری در بین فقرا بیش از غیرفقراست. یک توصیه سیاستی برنامه‌های حمایتی از مستأجران است. در حالی که سیاست‌های مبتنی بر خانه‌دار کردن همه مردم معمولاً با چالش‌های زیادی مواجه است، در دنیا برنامه‌های حمایتی متعددی برای مستأجران از قبیل کمک هزینه اجاره و یا مساکن اجتماعی وجود دارد که می‌تواند برای مدتی از مستأجران حمایت کند تا بتوانند در طول زمان به پس‌انداز کردن برای خرید خانه اقدام کنند.

در کنار همه سیاست‌های حمایتی توصیه شده، توجه به منابع سیاست‌های حمایتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به‌طور کلی تورم‌های مزمن در اقتصاد ایران و رشد‌های اقتصادی بی‌ثبات باعث رشد فقر در اقتصاد ایران شده است. از طرف دیگر سیاست‌های حمایتی اجرا شده نیز تا حدود زیادی بدون منبع درآمدی مشخصی بوده و منابع سیاست‌های حمایتی از محل‌های تورم‌زا تأمین شده که خود باعث تورم بیشتر و بدتر شدن وضع فقرا شده است. شرط لازم برای کاهش فقر در کشور، اول از همه ثبات اقتصاد کلان و کاهش تورم است. بدون کنترل تورم نمی‌توان انتظار بهتر شدن وضعیت اقتصادی را داشت؛ زیرا تورم اولین و اصلی‌ترین عاملی است که سفره فقرا را کوچک می‌کند. پس از آن سیاست‌های حمایتی به نفع فقرا باید به اجرا گذاشته شود.

۱. پوشش بیمه فراگیر: در بخش ویژگی‌های شغلی فقرا مشاهده کردیم که در بر خورداری از شغل تفاوت معناداری بین فقرا و غیرفقرا وجود ندارد اما اختلاف معناداری در بر خورداری از شغل رسمی (دارای بیمه) بین فقرا و غیرفقرا وجود دارد. بنابراین پوشش بیمه فراگیر مشاغل می‌تواند یک سیاست حمایتی برای شاغلان در جلوگیری از ابتلا به فقر باشد.

۲. توانمندسازی و آموزش مهارت‌های شغلی: در بررسی ویژگی‌های شغلی فقرا مشاهده شد که یکی دیگر از تفاوت‌های شغلی فقرا و غیرفقرا در بر خورداری از مشاغل ساده است. به نحوی که درصد بر خورداری از مشاغل ساده در بین فقرا اختلاف معناداری با غیرفقرا دارد. از این رو توانمندسازی و برنامه‌های آموزش مهارت‌های شغلی یک توصیه سیاستی برای حمایت از خانوارهای فقیر است.

۳. تداوم برنامه‌های سوادآموزی: یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که نرخ باسوادی تفاوت معناداری در بین فقرا و غیرفقرا داشته و با افزایش سال‌های تحصیل نیز احتمالاً از میزان فقر کاسته می‌شود. بنابراین تداوم برنامه‌های سوادآموزی به خصوص برای خانوارهای فقیر و تسهیل افزایش سال‌های تحصیل آنها یک سیاست حمایتی برای بهبود وضعیت معیشت فقرا خواهد بود.

۴. حمایت‌های مرتبط با دوران سالمندی: نتایج نشان می‌دهد که سالمندی به خصوص در مناطق روستایی، می‌تواند عاملی برای فقیر شدن باشد. بنابراین افزایش پوشش بیمه روستاییان می‌تواند به عنوان سیاستی برای خروج از فقر در نظر گرفته شود. همچنین با افزایش تعداد جوانان بدون شغل رسمی، این نسل نیز در دوران سالمندی با احتمال فقیر شدن مواجه‌اند. بنابراین سیاستگذار باید از همین لحظه سیاست‌هایی را هم معطوف به سالمندان فعلی و هم معطوف به سالمندان آینده در پیش گیرد. حساب اندوخته اجباری می‌تواند یکی از این سیاست‌ها باشد.

۵. توانمندسازی زنان و تسهیل اشتغال زنان: زن سرپرست بودن به خصوص در مناطق روستایی احتمال فقیر بودن را افزایش می‌دهد. از این رو تسهیل اشتغال زنان و فراهم کردن مشاغل روستایی مناسب برای زنان سرپرست خانوار می‌تواند یک سیاست حمایتی در این راستا باشد.

### پ-۱. خط فقرهای استانی

خط فقرهای استانی سرانه برای سال ۱۴۰۰ در جدول ۱ آمده است. در این خصوص قابل ذکر است که استان‌هایی که در روش محاسباتی در

یک خوشه قرار گرفته‌اند، خط فقر یکسان دارند. همچنین در شهرهای بزرگ، خط فقر به صورت جداگانه محاسبه شده است. بالاترین خط فقر برای شهر تهران است که خط فقر سرانه ۳۲۰۰ هزار تومان است و بر این اساس برای یک خانوار چهار نفره در شهر تهران، حدود ۸ میلیون و ۶۸۰ هزار تومان خواهد بود.



جدول ۲. خط فقر استانی در سال ۱۴۰۰ سرانه - ریال

شهرهای بزرگ و مناطق شهری استان‌ها		مناطق روستایی استان‌ها	
نام شهر یا استان	خط فقر	نام استان	خط فقر
شهر تهران	۳۲,۱۶۷,۲۲۲	تهران	۱۷,۴۹۰,۸۱۷
شهر رشت	۲۲,۲۶۴,۵۳۲	البرز	۱۷,۴۹۰,۸۱۷
شهر شیراز	۲۲,۲۶۴,۵۳۲	مازندران	۱۴,۸۰۷,۴۰۶
شهر اصفهان	۲۲,۲۶۴,۵۳۲	اصفهان	۱۴,۸۰۷,۴۰۶
شهر بندرعباس	۲۲,۲۶۴,۵۳۲	گیلان	۱۲,۱۱۶,۶۲۹
شهر کرج	۲۲,۲۶۴,۵۳۲	آذربایجان شرقی	۱۲,۱۱۶,۶۲۹
شهر اراک	۱۷,۷۴۶,۵۷۳	بوشهر	۱۲,۱۱۶,۶۲۹
مرکزی	۱۷,۷۴۶,۵۷۳	یزد	۱۲,۱۱۶,۶۲۹
گیلان	۱۷,۷۴۶,۵۷۳	قزوین	۱۲,۱۱۶,۶۲۹
مازندران	۱۷,۷۴۶,۵۷۳	مرکزی	۱۰,۶۹۱,۲۳۲
تهران	۱۷,۷۴۶,۵۷۳	کرمانشاه	۱۰,۶۹۱,۲۳۲
قم	۱۷,۷۴۶,۵۷۳	فارس	۱۰,۶۹۱,۲۳۲
قزوین	۱۷,۷۴۶,۵۷۳	چهارمحال و بختیاری	۱۰,۶۹۱,۲۳۲
البرز	۱۷,۷۴۶,۵۷۳	کهگیلویه و بویراحمد	۱۰,۶۹۱,۲۳۲
شهر تبریز	۱۷,۷۴۶,۵۷۳	زنجان	۱۰,۶۹۱,۲۳۲
شهر کرمانشاه	۱۷,۷۴۶,۵۷۳	سمنان	۱۰,۶۹۱,۲۳۲
شهر کرمان	۱۷,۷۴۶,۵۷۳	هرمزگان	۱۰,۶۹۱,۲۳۲
شهر مشهد	۱۷,۷۴۶,۵۷۳	قم	۱۰,۶۹۱,۲۳۲
شهر همدان	۱۷,۷۴۶,۵۷۳	گلستان	۱۰,۶۹۱,۲۳۲
شهر یزد	۱۷,۷۴۶,۵۷۳	خراسان شمالی	۱۰,۶۹۱,۲۳۲
آذربایجان شرقی	۱۴,۰۹۱,۱۹۷	آذربایجان غربی	۱۰,۵۵۵,۳۱۶
کرمانشاه	۱۴,۰۹۱,۱۹۷	کرمان	۱۰,۵۵۵,۳۱۶
فارس	۱۴,۰۹۱,۱۹۷	خراسان رضوی	۱۰,۵۵۵,۳۱۶
اصفهان	۱۴,۰۹۱,۱۹۷	کردستان	۱۰,۵۵۵,۳۱۶
کردستان	۱۴,۰۹۱,۱۹۷	همدان	۱۰,۵۵۵,۳۱۶
همدان	۱۴,۰۹۱,۱۹۷	لرستان	۱۰,۵۵۵,۳۱۶
چهارمحال و بختیاری	۱۴,۰۹۱,۱۹۷	ایلام	۱۰,۵۵۵,۳۱۶
لرستان	۱۴,۰۹۱,۱۹۷	اردبیل	۱۰,۵۵۵,۳۱۶
ایلام	۱۴,۰۹۱,۱۹۷	خراسان جنوبی	۱۰,۵۵۵,۳۱۶
کهگیلویه و بویراحمد	۱۴,۰۹۱,۱۹۷	خوزستان	۸,۴۳۶,۸۸۷
بوشهر	۱۴,۰۹۱,۱۹۷	سیستان و بلوچستان	۸,۴۳۶,۸۸۷
زنجان	۱۴,۰۹۱,۱۹۷		
سمنان	۱۴,۰۹۱,۱۹۷		
هرمزگان	۱۴,۰۹۱,۱۹۷		
گلستان	۱۴,۰۹۱,۱۹۷		

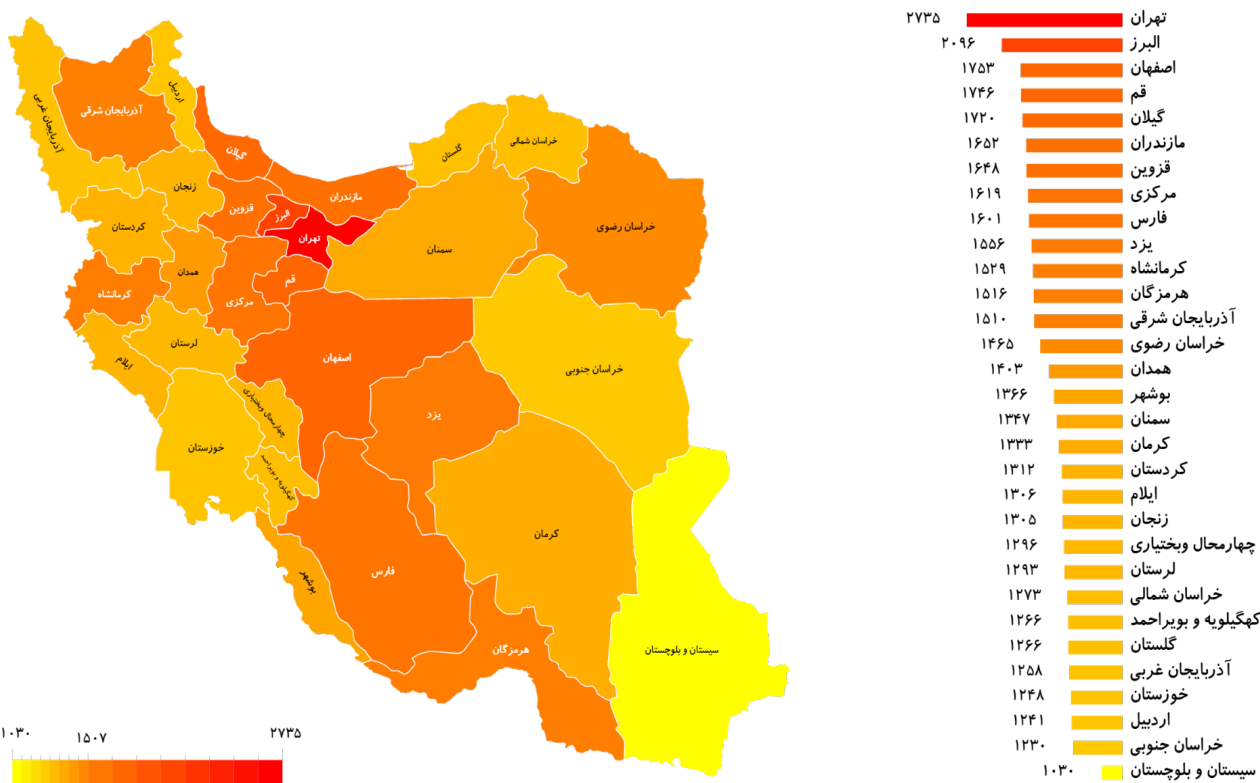
شهرهای بزرگ و مناطق شهری استان‌ها		مناطق روستایی استان‌ها	
نام شهر یا استان	خط فقر	نام استان	خط فقر
خراسان شمالی	۱۴,۰۹۱,۱۹۷		
شهر ارومیه	۱۴,۰۹۱,۱۹۷		
شهر اهواز	۱۴,۰۹۱,۱۹۷		
آذربایجان غربی	۱۳,۳۲۳,۵۸۷		
خوزستان	۱۳,۳۲۳,۵۸۷		
کرمان	۱۳,۳۲۳,۵۸۷		
خراسان رضوی	۱۳,۳۲۳,۵۸۷		
یزد	۱۳,۳۲۳,۵۸۷		
اردبیل	۱۳,۳۲۳,۵۸۷		
خراسان جنوبی	۱۳,۳۲۳,۵۸۷		
شهر زاهدان	۱۳,۳۲۳,۵۸۷		
سیستان و بلوچستان	۱۰,۷۴۹,۱۰۹		

مأخذ: محاسبات تحقیق.

## پ-۲. رتبه‌بندی استان‌ها در خط فقر

در شکل‌های پ-۱ و پ-۲ استان‌های کشور به ترتیب عدد خط فقر و همچنین به ترتیب رتبه محرومیت نشان داده شده‌اند

شکل ۱. نقشه خط فقر سرانه استانی در سال ۱۴۰۰ - هزار تومان



مأخذ: محاسبات مرکز پژوهش‌ها براساس داده‌های هزینه و درآمد خانوار مرکز آمار ایران.



## منابع و مآخذ



۱. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، معاونت رفاه اجتماعی، دفتر مطالعات رفاه اجتماعی، گزارش شماره ۸۹. مجموعه گزارش‌های پایش فقر ۱. پایش فقر در سال ۱۳۹۹ و گزارش شماره ۱۱۹. پایش فقر در سال ۱۴۰۰- قابل دستیابی در وبسایت دفتر مطالعات رفاه اجتماعی به آدرس اینترنتی:  
<https://saman.mcls.gov.ir/fa/home/article>

۲. بیانات در دیدار تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی، ۱۴۰۰/۱۱/۱۰.





## مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: [mrc@majles.ir](mailto:mrc@majles.ir)

وبسایت: [rc.majles.ir](http://rc.majles.ir)